

تلنگر

شماره ویژه شهریور و مهر ۱۳۹۴ - پرونده اقتصادی ایران



پوتین جشن پیروزی می گیرد و اوباما تماشا می کند / تحلیل اقتصادی؛
بحران بدهی در ایران / رفتارهای توده‌وار در اقتصاد ایران

هر آنچه سخت است و استوار
دود می شود و به هوا می رود

تلنگر

پرونده اقتصادی

صاحب امتیاز:

مرکز مطالعات لیبرالیسم

آدرس اینترنتی تلنگر:

<http://bamdadkhabar.com>/تلنگر

در این شماره می خوانید:

در آمدی بر دو نظریه «حقوق اساسی» و «پادشاهی قانونی»: چند بررسی
تاریخی و عملی در اروپا /صفحه ۴

دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی: اولین قربانی توافق هسته‌ای وین، فعالان
حقوق بشر خواهند بود /صفحه ۸

تحلیل اقتصادی؛ بحران بدهی در ایران /صفحه ۱۰

مهدی جلالی در گفتگو با ”تقاطع“: قاسم سلیمانی خود را در نقش مختار
ثقفی می بیند /صفحه ۴۴

پوتین جشن پیروزی می گیرد و اواما تماشا می کند /صفحه ۴۹

ابعاد جدید نزاع کهنه ایران و عربستان در گفتگو با کامبیز غفوری /صفحه ۳۲

در آمدی بر دو نظریه «حقوق اساسی» و «پادشاهی قانونی»: چند بررسی تاریخی و عملی در اروپا



مانی فرزام

در اروپا تا سال ۱۹۱۴ یعنی آغاز جنگ اول جهانی تنها سه جمهوری وجود داشت: فرانسه، پرتغال و سوییس. بعد از این جنگ بود که هشت پادشاهی، پنج امپراتوری و هجده سلسله در اروپا از میان رفتند.

بوگدانور اعتقاد دارد دلیل فروپاشی پادشاهی در این دوره بیشتر ناشی از شکست‌های نظامی سه امپراتوری بزرگ اتریش-مجارستان، روسیه و آلمان بود تا گسترش باورهای جمهوری خواهانه.

هرچند یونان و ایتالیا به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز و قانونی جمهوری شدند اما دلیل گسترش جمهوری‌ها بیشتر به دلیل شکست امپراتوری‌های پیشین و جست‌وجو برای یک مدل جایگزین در شرایط خلأ بعد از جنگ بود.

از سوی دیگر، حکومت قانون (مشروطه) کم و بیش در تمامی کشورهای اروپایی و آمریکا در چند سده‌ی اخیر، جز در موارد مقطعی، حاکم بوده است و اگر اتفاقات جنگ جهانی اول را بر حسب آنچه گفته شد مستثنایی با دلایل مشخص توازن قوا در سطح جهانی بدانیم، می‌توانیم «حاکمیت حقوق اساسی» (مشروطیت) را مهم‌ترین الگوی سیاسی غرب در دوران مدرن بدانیم. «پادشاهی» (monarchy) یکی از قدیمی‌ترین مفاهیم و نهادها هم در قلمرو اندیشه و ایده و هم در قلمرو عملی سیاست



ورنون بوگدانور، استاد بازنشسته‌ی علوم سیاسی دانشگاه آکسفورد و استاد نخست وزیر کنونی بریتانیا، دیوید کامرون، در کتاب «پادشاهی و مشروطه» (۱۹۹۵) می‌نویسد با اینکه نظام پادشاهی «علت» ثبات سیاسی نیست، اما باثبات‌ترین کشورهای اروپایی در سده‌های گذشته حکومتی پادشاهی داشته‌اند



پاپ باشد. عامل موثر دیگر در رشد نظریه‌ی مشروطیت، مناقشاتی بود که در طی جنگ داخلی انگلستان سده‌ی هفدهم و بر سر مسأله‌ی حاکمیت میان نیروهای سیاسی وقت در گرفت.

به لحاظ تاریخی، اگر منشور بزرگ بریتانیا را آغاز مشروطیت در جهان بدانیم، اشاره به برخی بندهای آن می‌تواند معنای حکومت قانون را در معنای مدرنش بیشتر روشن کند. ماگنا کارتا در شصت و سه بند نگاشته شد و نمادین‌ترین بند آن، بند ۳۹ بود که در آن تصریح شده است که هیچ کس نباید زندانی شود مگر روال قانونی را طی کرده باشد. در بندی دیگر به مشورت حاکم با دیگران پیش از وضع مالیات جدید تاکید شده است. در بخشی از آن به نظارت بر رفتار مقام‌های سلطنتی اشاره کرده‌اند و در جای دیگر آزادی کلیسا به رسمیت شناخته شده است (متن منشور بزرگ، نگ. Holt, J. C., Magna Carta, Cambridge University Press, ۱۹۶۵). حکومت قانون در ماگنا کارتا برای نخستین بار اینگونه تحقق یافت که پادشاه پایین‌تر از قانون قرار دارد و حقوق افراد نیز بر امیال پادشاه اولویت پیدا کردند.

به این معنا، دو اصل بنیادین هر حکومت قانونی (مشروطه) را می‌توان «تاکید بر حقوق فردی» و «اقتدار قانون» دانست. اهمیت ماگنا کارتا فقط در اصول بر نهاده‌ی آن نبود، بلکه در ضمن از ضمانت اجرایی برخوردار بود. کنسولی شکل‌گرفته از ۲۵ بارون باید تایید می‌کردند که پادشاه جورج به اصول منشور توجه کرده است؛ آن‌ها این اختیار را داشتند که علیه او اقامه‌ی دعوا کنند. در سده‌ی سیزدهم میلادی، چنین چیزی دور از ذهن به نظر می‌رسد چرا که بعدتر در طول سال‌ها به تدریج قدرت نظارت بر پادشاه افزایش یافت اما بودند بسیاری از کشورهایی که نتوانستند پادشاهی مطلق را مشروط کنند. دلیل پیروزی منشور بزرگ در بریتانیا را باید در شکل‌گیری یک طبقه‌ی قدرتمند از بارون‌ها و شوالیه‌ها دانست.

است، اما حکومت قانون به معنای امروزشنش مفهومی جدید است و تاریخ آغاز آن را اغلب دانشمندان حقوق و سیاست به امضای منشور بزرگ (Magna Carta) بریتانیا در سال ۱۲۱۵ می‌دانند. «پادشاهی» به معنای دقیق کلمه دولتی (state) است که توسط یک حاکم فردی مطلق و موروثی اداره می‌شود. «پادشاهی قانونی» (constitutional monarchy) به دولتی اطلاق می‌شود که در رأس آن حاکمی قرار دارد که بر اساس قانون اساسی عمل می‌کند. قانونی اساسی می‌تواند «نوشته‌شده» و «محدود» باشد، اما می‌تواند همانند قانون اساسی بریتانیای کنونی و نیوزیلند کنونی «نوشته» و نامشخص باشد.

واژه‌ی پادشاهی قانونی یا «پادشاهی مشروطه» را برای نخستین بار نویسنده‌ای فرانسوی به نام دوپره (W. Dupré) در سال ۱۸۰۱ به کار برد (La monarchie constitutionnelle). در پادشاهی‌های قانونی مدرن، قدرت پادشاه بسیار محدود است به طوری که قانون اساسی در واقع حق حاکمیت چندانی به پادشاه نمی‌دهد و به مقامی تشریفاتی تنزل پیدا کرده است. تا پیش از ۱۹۱۴، تنها بریتانیا، ایتالیا، دانمارک، نروژ، سوئد و سه کشور کوچک بلژیک و لوکزامبورگ و هلند صاحب پادشاهی قانونی بودند. از میان سه امپراتوری بزرگ آن زمان، تنها امپراتوری اتریش-مجارستان تا اندازه‌ای دارای دولت مشروطه بود اما روسیه‌ی تزاری و امپراتوری آلمان را نمی‌توان حکومت‌هایی مشروطه دانست.

ریشه‌های نظریه‌ی دولت مشروطه به چند دوره و چند خاستگاه بازمی‌گردد. نخستین ریشه‌ی حکومت قانون حقوق رومی است. بخشی دیگر از ریشه‌های حاکمیت قانون را باید در اروپای فئودالی و کشمکش‌های درونی کلیسا یافت. «جنبش شورایی» میان سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۴۱۰ میلادی باعث شد هیأت انتخابگر پاپ‌ها در کلیسا مدعی شد اگر شورای کلیسا می‌تواند پاپ را تعیین کند که در آن صورت خود باید برتر از

در این شرایط و بعد از آن بود که پارلمان چند دهه بعد در دوران پادشاهی ادوارد اول (شروع سلطنت ۱۲۷۲) به وجود آمد و نخستین حکومت مبتنی بر نمایندگی در جهان شکل گرفت. اشاره به این فاصله‌ی تاریخی از این جهت اهمیت دارد که پادشاهی قانونی از نظر تاریخی همان «پادشاهی پارلمانی» نیست، هرچند امروز در تمامی کشورهای اروپایی که نظام پادشاهی دارند، دموکراسی از طریق نمایندگان مردم تحقق پیدا می‌کند. در واقع کشورهای امروزی پادشاهی غربی را در بافتار تاریخی باید «پادشاهی‌های قانونی پارلمانی دموکراتیک» دانست.

ماگنا کارتا در شکل‌گیری مفهوم مشروطیت در انگلستان و بعد در کشورهای دیگر، و نیز در نظریه‌های سیاسی اهمیت زیادی دارد، چرا به رغم چند مقطع تاریخی که در بریتانیا حکومت از اصول مشروطه فاصله گرفت و به استبداد مطلقه گروید، این پیمان‌نامه‌ی میان طبقات و مردم و شاه، دستاویزی برای اصلاحات بعدی شد. چنانکه در سده‌ی ۱۷، ماگنا کارتا به وسیله‌ی در دستان پارلمان‌تاریان‌ها علیه هواداران قدرت الهی پادشاه بدل شد. مفهوم قانون اساسی به معنای قوانین «بنیادی یا عرفی» اساس دفاعیه‌ی سر ادوارد کوک (حقوقدان انگلیسی م. ۱۶۳۴) از حقوق عرفی انگلستان را تشکیل می‌داد.

اما در اواخر سده‌ی هفدهم، در زمان پادشاهی جیمز دوم (م. ۱۷۰۱) بود که مخالفانش او را از تخت سلطنت پایین کشیدند اما با شرط دادن امتیازهای بیشتر به پارلمان، شاه ویلیام سوم و ملکه ماری دوم را به جای او نشانند. این رویداد که به «انقلاب باشکوه» (۱۶۸۸) بریتانیا مشهور است و مشهورترین جابجایی قدرت بدون خونریزی در تاریخ است، سنت مشروطه را در انگلستان اثبات می‌کند. سندی که برای محدودیت اختیارات پادشاه تنظیم شد به «منشور حقوق» (Bill of Rights ۱۶۸۹) است، متنی که دستمایه‌ی فلسفه‌ی سیاسی جان لاک شد.

«منشور حقوق ۱۶۸۹» را نباید با «منشور حقوق ایالات متحده آمریکا» (۱۷۸۹) اشتباه گرفت. منشور حقوق سندی برای کاستن اختیارات حاکم در مقابل پارلمان و تأسیس نخستین شکل پادشاهی پارلمانی به معنای واقعی کلمه بود.

در «منشور حقوق» تاکید شد که پادشاه حق ندارد در ساختار حقوقی با ایجاد گروه‌های هوادار خود دخالت کند. پادشاهان استوارت از این حق برای پیشبرد اهداف سیاسی خود استفاده می‌کردند.

به‌عنوان نمونه، شاه جیمز دوم یکبار شش قاضی را برای تصویب قانونی که نیاز داشت عزل کرده بود. بعد از انقلاب باشکوه، تنها پارلمان می‌توانست قضات را عزل کند. پارلمان مسئول هزینه‌های دربار شد و پادشاه دیگر حق نداشت در زمان صلح نیروی نظامی در کنار خود داشته باشد. در واقع، با منشور حقوق بازوان اقتصادی و نظامی پادشاه از او گرفته شدند و در اختیار پارلمان قرار گرفتند.

بنابراین، به لحاظ تاریخی می‌توان گفت حکومت قانون در اروپا به تدریج در سده‌های اخیر تثبیت شد و تا دهه‌ی دوم سده‌ی بیستم بیشتر این کشورها توانسته بودند چنین حکومتی را در ساختار پادشاهی تحقق بخشند. همانطور که اشاره کردیم، به تناسب ثبات و استمرار سیاسی حکومت قانون، حکومت‌ها دستخوش تغییرات سیاسی شدند. در میان این کشورها، آنهایی که نظام پادشاهی را حفظ کردند (جز اسپانیا) از ثبات سیاسی بیشتری در تاریخ برخوردار بوده‌اند. اما جز گواهی تاریخی، چه تفاوت‌هایی میان کشورهای جمهوری و پادشاهی وجود دارد؟ این بحث، یکی از زمینه‌های لازم برای طرح نظریه‌ی جمهوری‌خواهی و نظریه‌ی پادشاهی قانونی را فراهم می‌کند. مونتسکیو اعتقاد داشت جمهوری برای کشورهای کوچک و دولت-شهرها (کشورهای شکل‌گرفته از چند حکومت محلی نیمه‌خودمختار) مناسب است.

به هر ترتیب، این پرسش مطرح است که جمهوری و پادشاهی در سایه‌ی حکومت قانون چه مزایا و چه معایبی دارند؟ و پیش از این، تجربه‌های عینی و پرسش‌های مشخص بر اساس تجربه‌ی تاریخی چه کمکی می‌توانند به ما بکنند تا نظریه‌های پادشاهی و جمهوری را بهتر بفهمیم. در نوشته‌ی آینده به چند نمونه‌ی تجربی می‌پردازیم.

منابع:

Bogdanor, Vernon, Monarchy and –
Constitution, Oxford University Press
۱۹۹۵.

Vincent, Andrews, Theories of the –
State, Basil Blackwell, ۱۹۸۷.

او که پیش از انقلاب بزرگ فرانسه می‌زیست، شیفته‌ی مشروطه‌ی انگلیسی بود. او معتقد بود که پادشاهی قانونی و مشروطه چون در بند قانون است از جمهوری مناسب‌تر است، چرا که سازوکاری برای مهار قدرت رییس‌جمهور در آن پیش‌بینی نشده است.

اما تجربه‌های تاریخی نشان دادند که جمهوری‌ها نیز می‌توانند مقید به قانون باشند، هرچند کشورهایی که تجربه‌ی جمهوری دارند معمولاً از ثبات سیاسی کمتری برخوردار بوده‌اند. هراس مونتسکیو از استبداد بود به همین دلیل اعتقاد داشت باید قوا در توافقی تعدیل‌کننده یکدیگر را مهار کنند. البته پیش‌تر، جان لاک به کارکردهای قدرت در حکومت اشاره کرده بود اما مونتسکیو تبیینی دقیق‌تر از نظریه‌ی دولت ارائه داد.



آیزایا برلین، یکی از پردرخشش‌ترین مردان قرن بیستم بود که توانست با هوش خیره‌کننده و نیروی تفکر و شخصیت محبوبش به مقام استادی و ریاست یکی از کالج‌های آکسفورد برسد

دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی: اولین قربانی توافق هسته‌ای وین، فعالان حقوق بشر خواهند بود



آقای اسلامی که بعد از روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴ از ایران خارج شد و در سال ۱۳۸۸ حمایت خود را از معترضان به نتایج انتخابات ریاست جمهوری آن سال اعلام کرد، در گفتگو با «تقاطع» تصریح کرده که قرار گرفتن نامش در کنار نام سه دیپلمات پیشین دیگر جمهوری اسلامی در زیر بیانیه‌ای با عنوان «حمایت مجمع دیپلمات‌های سبز ایران از توافق اتمی» بدون اطلاع وی صورت گرفته و او با محتوای آن بیانیه مخالف است.

وی که سابقه‌ی عضویت در «اداره خلع سلاح وزارت خارجه» جمهوری اسلامی را در کارنامه‌ی خود دارد تاکید می‌کند که از آغاز اعتقاد داشته «هدف رژیم ایران از برنامه‌ای اتمی‌اش، معامله با غرب جهت گروگان گرفتن مردم ایران بوده است».

او در بیانیه‌ای که در همین خصوص منتشر کرده می‌نویسد: «این روزها هیاهوی «جنگ جنگ» نایاک و عوامل سپاه و اطلاعات، آن‌چنان مردم را به وحشت انداخته که حتی مادران جوانانی که در کهریزک‌های ایران زیر شکنجه شهید شدند، از کنگره آمریکا تقاضا دارند توافق اوپاما-خامنه‌ای را تصویب کند و ۱۲۰ میلیارد دلار را به رژیمی بدهد که ماه‌ها است حقوق سرکوب‌گران و شکنجه‌گرانش دیر شده است».

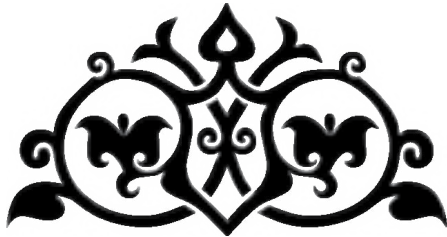
ای کاش این مادران می‌دانستند که هیچ‌گاه خارجی‌ان راضی به مرگ رژیم نبوده‌اند؛ برعکس دلارهای نفتی خارجی‌ان تاکنون



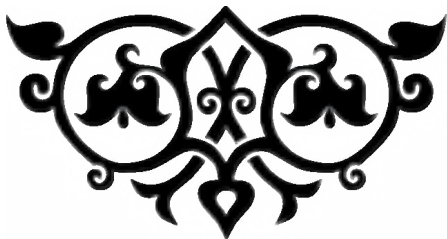
ابوالفضل اسلامی، دیپلمات
پیشین سفارت جمهوری اسلامی
در ژاپن می‌گوید نه تنها بیانیه‌ای
در حمایت از توافق هسته‌ای وین
امضا نکرده بلکه معتقد است
این توافق موجب «تداوم حیات»
رژیم حاکم بر ایران خواهد شد



وی در بخش پایانی بیانیه‌ی خود خاطر نشان کرده که با اجرایی شدن توافق هسته‌ای وین، «دلارهای نفتی مانند خون به بدن در حال مرگ جمهوری اسلامی تزریق می‌شود و با از سرگیری معاملات با غرب، حکومت جان تازه‌ای خواهد گرفت».



با قطع دلارهای نفتی و کسر حقوق بسیجیان و سرکوبگران، توان رژیم در مقابله و سرکوب مردم کاهش یافته بود



ابوالفضل اسلامی در انتهای این بیانیه می‌نویسد: «مادران عزادار ای کاش می‌دانستند که رژیم ۱۲۰ میلیارد دلار دریافتی را صرف تحکیم مواضع خود و تجهیز سپاه و بسیج برای تشدید سرکوب‌های داخلی خواهد کرد و به محض جان گرفتن دوباره، حتی صدای اعتراض همین مادران را نیز سرکوب می‌کند. مطمئن باشید در این بازی مردم ایران بازنده اصلی هستند و بعد از دریافت ۱۲۰ میلیارد دلار، اولین قربانی، فعالان حقوق بشر در ایران خواهند بود. با چنین دیدگاهی من هیچ‌گاه از تسلیم‌نامه‌ی اتمی حمایت نکرده و نخواهم کرد».

موجب بقای رژیم بوده است.» ابوالفضل اسلامی با تاکید بر این‌که «شرایط امروز اروپا و آمریکا به هیچ وجه با زمان ریاست جمهوری جورج بوش قابل مقایسه نیست» می‌افزاید: «اصلاً وقتی رژیم فقط با چند ماه قطع دلارهای نفتی، به راحتی تسلیم شد و اتم را داد و مجبور شد ذخیره‌ی اورانیوم خود را اُکسید کند، دیگر چه حاجتی به جنگ؟!» این دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی در بیانیه‌ی خود به سابقه‌ی تاثیرگذاری فشار خارجی بر رفتار جمهوری اسلامی اشاره کرده و نوشته است: «سال‌ها ترورهای زنجیره‌ای رژیم در داخل و خارج ادامه داشت تا ترور میکونوس که منجر به خروج سفرای اروپایی از تهران شد.

به محض این خروج دسته‌جمعی، رژیم، ترورها را متوقف کرد تا سفرای بازگردند و دلارهای نفتی قطع نشود.» او سپس تاثیر قطع درآمدهای نفتی جمهوری اسلامی بعد از اعمال تحریم‌های شدید بین‌المللی را این‌گونه برشمرد است: «با قطع دلارهای نفتی و کسر حقوق بسیجیان و سرکوبگران، توان رژیم در مقابله و سرکوب مردم کاهش یافته بود؛ گروه‌های تروریستی نظیر حزب‌الله، حماس، گروه‌های جهادی در عراق، افغانستان و سایر کشورهای منطقه درمانده شده بودند به طوری که حماس راهی عربستان شد. سپاه در تأمین میلیاردها دلار هزینه تولید اورانیوم و توسعه موشک‌های دوربرد و تهیه سلاح و تجهیزات سرکوب درمانده شده بود؛ و سفارت‌ها و دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم در خارج و سازمان‌های تروریستی وابسته به سپاه قدس در معرض ریزش بودند.»

آقای اسلامی در ادامه نتیجه گرفته که «اگر سیاست منافقانه و هیاهوی خطر جنگ نبود و مذاکرات اتمی با تامل بیشتری انجام می‌شد، رژیم ایران مجبور می‌گردید، رعایت حقوق شهروندی ایرانیان را نیز در توافق بپذیرد».

تحلیل اقتصادی؛ بحران بدهی در ایران



حمید بابایی

اقتصاد ایران با بحران‌های متعدد و درهم پیچیده‌ای دست و پنجه نرم می‌کند که یکی از مهم‌ترین این بحران‌ها انباشتگی بدهی سازمان‌ها و بنگاه‌های ایران به یکدیگر است که در سال‌های اخیر، مشکلاتی را در پرداخت حقوق ماهیانه کارکنان، توقف واحدهای تولیدی و غیره به وجود آورده است. در این میان بدهی‌های دولت ایران بیشتر از همه مورد توجه بوده است چرا که دولت به عنوان بزرگ‌ترین کنش‌گر اقتصادی می‌تواند تأثیر چشم‌گیری بر فضای کسب و کار، رونق و رکود داشته باشند. در سال‌های اخیر بدهی‌های دولت ایران، همواره مورد بحث وزرای مختلف دولت و مدیران ارشد سازمان‌های بزرگ دولتی بوده است. آن‌ها در حالی بیشتر مشکلات پیش رو را ناشی از بدهی‌های هنگفت دولت می‌دانند که تاکنون دولت‌های مختلف نه تنها راه‌حلی برای آن ارائه نکرده‌اند بلکه این بدهی‌ها به صورت ابزاری جهت پاسخ‌گویی و توجیه برای مدیران درآمده تا انواع مشکلات و کاستی‌ها را به بدهی یا طلب سازمان خود مرتبط می‌سازند.

آمارهایی هم که در ایران در مورد انواع بدهی‌های بخش‌های مختلف به هم ارائه می‌شود چندان دقیق نیست و بارها پیش آمده که مدیران و وزرا ارقام ضدونقیضی را ارائه کرده‌اند به طوری که به گفته وزیر اقتصاد ایران کل بدهی‌های دولت بالغ بر ۲۵۰ هزار میلیارد تومان است در حالی که نگاهی به اظهارات سایر مسوولین دولت نشان می‌دهد که رقم واقعی از این مقدار نیز بیشتر است. دولت ایران به بانک‌ها، پیمان‌کاران بخش خصوصی، تأمین اجتماعی، نیروگاه‌ها و شهرداری‌ها بدهکار است. رقم بدهی دولت به بانک‌ها ۱۰۰ هزار میلیارد تومان اعلام شده و رقم بدهی به پیمانکاران خصوصی به گفته رییس سازمان حسابرسی، ۹۴ هزار میلیارد تومان است. از طرفی به گفته معاون سازمان تأمین اجتماعی، بدهی دولت به



حمید بابایی دانشجوی مقطع دکترای فایننس در دانشگاه لی‌یژ بلژیک است. او در مردادماه ۱۳۹۲ در سفری به ایران بازداشت شد و در حال حاضر، محکومیت شش سال حبس خود را در زندان رجایی‌شهر کرج سپری می‌کند



مالی طرح‌های جدید استفاده می‌شود با این توضیح که این سازمان‌ها به دلیل بهره‌وری بالا و نیز کار کارشناسی به هنگام تعریف پروژه، ریسک نکول بسیاری پایینی دارند و اغلب قادر به بازپرداخت بدهی‌های خود هستند و به ندرت پیش می‌آید که یک سازمان پس از انتشار این اوراق نکول کند. اما ماهیت بسیاری از بدهی‌ها در ایران نه به صورت ابزاری در جهت تأمین سرمایه برای پروژه‌های جدید یا ابزاری در سطح کلان و در خدمت بانک مرکزی بلکه به علت عدم تحقق به موقع تعهدات سازمان‌ها و نهادها به یکدیگر و بیشتر در اثر انباشتگی تعهدات معوق پدید آمده است و به همین دلیل می‌توان این بدهی‌ها را به صورت یک بحران در نظر گرفت.

برای مثال انباشت این تعهدات به سازمان تأمین اجتماعی، از یک سو باعث شده این سازمان تا مرز بحران پیش برود به طوری که در پرداخت حقوق بازنشستگان با مشکل مواجه شده است؛ و از سوی دیگر، موجب توقف پروژه‌های عمرانی شده که تعدادشان به چند هزار پروژه می‌رسد.

حال این سوال پیش می‌آید که در طول دهه‌های گذشته، دولت چگونه با مشکل دیون سنگین خود کنار آمده است. یک اصل اقتصادی در مورد بدهی وجود دارد که اگر بخواهیم آن را به زبان ساده بیان کنیم این است که در اقتصاد با تورم بالا، بدهکار برنده و طلبکار بازنده است و در واقع این اصل به این معنی است که در صورت وجود تورم، بدهکار با هزینه‌ی اقتصادی کمتری بدهی خود را بازپرداخت می‌کند در حالی که مورد طلبکار ارزش مقدار سرمایه در گردش که بدهکار داده با گذشت زمان کاهش پیدا می‌کند.

هزینه اقتصادی کمتر یعنی اینکه در شرایط وجود تورم، لازم نیست برای بازپرداخت بدهی همان ارزش اقتصادی در زمان دریافت بدهی ایجاد شود بلکه با ایجاد ارزش کمتر و با استفاده از تورم، بازپرداخت مقدار ثابت بدهی آسان‌تر

این سازمان نزدیک به ۱۰۰ هزار میلیارد تومان است که جمع فقط این سه مورد برابر با ۲۹۴ هزار میلیارد تومان می‌شود که بیشتر از رقم اعلام شده توسط وزیر اقتصاد ایران است. می‌توان گفت دولت به عنوان دارنده بیشترین مقدار بدهی، خود در رأس ایجاد بحران بدهی در ایران است که البته هیچ‌گاه به طور جدی درصدد حل آن برنیامده و اصلاً راه‌حلی نیز برای این بحران ارائه نکرده است. انباشت انواع بدهی در ایران آن قدر وسیع است که نه تنها در سطح بنگاه‌ها مشکلاتی را در پرداخت حقوق کارکنان و غیره ایجاد کرده بلکه در سطح کلان نیز موانعی را در برابر ایجاد اشتغال و توسعه‌ی کشور به وجود آورده است. حجم انواع این بدهی‌ها در ایران در سال‌های گذشته همواره روند رو به رشد داشته و باعث توقف بسیاری از پروژه‌های عمرانی و طرح‌های جدید نیز شده و بدین ترتیب به رکود دامن زده است. بخش خصوصی در ایران نیز از بدهی‌های دولت مصون نبوده به طوری که این بخش به دلیل داشتن طلب از دولت، متحمل ضرر و زیان شده است و بسیاری از شرکت‌های خصوصی تا مرز تعطیلی و ورشکستگی نیز پیش رفته‌اند.

بدهی در کشورهای توسعه‌یافته عمدتاً توسط ابزاری نظام‌مند به نام اوراق قرضه خلق می‌شود و در خدمت توسعه است. در این کشورها به هنگام تورم بالا از اوراق قرضه به عنوان ابزاری برای کنترل تورم و یا برعکس در مواقع رکود با بازخرید آن به عنوان محرکی برای رشد اقتصادی استفاده می‌شود.

اوراق قرضه بانک مرکزی در این کشورها به صورت روزانه عرضه و معامله می‌شود در حالی که در ایران این شکل استفاده از بدهی در خدمت اقتصاد کلان کاربرد ندارد و سابقه استفاده از آن بسیار کم‌رنگ است. در این کشورها در سطح سازمان‌ها نیز از بدهی تحت عنوان اوراق قرضه شرکتی به عنوان ابزاری نظام‌مند در جهت تأمین

یک حلقه‌ی افزایشی در اقتصاد ایران درآمده و عمده‌ترین موتور سرعت‌دهنده به این حلقه، خود دولت ایران بوده است.

اقتصاد ایران دهه‌هاست که در این حلقه گرفتار شده و به این زودی از آن خارج نخواهد شد. شاید بتوان دلایل متعددی برای ایجاد بدهی دولت برشمرد اما یکی از مهم‌ترین این دلایل را باید در نبود بهره‌وری و راندمان پایین به دلیل هزینه‌های جاری بالای دولت جستجو کرد.

تعداد میلیونی حقوق‌بگیران دولت که رقم آن از هشت میلیون نفر نیز گذشته است هزینه‌های جاری دولت را به شدت افزایش داده است. این جمعیت میلیونی شامل چند دسته از مشاغل است، مشاغل زائد موجود در سازمان‌های دولتی که وجودشان منفعتی به حال سازمان ندارد و در بسیاری موارد این مشاغل، غیرمرتبط با اهداف سازمان است. منشأ عمده‌ی وجود این مشاغل را باید در سیاست تمامیت‌خواهی حکومت در ایجاد سیطره‌ی ایدئولوژیک و حس اقتدار همه‌جانبه در همه‌ی سطوح کشور دانست.

دسته‌ی دوم، پرسنل انسانی مازاد بر نیاز در سازمان‌های دولتی است که می‌شود گفت از مرحله‌ی اشباع نیز گذشته است و بار سنگین بر دوش سازمان‌ها گذاشته است. این جمعیت میلیونی از پرسنل، باعث بالا رفتن هزینه‌های جاری و پایین آمدن بهره‌وری و راندمان بخش‌های مختلف دولتی و اقتصاد شده و خود مانع بزرگ در برابر تحقق تعهدات بنگاه‌های دولتی است. مادامی که بهره‌وری در اقتصاد دولتی پایین باشد، ناتوانی در پرداخت تعهدات گریبان‌گیر دولت ایران خواهد بود و رفع این مشکل، نیازمند یک تحول وسیع در بنگاه‌های اقتصادی ایران از جمله تعدیل گسترده‌ی نیروی انسانی و... است که بعید است دولت ایران که یک سیاست پوپولیستی مخصوصاً در عرصه‌ی اقتصادی در پیش گرفته، دست به آن بزند.

می‌شود در طول سال‌ها دولت ایران و سایر بدهکاران با گذشت زمان و با وجود تورم بالا توانسته‌اند تا حدی بدهی قدیمی و عقب‌افتاده‌ی خود را تسویه کنند اما سوال اینجاست که چرا مقدار بدهی‌ها کم نشده است. پاسخ به نبود بهره‌وری و همچنین وجود تورم بر می‌گردد. به دلیل نبود بهره‌وری، دولت همواره از پرداخت دیون عاجز بوده و از طرفی تورم رقم این بدهی‌ها را افزایش داده است و همین دلیل رشد بدهی‌ها تا ارقام امروزی است. در واقع تورم بالا در اقتصاد ایران باعث شده تا بدهکاران از طرفی از عهده‌ی بدهی قدیمی‌تر خود برآیند و از طرفی بدهی‌های جدید آن‌ها در طول زمان افزایش یابد. البته رابطه‌ی علت و معلولی، بین تورم و مقدار بدهی یک‌طرفه نیست و شامل بعد معکوس دیگری نیز می‌شود. بخشی از تورم به طریق دیگر متأثر از بدهی‌های دولت است و می‌شود گفت بخش عمده‌ای از این بدهی‌ها به صورت غیرمستقیم به ایجاد تورم مستمر دامن زده است.

دولت برای بازپرداخت بدهی خود دو گزینه پیش رو دارد؛ گزینه اول این است که بدهی‌های خود را از محل بودجه عمومی و یا از محل درآمد نفتی بدهد. گزینه دوم که پیش روی دولت قرار دارد این است که برخی از واگذاری‌ها را به جای بدهی به طلبکاران خود تحویل دهد. هر دو این حالات نتیجه‌ای جز کسری بودجه را برای دولت نخواهد داشت. دولت ایران همواره به دلیل ایجاد این کسری‌ها که ناشی از معوقات است به استقراض از بانک مرکزی رو آورده که خود باعث افزایش حجم نقدینگی و افزایش قیمت‌ها شده است.

استقراض‌های پی در پی هم‌چنان ادامه دارد به طوری که در نیمه اول سال ۹۳، دولت روحانی ۱۳ هزار میلیارد تومان از بانک مرکزی استقراض کرده است در واقع دولت اگر در گذشته تا حدودی نسبت به بازپرداخت بدهی‌های خود موفق بوده، این توفیق با هزینه‌ای به نام تورم همراه بوده است. به این ترتیب، بدهی و تورم به صورت

اقتصاد ایران در شهریور ماه



سعید قاسمی نژاد و یوحنا نجدی

اخبار مربوط به زمین‌خواری، صدور قبض‌های برق شوک‌آور برای شهروندان به ویژه در استان خوزستان، برداشت غیرقانونی از «صندوق توسعه ملی»، و ادامه‌ی کاهش بهای جهانی نفت از دیگر خبرهای مهم اقتصادی در این مدت به شمار می‌روند.

کمپین خریدن خودروی داخلی و حاشیه‌های آن

محمدرضا نعمت‌زاده، وزیر «صنعت، معدن و تجارت» در دولت حسن روحانی روز ۹ شهریور ماه در یک نشست خبری در سخنانی جنجالی، راه‌اندازی «کمپین خودروی داخلی نخریم» را «خیانت»، یک عمل «ضد انقلابی»، «حرام» و «مغایر با مصالح ملی» توصیف کرد.

وی با بیان این‌که اعضای این کمپین «قطعا ضد انقلاب» و «مخالف منافع کشور» هستند، تصریح کرد: «این یک خیانت است که کمپینی علیه تولید داخلی راه بیندازیم، چرا که این موضوع یک بی‌انصافی علیه خودروسازان داخلی بوده و به مفهوم آن است که کمپینی علیه تولید ملی راه‌اندازی شود.»

چهار روز بعد، حسین فریدون، برادر و «دستیار ارشد رییس جمهوری اسلامی» از «تذکر» حسن روحانی به آقای نعمت‌زاده در خصوص این اظهاراتش خبر داد و گفت آقای روحانی از وزیر صنعت خواسته تا «رفتارش با منتقدان محترمانه باشد». با این حال، این پایان ماجرا نبود و نعمت‌زاده تنها یک روز بعد، دریافت تذکر از حسن روحانی را «تکذیب» کرد و گفت: «من نشنیدم.» از چندی قبل کمپینی با عنوان «خرید خودروی صفر، ممنوع» در شبکه‌های اجتماعی مختلف به راه افتاده که



کمپین خریدن خودرو داخلی و ادامه‌ی ماجراهای مربوط به دکل‌های گم‌شده نفتی، دو موضوع چالش‌برانگیز اقتصاد ایران در نیمه‌ی اول شهریورماه بودند



ضمن مقایسه قیمت خودروهای داخلی و خارجی و کیفیت آن‌ها با یکدیگر، مردم را به خودداری از خرید خودروهای صفر کیلومتر داخلی دعوت می‌کند. این ماجرا اما بار دیگر موضوع کیفیت نامطلوب خودروهای نو تولید ایران را در صدر خبرها آورده است و علاوه بر مردم، شماری از مقام‌های مسوول نیز به انتقاد از کیفیت این خودروها پرداختند.

از جمله، یک عضو "کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی" با طرح انتقادهایی صریح از "ایران خودرو" و "سایپا" گفت که "بی میلی خودروسازان به استفاده از فناوری‌های روز تولید"، "ضعف مدیریتی"، "دخالت‌های دولتی" و "قطع همکاری شرکای تجاری" موجب تداوم تولید خودروهای از رده خارج توسط این دو شرکت شده است.

هادی حسینی که روز ۱۱ شهریورماه با خبرگزاری "ایسنا" سخن می‌گفت، خاطرنشان کرد: «این دو خودروساز، قدرت سرمایه‌گذاری جدید را نداشتند به همین دلیل ترجیح دادند مدل‌های قدیمی و از رده خارج پژو و کیا تولید کنند.» دو روز پیش از آن نیز نادر قاضی‌پور، دیگر عضو همین کمیسیون با بیان این‌که «بازار خودرو در انحصار ایران خودرو و سایپاست» افزود که این خودروسازان «به جای استفاده از لوازم یدکی باکیفیت داخلی از لوازم یدکی فاقد استاندارد چینی استفاده می‌کنند.» به گفته وی، این دو واحد بزرگ صنعتی، «سرمایه در گردش خود را به بخش‌های دلالی و واسطه‌گری انتقال داده‌اند.»

«بانک مرکزی محرم خوبی برای پول‌ها نیست»

رئیس "هیات عامل صندوق توسعه ملی" روز ۱۰ شهریورماه از نامه‌نگاری با رئیس جمهوری اسلامی درباره تخلفات "بانک مرکزی" در استفاده غیرقانونی از منابع این صندوق خبر داد.

صفر حسینی در گفتگو با خبرگزاری "مهر"، با انتقاد شدید نسبت به عملکرد "بانک مرکزی" در هزینه‌کرد منابع "صندوق توسعه ملی" گفت که «متأسفانه بانک مرکزی محرم خوبی برای پول‌های صندوق توسعه ملی در گذشته نبوده است.» رئیس "هیات عامل صندوق توسعه ملی" با تأکید بر اینکه منابع این صندوق نزد بانک مرکزی است، و «پروژه‌هایی که این صندوق معرفی می‌کند باید در اولویت پرداخت قرار گیرد»، افزود: «بانک مرکزی نباید برای بخش‌های دیگری که دلخواه خودش است، هزینه کند.»

"صندوق توسعه ملی" که بخشی از پول نفت صادراتی ایران به این صندوق واریز می‌شود، فعالیت خود را از پنج سال پیش آغاز کرد. اگرچه طبق قانون، دولت تنها با مجوز "مجلس شورای اسلامی" یا بر مبنای مصوبه "ستاد تدابیر اقتصادی" می‌تواند از منابع مالی "صندوق توسعه ملی" برداشت نماید اما دولت و مقام‌های بانک مرکزی تاکنون بارها یکدیگر را به برداشت‌های غیرضروری از این حساب متهم کرده‌اند.

از جمله پانزده عضو مجلس شورای اسلامی در میانه‌های فروردین‌ماه در نامه‌ای به حسن روحانی از برداشت دو میلیارد دلاری دولت از صندوق توسعه ملی به منظور واردات کالاهای اساسی هم‌چون ذرت، جو و کنجاله انتقاد کردند.

«اراده‌ای برای مقابله با زمین‌خواری وجود ندارد»

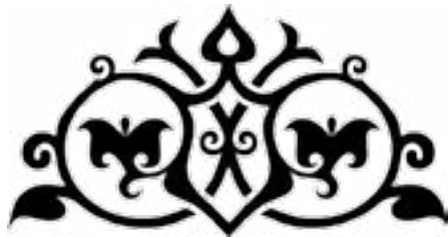
مقام‌های مسوول در جمهوری اسلامی همچنان از ادامه زمین‌خواری در استان‌های مختلف کشور و فقدان اراده برای مبارزه با این موضوع خبر می‌دهند. رئیس "کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی" روز ۲ شهریورماه با اشاره به "سختی‌ها"، "مخالفت‌ها" و "مقابله‌ها" با کمیته‌ی مقابله با زمین‌خواری در ایران گفت که "اراده‌ای" برای مبارزه با این پدیده "وجود ندارد".

گرانی گوشت و قبض‌های شوک آور برق و گاز

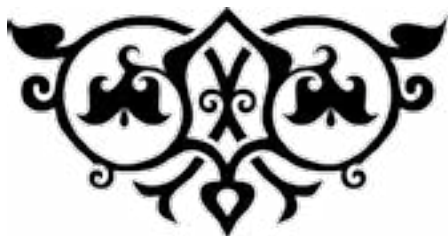
نهادهای مسوول در جمهوری اسلامی جدیدترین آمارهای مربوط به نرخ تورم در ایران را اعلام کردند.

«بانک مرکزی» جمهوری اسلامی ایران روز ۴ شهریور، نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به مردادماه ۱۳۹۴ نسبت به مدت مشابه سال قبل را معادل ۴/۱۵ درصد اعلام کرد. به گفته‌ی این بانک، همچنین نرخ تورم نقطه به نقطه در این ماه معادل ۶/۱۲ درصد بوده است.

سه روز پیش از آن نیز «مرکز آمار ایران» نرخ تورم شهری در دوازده ماه منتهی به مرداد ماه سال ۹۴ را ۸/۱۳ درصد اعلام کرد.



در نظام‌های بسته «بحث سیاسی» معنا ندارد. هر مناقشه‌ای دو سو دارد: یک طرف خیر مطلق و طرف مقابل شر مطلق است



در همین حال، مقام‌های مسوول در ایران از موارد جدید گرانی‌ها خبر داده‌اند. از جمله، حمید چیت‌چیان، «وزیر نیرو» روز اول شهریورماه ضمن دفاع از افزایش بهای آب و برق در ایران، این افزایش را «دارای پشتوانه، منطبق قانونی و اقتصادی» دانست و گفت «قیمت حامل‌های انرژی به‌ویژه آب و برق باید افزایش یابد و اصلاح

محمدعلی پورمختار با «ضعیف» دانستن نظارت‌ها بر پدیده زمین‌خواری، گفت: «توصیه می‌کنم افرادی که خودشان یا اطرافیان‌شان مرتبط با پرونده‌های زمین‌خواری هستند وارد این موضوع نشوند. این افراد مبارزان خوبی نخواهند بود.» در همین روز، دبیر «ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی» نیز از سفر هیات‌هایی از سوی این ستاد به استان‌های مازندران، گیلان، اردبیل، البرز و فارس برای بررسی پرونده‌های زمین‌خواری خبر داد.

کاظم پالیزدار بیشتر مشکلات در حوزه زمین‌خواری را ناشی از «تعدد و عدم انسجام دستگاه‌های متولی در امر زمین» دانست و گفت «مفسدین اقتصادی از این ضعف ارتباطی دستگاه‌ها استفاده می‌کنند».

در خبری دیگر در ارتباط با فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران، یک عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، روز ۹ شهریورماه از «تخلفات گسترده» در معامله‌ی «۲۵ دکل نفتی» خبر داد و تصریح کرد که «پرونده و پاسپورت ۱۲ نفر از متخلفان» را به مقام‌های قوه قضاییه ارائه کرده است.

به گفته‌ی وی، این دوازده نفر «در موارد متعددی در اقدامات خلاف قانون مربوط به معاملات دکل‌های نفتی نقش داشته‌اند». امیرعباس سلطانی با انتقاد از محدود کردن موضوع تخلف‌های اقتصادی در دکل‌های نفتی به تنها یک یا دو مورد گفت که طبق بررسی‌های صورت گرفته، تاکنون «معامله ۲۵ دکل نفتی با تخلفات گسترده روبرو بوده است».

وی با اشاره به عدم پرداخت هزینه خرید این دکل‌ها از سوی طرف ایرانی گفت: «نه تنها دکل‌های دریافت نکردیم بلکه باید خسارت‌های میلیاردی بدهیم.» او اضافه کرد که تنها در یکی از این موارد، یک شرکت چینی درخواست ۸۰۰ میلیون دلار خسارت از ایران کرده است.

این در حالی است که دولت حسن روحانی برای تنظیم بودجه سال جاری، بهای هر بشکه نفت صادراتی ایران را پس از چندبار اصلاح نهایتاً ۷۰ دلار پیش‌بینی کرد.

با این وجود، مقام‌های جمهوری اسلامی ایران سعی می‌کنند تا شرایط اقتصادی این کشور را عادی جلوه دهند.

از جمله، بیژن زنگنه، «وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران» روز ۷ شهریورماه با تاکید بر این‌که «نگران کاهش قیمت نفت نیست»، اظهار داشت: «اگر بخواهم نگران این مسأله باشم، نباید نفت تولید کنیم در حالی که ما به هیچ قیمتی مجاز نیستیم سهم تاریخی ایران را در بازار نفت از دست بدهیم.»

وی در عین حال مدعی شد که «اکثر کشورهای عضو اوپک هم بر روی قیمت نفت بشکه‌ای ۷۰ تا ۸۰ دلار نظر مساعد دارند». با این حال، آقای زنگنه یک هفته بعد در اظهاراتی با اشاره به کمبود منابع مالی نظام جمهوری اسلامی برای پرداخت یارانه نقدی مردم گفت جمع کردن پول «هدمندی یارانه‌ها» و رساندن به موقع آن، «واقعا عذاب الیمی است».

وی ادامه داد که شدت نگرانی‌اش در این زمینه به حدی است که «بسیاری از شب‌ها» خوابش نمی‌برد.

افزایش بهای ارز، کاهش قیمت طلا

بهای ارز در نیمه اول شهریورماه نوسان کمی را از سر گذراند. قیمت دلار امریکا از ۳۳۵۰ تومان در ابتدای شهریور با اندکی افزایش به ۳۳۹۰ تومان در نیمه این ماه رسید. بهای یورو نیز از ۳۸۳۰ به ۳۸۵۰ تومان رسید. بهای طلا اما بعد از افزایش ناگهانی در روزهای پایانی مردادماه، در دو هفته ابتدایی شهریورماه اندکی کاهش

وی با بیان این‌که «قیمت‌ها باید سال به سال افزایش یابد» افزود «سیاست دولت، اصلاح تدریجی قیمت آب و برق است». خبرگزاری «مهر» هم روز ۳ شهریورماه در گزارشی نوشت که بیشتر مردم خوزستان در این ماه، قبض‌های برق با هزینه بیش از یک صد هزار تومان دریافت کرده‌اند.

شریف حسینی، نماینده اهواز در «مجلس شورای اسلامی» نیز از صدور قبض‌های میلیونی برق برای شماری از مردم اهواز خبر داد و گفت: «توزیع قبض‌های برق مصرفی با آن ارقام غیرقابل تصور، واقعا ما را دچار شوک کرد.»

در خبری مرتبط، حمیدرضا عراقی، مدیرعامل «شرکت ملی گاز» نسبت به «صدور قبوض نجومی گاز در صورت افزایش مصرف خانوارها برای زمستان امسال» هشدار داد. او با دفاع از افزایش بهای گاز به ویژه در فصل زمستان افزود: «قیمت گاز گران نیست بلکه مشترکان بیش از حد نیاز مصرف می‌کنند.» در ارتباط با افزایش قیمت کالاهای اساسی، رییس «اتحادیه گوشت گاوی» نیز از افزایش ۲ هزار تومانی قیمت این نوع گوشت در کمتر از ۳ هفته خبر داد. علی خندان روی‌جوان روز ۳ شهریورماه به خبرگزاری «مهر» گفت که قیمت گوشت گاوی در ۲ تا ۳ هفته اخیر با افزایش حدود ۲ هزار تومانی، به ۳۲ هزار تومان رسیده است.

ادامه کاهش بهای نفت و بی‌خوابی‌های آقای وزیر

در ادامه‌ی کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی، بهای طلای سیاه در بازار معاملات روز دوم شهریورماه به کمترین میزان در شش سال و نیم اخیر رسید. در این روز، قیمت نفت دریای برنت به رقم ۴۴ دلار و ۳۸ سنت در هر بشکه رسید که به عنوان پایین‌ترین رقم از مارس سال ۲۰۰۹ میلادی به بعد محسوب می‌شود.

یک عضو «کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی» روز ۲۵ شهریورماه گفت که «رانت‌های زیادی» در این حوزه وجود دارد.

محمد فیروزی با بیان این‌که «بیشترین زیان ناشی از این رانت‌ها را مسافران می‌بینند» افزود که مجموعه‌ی صنعت هوایی با وجود «استفاده از امکانات دولتی و بیت‌المال، کمترین خدمت‌رسانی را به مردم دارند».

آقای فیروزی فعالیت برخی از شرکت‌ها در حوزه حمل و نقل هوایی را «مافیایی» توصیف و اضافه کرد که «این شرکت‌ها زد و بندهایی در بخش حمل و نقل هوایی دارند که در نهایت بدون آن‌که خدمات‌رسانی مناسبی داشته باشند، به کار خود ادامه می‌دهند».

در همین حال، مدیرعامل «شرکت فرودگاه‌های کشور» شامگاه ۲۳ شهریورماه در یک برنامه زنده تلویزیونی با تاکید بر این‌که «بابت طلب خود از ایرلاین‌ها دنبال جنجال نیستیم»، گفت: «همین‌که ما وصول مطالبات خود را پیگیری کردیم موضوع از سوی برخی ایرلاین‌ها رسانه‌ای شد در حالی که ما فقط در وصول مطالبات جدیت داریم».

رحمت‌الله مه‌آبادی با اشاره به اینکه ایرلاین‌ها بابت هر مسافر داخلی و خارجی به ترتیب رقم ۷، ۳۵ و ۳۰ هزار تومان روی بلیط دریافت می‌کند، ادامه داد: «ایرلاین‌ها بابت این دریافت نقدی هیچ پرداختی به ما ندارند و فقط از همین محل، ۱۲۰ میلیارد تومان از ایرلاین‌ها طلب داریم».

وی با بیان این‌که «بیش از ۱۰ ایرلاین ورشکسته داریم که بدهی خود را به شرکت فرودگاه‌ها پرداخت نکرده‌اند» از ایرلاین‌ها خواست که «اگر نمی‌توانند خدمات ارائه کنند، این موضوع را اعلام کنند چون در غیر این صورت، مشکلات‌شان را به سازمان‌های دیگر منتقل می‌کنند».

یافت. قیمت سکه تمام بهار آزادی از ۹۴۱ هزار تومان در ابتدای شهریور به ۹۲۰ هزار تومان در نیمه این ماه رسید و بهای سکه نیم بهار آزادی نیز از ۴۸۱ هزار تومان به ۴۷۱ هزار تومان کاهش یافت.

شاخص بورس در نیمه شهریورماه در کانال ۶۴ هزار واحدی به کار خود پایان داد که نشان می‌دهد انتظار فعالان بورس و افکار عمومی برای بهبود اوضاع این بازار بعد از توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی با قدرت‌های غربی، هنوز به حقیقت تبدیل نشده است.

در همین خصوص، محمد حسن‌نژاد، عضو «مجلس شورای اسلامی» با بیان این‌که «وضعیت بازار سهام با توافق هسته‌ای مطلوب نشده»، ابراز امیدواری کرد که بورس بعد از بررسی «برجام» در مجلس شورای اسلامی در ایران و کنگره امریکا، از «آینده مثبتی» برخوردار شود.

ورشکستگی بیش از ده ایرلاین

مدیر مالی «شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران» روز ۳۰ شهریورماه از «افزایش ۶۲ درصدی» بدهی شرکت‌های هواپیمایی از سال ۹۲ تا کنون خبر داد و گفت که بدهی این شرکت‌ها از ۵۳۷ میلیارد به ۸۷۴ میلیارد تومان رسیده است.

اختر اسماعیلیان از شرکت‌های «ماهان» با ۳۴۸ میلیارد تومان، «آسمان» با ۲۵۳ میلیارد تومان، «ایران‌ایر» (هواپیمایی جمهوری اسلامی) با ۲۲۰ میلیارد تومان، و «ایران‌ایرتور» با ۵۴ میلیارد تومان بدهی به عنوان مهم‌ترین شرکت‌های بدهکار به «شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی» نام برد.

به گفته وی، به تازگی نیز «حساب‌های بانکی شرکت‌های هواپیمایی بدهکار از سوی وزارت اقتصاد و امور دارایی» مسدود شده است. در خبری مرتبط با حمل و نقل هوایی در ایران،

جدیدترین شیوه‌های زمین‌خواری

آن‌گونه که روزنامه‌های ایران می‌گویند، جدیدترین موارد زمین‌خواری در کشور به «کویرخواری»، «رودخواری» و «دریاخواری» رسیده است.

روزنامه «شرق» چاپ تهران، در شماره روز ۲۶ شهریورماه خود با انتشار گزارشی از وجود «۵۰۰ پرونده زمین‌خواری در گردنه حیران» و همچنین زمین‌خواری «چند هزار هکتاری در شیراز» تحت عنوان «وقف» خبر داد.

در همین خصوص، کاظم پالیزدار، مشاور اسحاق جهانگیری (معاون اول رییس‌جمهوری اسلامی) با بیان اینکه «جنگل‌خواری هم به تازگی مُد شده» به «شرق» گفت: «در کلاردشت بعضاً با مصادیقی از این دست روبه‌رو شدیم که در نوع خود شاهکار معماری محسوب می‌شد و در مکان‌های صعب‌العبوری به ساخت‌وساز اقدام کردند که گاه محال به نظر می‌رسد».

روزنامه «آرمان» هم در شماره روز ۲۱ شهریورماه خود با اشاره به تصاحب بخشی از «کویر مرکزی ایران» نوشت که بعد از زمین‌خواری، حالا «نوبت به کویرخواری رسیده است». این گزارش، از زمین‌خواری آبادی کوچکی به نام «فرحزاد» در فاصله سه کیلومتری روستای «مصر» در کویر مرکزی ایران خبر داد و نوشت که مدعی زمین‌های این منطقه، با وجود «هشدارهای مقام‌های مسوول محلی» اما با دیوارکشی اقدام به تصرف این زمین‌ها کرده است.

این روزنامه صبح تهران دو روز پیش‌تر نیز با انتشار بخش‌هایی از اظهارات مهدی هاشمی، رییس «کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی» درباره آغاز پدیده «رودخواری» و تصاحب حریم رودخانه‌ها از قول وی نوشت که «نسخه‌های جدید زمین‌خواری با عناوین مختلفی چون

رودخواری، کوه‌خواری و دریاخواری وارد بازار فساد در کشور شده‌اند». «آرمان» همچنین از قول محمدجواد نظری‌مهر، دیگر عضو «مجلس شورای اسلامی» نیز افزود که در حال حاضر «دیگر دریایی باقی نمانده که دریاخواری انجام گیرد» و ساخت‌وساز در سواحل و حریم دریا به حدی است که «باید برای دیدن سواحل از بالگرد استفاده کرد».

در خبری دیگر در همین خصوص، معاون «دادستان تهران»، روز ۲۸ شهریورماه در گفتگو با «خبرگزاری جمهوری اسلامی» (ایرنا) با هشدار نسبت به زمین‌خواری در زمین‌های شمال تهران خاطرنشان کرد که این زمین‌ها «سند مالکیت ندارند» و «خطر بزرگی کنار گوش پایتخت به شمار می‌روند».

مرتضی تورج این زمین‌ها را «ده هزار هکتار زمین در شمال تهران» و «دارای ارزش ملی و منابع طبیعی» توصیف کرد.

در ماه‌های اخیر گزارش‌های متعددی از زمین‌خواری به ویژه توسط نهادهای حکومتی در جمهوری اسلامی ایران منتشر شده که تقریباً در تمامی آن‌ها، رد پای نهادهای حکومتی به چشم می‌خورد. از جمله، عزت‌الله خان‌محمدی، «فرماندار شهرستان شمیرانات» خردادماه امسال گفت که نیروهای مسلح، ۸۱۸ هکتار از اراضی ملی این شهرستان را تصرف کرده‌اند.

ادامه کمپین «خرید خودرو صفر، ممنوع»

روز ۲۹ شهریورماه شماری از کارگران کارخانه‌های خودروسازی ایران در اعتراض به ادامه فعالیت کمپین «خرید خودروی صفر، ممنوع» در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی دست به تجمع زدند. بر اساس تصاویری که از این تجمع در خبرگزاری‌ها منتشر شده، حدود ۵۰

داخلی و خارجی از مردم ایران می‌خواهد با خودداری از خرید خودروی داخلی، عملاً دولت و صنایع خودروسازی ایران را به تجدیدنظر در سیاست‌های خود وادار کنند.

استمرار رکود در بازار مسکن

بازار مسکن در ایران همچنان رکود کم‌سابقه‌ای را تجربه می‌کند به طوری که افزایش وام بانک مسکن نیز تاثیری بر این رکود نداشته است.

«مرکز آمار ایران» روز ۱۶ شهریورماه با انتشار گزارشی اعلام کرد که شهرداری تهران در سال ۱۳۹۳، تعداد ۱۰ هزار و ۱۸۵ پروانه ساختمانی صادر کرده است که این آمار نسبت به سال پیش از آن، ۳/۵۲ درصد کاهش نشان می‌دهد.

این گزارش همچنین می‌افزاید که در سال ۱۳۹۳ تعداد ۱۳۵ هزار و ۲۴ پروانه ساختمانی توسط شهرداری‌های کل کشور صادر شده که این رقم نیز نسبت به سال پیش از آن، ۷/۴۱ درصد کاهش داشته است. با وجود استمرار رکود در بازار مسکن اما به گفته فعالان صنفی، نرخ اجاره بها در تهران افزایش یافته است و بهای مسکن نیز از زمستان افزایش خواهد یافت.

حسن محتش، رییس «انجمن صنفی انبوه‌سازان تهران» در آخرین روز شهریورماه در گفتگویی با خبرگزاری «ایسنا» با ابراز امیدواری نسبت به آغاز «تحرك در بازار مسکن» از اواخر دی ماه امسال، پیش‌بینی کرد که این تحرك، «طبیعتاً با افزایش نسبی قیمت همراه می‌شود». وی با اشاره به رکود طولانی‌مدت در بازار مسکن تصریح کرد: «بخش مسکن از سال ۱۳۹۲ با رکود مواجه بوده و سال ۱۳۹۳ هم اوج رکود بود. امسال هم که در شش ماهه اول سال در رکود به سر برده است.» رییس «کمیسیون تخصصی مشاوران املاک ایران» نیز روز ۱۷ شهریورماه اعلام

کارگر معترض پلاکاردهایی با مضامینی همچون «خرید خودروی داخلی، حمایت از اشتغال کارگر» و «آیا فکر نمی‌کنید وضعیت معیشتی کارگران خودروسازی نگران‌کننده است؟» در دست گرفته بودند.

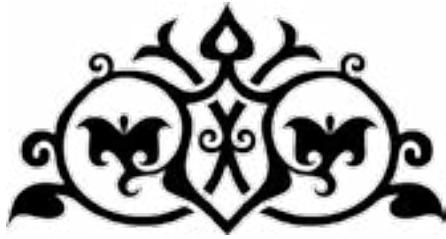
در همین خصوص، تقی مهری، رییس «پلیس راهنمایی و رانندگی» روز ۱۶ شهریور از کاهش ۱۵ درصدی شماره‌گذاری خودروهای نو داخلی در ایران در پنج ماه نخست امسال خبر داد و در عین حال گفت که شماره‌گذاری خودروهای وارداتی ۱۷ درصد و شماره‌گذاری موتورسیکلت نیز ۲۰ درصد، نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش داشته است.

در این میان، با وجود این‌که یکی از اصلی‌ترین دلایل اعتراض‌ها به خرید خودروی داخلی، کیفیت پایین خودروی «پراید» عنوان شده، مدیرعامل «گروه خودروسازی سایپا» از لغو توقف تولید پراید خبر داده است.

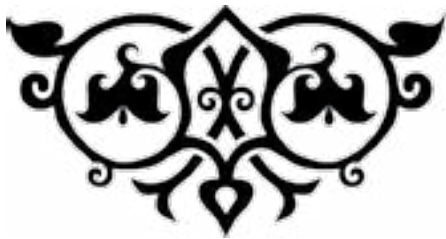
مهدی جمالی در آخرین روز شهریورماه در گفتگو با خبرگزاری «مهر» گفت: «توقف تولید پراید جزو برنامه فعلی سایپا نیست چرا که این خودرو بازار خود را دارد و علاوه بر تامین بازار داخلی، صادرات آن به کشورهای دیگر نیز انجام می‌شود.» وی میزان استقبال مردم از طرح ویژه پیش‌فروش خودروی این شرکت را «بی‌نظیر» توصیف کرد و افزود: «خود ما هم انتظار آن را نداشتیم.»

آقای جمالی با ابراز «تعهد» نسبت به ایجاد «یک تحول اساسی در سایپا» طی دو سال آینده خاطر نشان کرد که «ظرف یک ماه آینده نیز محصول جدید این گروه خودروسازی که طراحی کاملاً ایرانی دارد، ارائه خواهد شد.» از چندی پیش، کمپین «خرید خودروی صفر، ممنوع» در شبکه‌های اجتماعی ایران به راه افتاده که ضمن مقایسه قیمت و کیفیت خودروهای

ریال سهم و ملک دولتی در شهریور ماه امسال به دلیل فقدان خریدار روی میز بورس، فرابورس و مزایده باقی ماند. این شاخص در آخرین روز



ارزش کل بازار سهام ایران با تمام صنایع و شرکت‌های حاضر در آن، با ارزش شرکت امریکایی استارباکس که تنها یک قهوه‌فروشی زنجیره‌ای است برابری می‌کند



شهریورماه بعد از پنج روز بالاخره مثبت شد و در کانال ۶۱ هزار واحدی به کار خود پایان داد.

شاهین چراغی، رییس "هیات مدیره کارگزاری مهرآفرین" در خصوص شرایط کنونی بورس تهران گفت که «ارزش کل بازار سهام ایران با تمام صنایع و شرکت‌های حاضر در آن، با ارزش شرکت امریکایی استارباکس که تنها یک قهوه‌فروشی زنجیره‌ای است برابری می‌کند».

این فعال بازار سهام با اشاره به این‌که ارزش کل سهام شرکت استارباکس (starbucks) بالغ بر ۸۰ میلیارد دلار با "قابلیت نقدشوندگی بسیار بالا" است خاطرنشان کرده که «ارزش کل سهام شرکت‌های عضو بورس تهران نیز نزدیک به همین عدد است با این تفاوت که قابلیت نقدشوندگی ندارد».

کرد که «اجاره بها در تابستان امسال نسبت به سال گذشته ۱۰ درصد رشد داشته است». حسام عقبایی در عین حال افزود که «با توجه به نزدیک شدن به فصل پاییز و کاهش جابه‌جایی‌ها در مهرماه، شاهد کاهش حجم معاملات اجاره هستیم».

نوسان کم‌سابقه دلار و یورو؛ بورس ایران به اندازه یک قهوه‌فروشی در امریکا!

بهای دلار و یورو در دو هفته پایانی تابستان امسال نوسان چشم‌گیری را در بازار ارز ایران از سر گذراند؛ دلار اگرچه در آغاز و پایان این مدت، به بهای یکسان ۳۳۸۹ تومان در بازار تهران معامله شد اما با این وجود، ارزش آن در ۲۲ شهریورماه به ۳۵۰۰ تومان رسید که این رقم در دو سال گذشته، "بی‌سابقه" بود و نسبت به نیمه‌ی اول سال ۱۳۹۲، افزایش قیمت حدود ۶۰۰ تومانی را نشان می‌داد.

قیمت یورو هم در ابتدا و انتهای این مدت روی ۳۸۴۵ تومان باقی ماند اما بهای آن در ۲۳ شهریورماه به حدود ۴۰۰۰ تومان نیز رسیده بود. قیمت سکه تمام بهار آزادی با کاهش قابل توجه از ۹۱۵ هزارتومان در ۱۶ شهریورماه به ۹۰۸ هزار تومان رسید و سکه نیم بهار آزادی نیز از ۴۶۹ هزار تومان به ۴۶۵ هزار و ۵۰۰ تومان کاهش یافت.

بورس اوراق بهادار تهران اما در ادامه‌ی روند ریزشی خود در شهریورماه، روزهای سختی را برای اهالی تالار شیشه‌ای رقم زد.

شاخص بورس تهران در شهریورماه، دز مجموع بیش از ۳۶۴۰ واحدافت کرد و با شکستن کانال‌های ۶۲، ۶۳ و ۶۴ هزار واحدی، وارد کانال ۶۱ هزار واحدی شد به طوری که بالغ بر ۴۲۱۸ میلیارد

ثروت کاندیداهای ریاست جمهوری امریکا چقدر است؟



مجله‌ی اقتصادی معتبر "فوربز" (Forbes) میزان تقریبی ثروت ۲۰ کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ امریکا از دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات را منتشر کرد.

"فوربز" برای به دست آوردن ارزش خالص دارایی‌های این افراد، اسناد مختلفی شامل اطلاعات مالی ارائه‌شده به کمیسیون انتخابات فدرال امریکا، لیست دارایی‌ها، اسناد وام مسکن، و فرم‌های مالیات را بررسی کرده است.

در این فهرست همان‌طور که انتظار می‌رفت، داندل ترامپ، سرمایه‌دار و کاندیدای پیش‌رو و جنجالی حزب جمهوری‌خواه با فاصله‌ای زیاد در صدر قرار دارد. میزان سرمایه‌ی خالص آقای ترامپ، ۵/۴ میلیارد دلار است.

در جای دوم، کارلی فیورینا، مدیرعامل سابق کمپانی اچ‌پی (HP) با ۵۸ میلیون دلار قرار دارد. خانم فیورینا در بیش از ۱۰۰۰ شرکت سرمایه‌گذاری کرده است. جایگاه سوم این لیست نیز در اختیار هیلاری کلینتون، بانوی اول

و سناتور اسبق، و وزیرخارجه پیشین امریکا با ۴۵ میلیون دلار است. این میزان ثروت خانم کلینتون در حالی است که پس از پایان ریاست جمهوری بیل کلینتون در سال ۲۰۰۱، کلینتون‌ها از نظر مالی در وضعیت بسیار بدی قرار داشتند و میلیون‌ها دلار را برای دفاع از خود در رسوایی‌های "وایت‌واتر" و "لوینسکی" کرده بودند.

با این وجود، آن‌ها در ۱۴ سال گذشته، از شهرت سیاسی خود برای ایجاد ثروت استفاده کردند. کلینتون‌ها تنها در سال ۲۰۱۴، ۲۸ میلیون درآمد داشتند که بیشتر آن، از طریق سخنرانی‌ها، نوشته‌ها، و مشاوره‌های‌شان به دست آمده است.

"لینکلن چیفی" (سناتور اسبق جمهوری‌خواه و فرماندار پیشین دموکرات ایالت رود آیلند)، "بن کارسن" (جراح مغز و اعصاب بازنشسته)، "جب بوش" (فرماندار پیشین جمهوری‌خواه ایالت فلوریدا)، "جورج پتاک" (فرماندار پیشین جمهوری‌خواه ایالت نیویورک)، "جان کیسیک" (فرماندار جمهوری‌خواه ایالت اهایو)، "مایک هاکی" (فرماندار سابق جمهوری‌خواه ایالت آرکנסا)، و "جیم گیلور" (فرماندار جمهوری‌خواه پیشین ایالت ویرجینیا) نفرات چهار تا ده این فهرست هستند.

اما در پایین این فهرست، "مارتین اومالی"، فرماندار پیشین ایالت مریلند از حزب دموکرات قرار دارد که میزان دارایی خالصش صفر اعلام شده است. او اگرچه درآمد سالانه‌ی ۶۰۰ هزار دلاری از محل سخنرانی‌هایش دارد اما تقریباً تمام درآمدش، صرف پرداخت وام تحصیلی فرزندان و وام مسکن می‌شود.

مارکو روبیو، سناتور جمهوری‌خواه ایالت فلوریدا نیز که یک پله بالاتر از اومالی قرار گرفته، درآمد خالصش از سوی "فوربز"، ۱۰۰ هزار دلار تخمین زده شده که ناشی از بدهی‌های زیاد او به خاطر وام دانشجویی و مسکن است.

رفتارهای توده‌وار در اقتصاد ایران



حمید بابایی

در ایران، سرمایه در گردش مردم، محل مناسب و مطمئنی برای خود نمی‌یابد و هر بار با هجوم یک‌باره این سرمایه‌ها به یکی از بازارهای ایران، آن بازار در نور دیده می‌شود و زندگی مردم از آن متاثر می‌گردد. در ایران ابهام در مورد سرمایه‌گذاری منجر به شکل‌گیری رفتارهای غیر عقلایی دسته‌جمعی سرمایه‌گذاران و صاحبان سرمایه‌های سرگردان شده است و در طی تکرار در طول دهه‌ها به صورت رفتار غالب در بین مردم در آمده است.

در اکثر کشورها مخصوصا کشورهای توسعه‌یافته، سرمایه‌های مالی مردم، جذب بازار سرمایه و باعث افزایش ارزش این بازارها شده و در نتیجه، تبدیل به پشتوانه‌ای برای تامین سرمایه شرکت‌ها گردیده است.

اما در ایران به دلیل نبود شفافیت و همچنین فساد زیاد در بازارهای مالی، نبود وضعیت روشن و شفاف سیاسی، نبود نوآوری و کارآفرینی، تکیه بسیار بر واردات، بدبینی نسبت به سرمایه‌گذاری در سرمایه ثابت تولیدی و غیره، این سرمایه‌ها تحت تاثیر رفتار یک‌باره و دسته‌جمعی افراد بین بازارهای مختلف منتقل می‌شود و نتایجی چون ایجاد تورم، ایجاد زیان‌های هنگفت، رواج مشاغل کاذبی مانند دلالی، تخصیص غیر بهینه سرمایه، خروج سرمایه از بخش تولید، و ایجاد رکود بعد از خروج سرمایه به جا می‌گذارد.

استفاده از نظریه رفتارهای توده‌وار و دسته‌جمعی افراد برای توضیح تحولات بازارهای مالی در طی سال‌های اخیر، مورد توجه اقتصاددانان مالی قرار گرفته است. بازارهای مالی هرازگاهی رفتارها و روندهایی از خود نشان می‌دهند که فرض کارا بودن این بازارها را با شک و تردید همراه می‌کند در حالی که اقتصاددانان رفتارهایی را در بین سرمایه‌گذاران



سردرگمی و ابهام در مورد سرمایه‌گذاری مشکلی است که همواره دامن‌گیر دارندگان وجوه نقد در ایران بوده است



شناسایی کرده‌اند که علت برخی روندهای نابهنجار قیمتی در این بازارها را توضیح می‌دهد. از مهم‌ترین این رفتارها می‌توان به رفتار گله‌ای هردینگ (herding)، اعتماد بیش از حد یا کاذب (over confidence)، و واکنش بیش از حد (over reaction)، اشاره کرد.

در ایران هر یک از این رفتارها به صورت مکرر در بازارهای مختلف مالی و غیر مالی و بخش‌های مختلف اقتصادی در حال وقوع بوده و باعث ایجاد روندهای غیر عقلایی در رشد و زوال ارزش دارایی‌های مختلف شده است.

رفتار هردینگ در اثر نبود اطلاعات و یا در اثر عدم دسترسی بسیاری از افراد به اطلاعات اقتصادی و صرفاً بر مبنای رفتار دیگران شکل می‌گیرد و می‌تواند به تنهایی تحولات اقتصادی بسیاری را رقم بزند. این رفتار بدین شکل روی می‌دهد که افراد از وضعیت موجود آینده مطلع نبوده صرفاً مطابق با تصمیم دیگران به خرید و فروش یا فعالیت اقتصادی خاصی دست می‌زنند.

به عبارت دیگر، افراد چون برآورد صحیحی از وضعیت موجود و آینده ندارند با این تصور غلط که دیگران با دسترسی به اخبار صحیح، تصمیم عقلایی اتخاذ کرده‌اند هم‌جهت با دیگران تصمیم می‌گیرند و بدین ترتیب این شکل تصمیم‌گیری به صورت زنجیروار باعث می‌شود تا دسته‌ی بزرگی از افراد هم‌جهت با هم و بدون علم به نتیجه‌ی کار، نسبت به خرید کالای سرمایه‌ای خاص، فروش آن و یا شروع کسب و کار خاصی اقدام کنند.

رفتار توده‌وار (over reaction) وقتی رخ می‌دهد که در واقع اطلاعات درست و معتبر نیز موجود است اما به دنبال انتشار اخباری که دلالت بر افزایش ارزش یک دارایی و یا کاهش آن دارد، ترس و هیجان باعث ایجاد تغییری بسیار بیشتر از افزایش و یا کاهش متناسب با اخبار شده معمولاً منجر به شکل‌گیری حباب قیمتی در

دارایی می‌شود. این امر در مورد بازارهای مالی ایران نیز صادق است. دهه ۷۰ خورشیدی، زمانی است که در ایران این رفتار در مورد کالاهای مصرفی بیش از هر زمان دیگر رخ می‌داد به طوری که به محض انتشار خبری در مورد کمبود قریب‌الوقوع کالایی، قیمت آن کالا به شدت بالا می‌رفت. تعیین نوع رفتار توده‌وار که هر از گاهی در یکی از بازارهای ایران اتفاق می‌افتد کار آسانی نیست و نیازمند تحقیقات میدانی در سطح بازار است اما می‌توان از روی شواهد موجود تا حدی در مورد این رفتارها در بعضی از بازارها اظهارنظر کرد. این رفتارهای غیرعقلایی و دسته‌جمعی در عرصه تولید نیز در ایران رخ داده و تولیدکنندگان زیادی را دچار زیان کرده است. در این خصوص می‌توان به تولید اقلام کشاورزی از جمله میوه کیوی اشاره کرد در دهه‌ی ۷۰ با ورود به بازار ایران و به دلیل قیمت بالای آن، بسیاری از تولیدکنندگان محصولات کشاورزی تصمیم به تولید آن گرفتند و بسیاری از اراضی کشاورزی و حتی باغات نیمه‌ی شمال کشور را تبدیل به باغات کیوی کردند به طوری که سطح زیر کشت این محصول بیش از حد مورد نیاز کشور رشد کرد در حالی که هیچ‌یک از باغداران در آن زمان، ارزیابی دقیقی نسبت به نیاز مصرفی سال‌های آتی این میوه نداشتند. امروز با افت نسبی قیمت این میوه به دلیل واکنش توده‌وار بیش از حد بیست سال پیش باغداران شمال کشور، سود مورد انتظار این باغداران حاصل نشده است و بدین صورت این زمین‌ها که می‌توانست برای تولید محصولات مهم دیگر به کار رود، اتلاف شده‌اند.

ظهور برندهای مختلف در صنایع غذایی مثلاً در تولید ماکارانی و غیره، و گرایش دسته‌جمعی به سمت استفاده از یک مدل لباس و پارچه‌ی خاص در دهه‌ی ۷۰ خورشیدی همگی نمونه‌هایی از رفتارهای توده‌وار در تولید هستند. یکی از عرصه‌های دیگری که شاهد رفتار توده‌وار بوده تحصیلات عالی در ایران است به طوری که متقاضیان ورود به دانشگاه و

بحران دارندگان دکترای تخصصی مواجه شود. در حالی که نگاهی به پایان‌نامه‌های آن‌ها نشان می‌دهد که این پایان‌نامه‌ها بعضاً در حد یک مرور ادبیات ضعیف و دارای کمترین نوآوری و خلق ایده‌های جدید هستند. در ایران در بازارهای مالی شدت شکل‌گیری رفتار توده‌وار از هر جای دنیا بیشتر است. بازارهای مالی به دلیل نقل و انتقال آسان دارایی در آن به صورت اوراق، بهترین مکان برای شکل‌گیری این رفتارها است.

در مورد بازار بورس اوراق بهادار ایران عوامل مختلفی جریان رفتار توده‌وار را شدت می‌بخشد. عمده این عوامل مربوط به اخلاص در گردش اطلاعات بازار است. در ایران علاوه بر عدم درز آنی و لحظه به لحظه اخبار و تصمیم‌گیری‌های درون شرکتی به دلیل برخورداری افراد خاص از رانت‌های اطلاعاتی، سرمایه‌گذاران در ارزیابی خود دچار مشکل می‌شوند و اغلب سردرگم هستند. سرویس‌هایی هم که بتوان از طریق آن‌ها مانند سایر بازارهای دنیا از خدمات مشاوره‌ای و مدل‌های روز تجزیه و تحلیل ریسک در زمینه خرید و فروش سهام استفاده کرد به سهولت در اختیار سرمایه‌گذاران قرار نمی‌گیرد. در حالی که در اکثر کشورهای این خدمات در غالب شرکت‌های مشاوره‌ای سرمایه‌گذاری و هم به صورت رایگان از طرق مختلف در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، استفاده از روش‌های تجزیه و تحلیل ریسک، نیازمند مهارت یافتن در دانش مدیریت ریسک است که اغلب سرمایه‌گذاران مهارت خاصی در این زمینه ندارند.

فقدان این‌گونه سیستم‌های پشتیبان تصمیم‌گیری در ایران که اطلاعات تجزیه و تحلیل‌شده‌ی فنی را در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهد و از طرفی نبود اطلاعات موثق درون شرکتی که می‌تواند وضعیت قیمتی هر سهام را روشن‌تر سازد، باعث می‌شود تا زمینه‌ای برای ظهور رفتارهای توده‌وار غیر عقلایی بالاخص رفتار هر دینگ فراهم شود. نگاهی به رفتار گذشته بازارهای

بیشتر دانشجویان کمترین اطلاع را از ماهیت رشته‌های دانشگاهی، وضعیت اقتصادی کشور و زمینه‌هایی که بتوان در آن رشد کرد دارند و مراکزی هم که بتوانند برای متقاضیان در این زمینه اطلاع‌رسانی کنند بسیار ضعیف عمل می‌کنند. متقاضیان ادامه تحصیل در دانشگاه‌های ایران غالباً بر مبنای رفتار سایر رقبا در مورد تحصیلات خود تصمیم می‌گیرند و همین امر، باعث شده تا اولاً ورود به رشته‌ها نه بر مبنای آگاهی از ماهیت هر رشته و زمینه‌های مورد نیاز کشور بلکه بر مبنای جهت حرکت سایرین رقم بخورد. ثانیاً تعداد فارغ‌التحصیلان شماری از رشته‌ها پس از اشباع بازار کار آن همچنان با همان شدت قبلی در حال انباشته شدن باشد.

برای مثال ایران با آنکه از لحاظ جمعیت در رتبه ۱۶ جهانی قرار دارد اما پس از آمریکا و روسیه سومین دارنده تعداد مهندسان است آن هم مهندسانی که کسر بزرگی از بیکاران در کشور را تشکیل می‌دهند. نکته‌ی جالب این‌که با وجود آن‌که بسیاری از فارغ‌التحصیلان برای سال‌ها از یافتن شغل ناتوان هستند اما این جریان توده‌وار همچنان ادامه دارد به طوری که امروز به مرحله دکترای تخصصی نیز رسیده و دانشگاه‌های کشور را وادار کرده که در واکنش به این موج توده‌وار متقاضیان، اقدام به پذیرش تعداد زیادی دانشجوی دکترای تخصصی کنند؛ در حالی که بسیاری از این دانشگاه‌ها شرایط و صلاحیت تربیت دکترا را ندارند.

برای مثال تا سال ۸۴ کمتر از هشت هزار دانشجوی دکترای تخصصی غیر پزشکی در کشور وجود داشت اما امروز این رقم به بیش از پنجاه و هشت هزار نفر نیز رسیده است. اگر تعداد ورودی‌های این مقطع را در نظر بگیریم متوجه می‌شویم که در رشته‌های مهندسی این تعداد برابر با تعداد ورودی‌های دوره لیسانس در اوایل دهه ۷۰ است. این امر باعث خواهد شد تا ایران در مدت کوتاهی با بحران جدیدی به نام

آن‌ها در همان دوران، بدون ارائه‌ی تحلیل‌ها و ادله‌ی قانع‌کننده، هر روز در رسانه‌ها بر رشد واقعی بازار تاکید می‌کردند و بر رفتار توده‌وار دامن می‌زدند. هر از گاهی هم که رشد توده‌وار در یکی از بازارهای ایران متوقف می‌شود مجدداً طی یک رفتار توده‌وار دیگر، سرمایه‌های مردم به سمت بازارهایی از قبیل بازار اوراق تسهیلات مسکن، بازار ارز، طلا و مسکن و غیره هجوم می‌برد و بازار جدید را دچار تلاطم می‌کند. این پدیده در سال ۹۳، پس از توقف رشد بازار بورس تهران در بازار اوراق تسهیلات مسکن بارها مشاهده شد و قیمت این اوراق را متناوباً و با شدت افزایش می‌داد. دلیل اینکه بازار اوراق تسهیلات مسکن مورد هدف این برنامه‌ها قرار گرفت این بود که بازارهای هدف دیگر از قبیل ارز، طلا و مسکن، در سال‌های قبل از آن شاهد رفتارهای توده‌وار مخصوصاً رفتار Over reaction بود.

این رفتار در بازار ارز نیز در سال‌های گذشته رخ داده است. هرچند اگر طبق "اتحاد جبری قدرت خرید" (purchasing power parity) قیمت دلار را محاسبه کنیم شاید قیمت آن نزدیک به ۷۰۰۰ تومان باشد اما به فرض اعمال محدودیت‌های خروج ارز از ایران و نیز تنظیم بازار توسط بانک مرکزی که باعث پایین آمدن نرخ برابری ارز شده، می‌توان گفت که واکنش بازار آزاد ارزی ایران به بحران ارزی سال‌های اخیر به اخبار و وقایع مربوطه بی‌نصیب از رفتار توده‌وار نبوده است.

علت رشد سریع‌السیر موسسات مالی و اعتباری غیرمجاز را نیز می‌توان به بروز رفتار هردینگ نسبت داد. می‌دانیم که شبکه بانکی و موسسات مالی و اعتباری، عامل اصلی ایجاد ضریب افزایش نقدینگی هستند و با وام‌دهی، نقدینگی را از سطح پایه پولی کشور بالاتر می‌برند. این موسسات در حال حاضر بیش از ۳۰ درصد نقدینگی ایران را به وجود آورده‌اند.

مالی در ایران می‌تواند رد پای این رفتار را آشکار کند. در طول یک سال از اواخر ۹۱ تا اواخر ۹۲، رشد اقتصادی ایران منفی اعلام شد اما با این حال بازار بورس ایران در طی این مدت رشد اسمی ۱۳۰ درصدی را تجربه کرد. تمام این رشد آن هم در طول دوره‌ی کوتاه‌مدت یک ساله را نمی‌توان به حساب تورم گذاشت چون اولاً نرخ ۱۳۰ درصدی بسیار بیشتر از نرخ تورم در آن مدت بوده و دوماً اگر تورم انباشته‌شده سال‌های گذشته هم در رشد اسمی ۱۳۰ درصد نقش داشته این سوال پیش می‌آید که چرا بازار با تاخیر به تورم واکنش نشان داده است.

این نکته را اینجا باید یادآوری کرد که بازارهای مالی ذاتاً به صورت لحظه‌ای به شاخص‌ها و تحولات اقتصادی واکنش نشان می‌دهند.

به یقین می‌توان گفت که رشد اقتصادی ۱۳۰ درصدی بورس ایران در سال ۹۱، نه واکنشی با تاخیر به تورم بلکه رشدی غیر عقلایی و توده‌وار بوده نمی‌توان آن را به تورم نسبت داد. البته یک بررسی موشکافانه‌تر نشان می‌دهد رشد واقعی (رشد اسمی پس از کسر تورم) این بازار از سال ۸۸ نزدیک به صفر بوده اما به هر حال از آنجایی که بازار باید هم‌زمان به واقعیات واکنش نشان دهد، ارتباط رشد ۱۳۰ درصد و تورم انباشته‌شده محل تردید است.

حال سوال دیگری که پیش می‌آید این است که اگر این رشد به خاطر افزایش قیمت سرمایه‌ی ثابت شرکت‌ها به خصوص املاک و مستغلات بوده چرا با فروکش کردن روند گرانی این بخش در اواخر ۹۱ باز هم با تاخیر برای ماه‌های بعد از آن تا اواخر ۹۲ در حال رشد بوده در حالی که در سال ۹۲ بخش مسکن در ایران در حال رکود بود. تمامی این مباحث، رفتار توده‌وار هردینگ در زمینه خرید سهام را در این بازار گواهی می‌دهد. البته مسوولین بازار بورس اوراق بهادار ایران، خود از عوامل دامن زدن به این رفتار هستند.

البته همان‌طور که قبلاً اشاره شد، سهم بازارهای پولی و مالی در این میان به دلیل سهولت نقل و انتقال اوراق بیشتر است چرا که بروز رفتار توده‌وار در عرصه تولید، نیازمند سرمایه‌گذاری در سرمایه ثابت است و به دلیل نگرش بدبینانه‌ای که صاحبان سرمایه در ایران نسبت به سرمایه‌گذاری تولید دارند، شدت رفتارهای توده‌وار در بازارهای پولی و مالی بیشتر از عرصه تولید است. از مباحث گفته‌شده این‌طور می‌توان نتیجه گرفت که رفتارهای توده‌وار همواره به عنوان رفتار غالب در بیشتر بخش‌های اقتصادی ایران، عامل شکل‌گیری کسب و کار ناپایدار، اشتغال کاذب و نوسانات اقتصادی بوده و بدین ترتیب، لطمات بسیار بر جای گذاشته است.

علاوه بر این، رفتارهای توده‌وار باعث جابجایی سریع‌السیر نقدینگی در بازارهای مختلف شده و ریسک سرمایه‌گذاری را بالا برده است. این رفتارها همچنین باعث توسعه نامتوازن در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور شده و حتی در بسیاری از مواقع از جریان یافتن نقدینگی به سمت سرمایه تولید نیز جلوگیری به عمل آورده است. در عین حال، هیجانات و تلاطم اقتصادی و متعاقب آن رکودهای گاه و بیگاه در بازارهای مختلف که در اثر رفتارهای توده‌وار بر جای مانده است زندگی بسیاری از ایرانیان را بارها در نوردیده و باعث خروج سرمایه از دست مردم شده است.

این رفتارها به اینجا نیز ختم نشده و از شکل‌گیری انتظارات مثبت نسبت به سرمایه‌گذاری بلندمدت در تولید جلوگیری کرده و باعث گردیده تا بسیاری از سرمایه‌گذاران به جای اختصاص سرمایه به امر تولید، به فکر سود بردن از نوسانات کوتاه‌مدت باشند. انتظارات منفی نسبت به سرمایه‌گذاری در امر تولید چیزی نیست که به راحتی بتوان آن را از بین برد. وقتی که نگرش مردم نسبت به تولید بدبینانه باشد آن‌گاه این

می‌دانید نقدینگی در سال‌های اخیر در ایران به شدت افزایش یافته به طوری که طبق آمار اخیر بانک مرکزی ایران این رقم به بیش از ۸۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. ۳۰ درصد به این معنی است که نقدینگی ایجادشده توسط بانک‌ها و موسسات مالی و پولی غیرمجاز، دو برابر پایه پولی ایران است. بایک محاسبه ساده از یک معادله در نظریه اقتصاد کلان می‌توان نتیجه گرفت که عامل شکل‌گیری این موسسات در اقتصاد ایران چه بوده است. طبق تابع تقاضای پول که حجم نقدینگی را به سطح قیمت‌ها، تولید ناخالص داخلی و نرخ بهره مرتبط می‌کند (از آنجایی که نرخ بهره در ایران دستی تعیین می‌شود) این مقدار نقدینگی یا باید در رشد تولید ناخالص داخلی انعکاس یابد و یا در نرخ تورم. از آنجا که رشد تولید ناخالص داخلی ایران در چند سال اخیر منفی و یا نزدیک به صفر بوده است می‌توان نتیجه گرفت که این نقدینگی در تورم انعکاس یافته و نتوانسته است وارد چرخه تولید شود.

این استدلال نشان می‌دهد که اتفاقی که در حوزه موسسات مالی و اعتباری غیرمجاز در سال‌های اخیر در ایران رخ داده با هدف دلالی پولی بوده است. ظهور تعداد زیاد موسسات مالی و اعتباری غیرمجاز آن هم بدون ارزیابی و در نظر گرفتن پتانسیل بخش خاصی از اقتصاد و به عبارت دیگر بدون هدف گرفتن سند خاصی این باور را تقویت می‌کند که ازدیاد این قبیل موسسات تحت تاثیر رفتار توده‌وار هر دینگ بوده است.

به این ترتیب رفتارهای توده‌وار در ایران هم در بخش تولید و هم در بازارهای پولی و مالی، موجبات نوسانات و البته بدون مجوز بودن این موسسات نیز دلیل دیگری است که نشان می‌دهد که رفتار توده‌وار علت شکل‌گیری آن‌ها بوده است. چه اگر این موسسات دارای مجوز بودند باید هدف و بازاری را برای خود معین می‌ساختند. در واقع افراد پس از مشاهده راه‌اندازی این‌گونه موسسات با این برآورد که ایجاد این موسسات

بدبینی به سادگی برگشت‌پذیر نخواهد بود. اما علل رواج این رفتارها در ایران را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد. یکی از مهم‌ترین این علل تنش‌های سیاسی داخلی و خارجی است که در طول سه و نیم دهه گذشته بحران‌های سیاسی بر اقتصاد ایران سایه افکنده و فضای پرابهام را برای آینده آن در پی داشته است به طوری که تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری‌ها را با مشکل مواجه ساخته و سرمایه‌گذاران همواره در یک سردرگمی باقی مانده‌اند.

علاوه بر این همان‌طور که قبلا هم اشاره شد، یکی از علل بروز رفتارهای توده‌وار را می‌توان به جریان مختل اطلاعات در ایران نسبت داد که منجر به کاهش آگاهی عمومی نسبت به سرمایه‌گذاری شده است و به تبع آن از شکل‌گیری رفتار عقلایی جلوگیری به عمل آورده است.

نبود بستر مناسب برای چرخش اطلاعات اقتصادی مانند نبود رسانه‌ی معتبر داخلی، ضعف شرکت‌های مشاور سرمایه‌گذاری، ضعف شرکت‌های تامین سرمایه و غیره، زمینه را برای بروز رفتارهای توده‌وار بیشتر از همه مهیا کرده است. در خصوص تاثیر رسانه‌ها این نکته را نباید فراموش کرد که در ایران سال‌ها است رسانه‌ای فراگیر و مقبول اکثریت مخصوصا تلویزیونی که به صورت آزادانه و تخصصی به پوشش اخبار اقتصادی بپردازد وجود ندارد و اکثر رسانه‌های موجود از قبیل صداوسیما به دلیل عدم پوشش بسیاری از تحولات و تصمیمات اقتصادی به دلایل سیاسی، اعتبار خود را از دست داده‌اند و نمی‌توانند اثر مثبت بر گردش آزاد اطلاعات در بازارهای ایران داشته باشند.

روزنامه‌ها و جراید دیگر و همچنین تحلیل‌گران اقتصادی نیز همواره به صورت محتاطانه نظرات خود را بیان می‌کنند و نمی‌توانند نسبت به آگاهی عمومی در مورد وضعیت اقتصادی کشور اثرگذار باشند.

بدین ترتیب، اختلال در چرخش اطلاعات باعث شده که انبوه سرمایه‌گذاران نسبت به اتخاذ تصمیم صحیح و عقلانی ناتوان باشند. در بازارهای مالی ایران وضعیت حتی از این هم بدتر است. عدم شفافیت و ریشه‌های گسترده و عمیق آن مانع مستحکم در برابر کارایی بازار و کشف صحیح قیمت در این بازار است با وجودی که طبق قوانین بازار اوراق بهادار ایران (فصل ششم، ماده ۴۶، مصوبه آذر ۸۴) کسانی که با استفاده از رانت اطلاعاتی به سودهای نامشروع دست یافته‌اند مستوجب مجازات حبس می‌باشند اما در بین ۲۵۰ هزار زندانی در ایران حتی یک نفر هم به جرم استفاده از اطلاعات نهانی در جهت منافع شخصی زندانی نشده است. آزادی رسانه‌ها در اینجا باز هم مصداق پیدا می‌کند. وقتی که زندان و توبیخ، همواره روزنامه‌نگاران و روزنامه‌ها را تهدید می‌کند نمی‌توان به افشای هویت سوءاستفاده‌کنندگان از اطلاعات نهانی و برخورد قانونی با آن‌ها امیدوار بود و قانون منع خرید سهام شرکت‌ها توسط دارندگان اطلاعات نهانی پیش از این‌که مانعی در برابر رانت اطلاعاتی باشد، زمینه را برای عدم ثبات رانت اطلاعاتی فراهم کرده است.

فساد در شرکت‌های حساب‌رسی را نیز باید به حساب آورد که فروش امضا به دلیل مخارج بالا در آن رایج است. اما تاکنون در ایران مشاهده نشده است که یک شرکت حساب‌رسی به دلیل فروش امضا پلمپ شود. در این میان، ضعف شرکت‌های تامین سرمایه را که نقش اساسی در تزریق اعتماد و اطمینان به بازار و افزایش شفافیت در ارزش شرکت‌ها دارند، نباید فراموش کرد.

در بازارهای مالی ایجاد شفافیت، مقدم بر آگاهی عمومی نسبت به موقعیت ریسک سرمایه‌گذاری است و باید گفت که ایجاد شفافیت قدم اول در برابر جلوگیری از شکل‌گیری رفتار توده‌وار است.

اقتصاد ایران در مهرماه



سعید قاسمی نژاد و یوحنا نجدی

دو هفته اول پاییز امسال، روزهای پرخبری را برای اقتصاد ایران به همراه داشت. از یک سو بابک زنجانی، دلال نفتی، سرانجام بعد از ۲۱ ماه زندان به پای میز محاکمه رفت. و از سوی دیگر، چهار وزیر اقتصادی در نامه‌ای کم‌سابقه به حسن روحانی، نسبت به عمیق‌تر شدن مشکلات اقتصادی در ایران و تبدیل آن از "رکود" کنونی به "بحران اقتصادی" هشدار دادند. افزایش بهای دلار، یورو و طلا در کنار استمرار کاهش صادرات نفت ایران برای سومین ماه متوالی از دیگر خبرهای مهم نیمه اول مهرماه محسوب می‌شوند.

هشدار چهار وزیر نسبت به بحران اقتصادی پیش رو

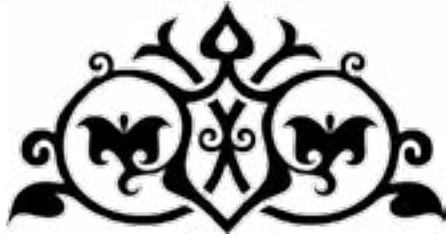
علی طیب‌نیا، "وزیر اقتصاد"، علی ربیعی، "وزیر کار"، محمدرضا نعمت‌زاده، "وزیر صنعت" و حسین دهقان، "وزیر دفاع" روز ۱۲ مهرماه در نامه‌ای مشترک به حسن روحانی، رئیس جمهوری اسلامی خواستار اتخاذ "تصمیمی فوری" برای جلوگیری از تبدیل "رکود" اقتصادی کنونی به "بحران" شده‌اند.

امضاکنندگان در این نامه، با هشدار نسبت به "تصمیمات و سیاست‌های ناهمانگ دستگاه‌ها" به شماری از مشکلات کنونی اقتصاد ایران از جمله کاهش «۴۲ درصدی» ارزش بازار بر اساس شاخص قیمت، افت چشم‌گیر سهام محصولات شیمیایی، فراورده‌های نفتی، فلزات اساسی، استخراج کانه‌های فلزی و بانک‌ها و موسسات اعتباری و همچنین افزایش قیمت دلار مبادله‌ای اشاره کردند. در این نامه از مواردی همچون افزایش قیمت دلار مبادله‌ای، بحران در بانک‌ها و موسسات اعتباری و الزامات بانک مرکزی برای جبران کسری ذخایر، کاهش ارزش بازار، کاهش تقاضا و کاهش مالیات ایزاری شرکت‌ها به عنوان

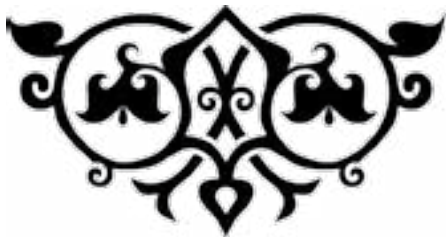


مورادی همچون افزایش قیمت دلار مبادله‌ای، بحران در بانک‌ها و موسسات اعتباری و الزامات بانک مرکزی برای جبران کسری ذخایر، کاهش ارزش بازار، کاهش تقاضا و کاهش مالیات ایزاری شرکت‌ها به عنوان عوامل تاثیرگذار بر "بحران" احتمالی پیش رو در اقتصاد ایران یاد شده است





”وزیر اقتصاد“ با دفاع از اقدام به نگارش این نامه تاکید کرد که «اگر این نامه به سایر اعضای دولت ارائه می‌شد قطعاً همه آن را امضا می‌کردند»



کرده‌اند باید اقدام فوری و فوق‌العاده و یا به عبارت دیگر اقدامی وسیع‌تر از شرایط عادی از سوی دولت در بازار سرمایه انجام شود.»

حسین عبده تبریزی با بیان اینکه «در شرایط عادی دولت نباید در بازار سرمایه دخالت کند»، افزود که «اما در زمان شکست بازار و وضعیت خاص باید دولت در این زمینه ورود کند» و به همین دلیل، این وزیران معتقدند که «دولت و سایر اعضای کابینه باید از این موضوع آگاه شوند و به کمک بازار سرمایه بیایند».

با این حال، محمدرضا نوبخت، سخنگوی دولت حسن روحانی روز ۱۴ مهرماه در جریان یک نشست خبری با تاکید بر اینکه «این نامه فراتر از یک گزارش نیست»، گفت: «اگر ۴ وزیر از من نظر می‌خواستند توصیه می‌کردم یک مهر محرمانه به آن بزنند.» به گزارش خبرگزاری «تسنیم»، رییس «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی» خاطرنشان کرد: «این نامه به مساله کلیت اقتصاد ایران معطوف نیست و به فضای بازار سرمایه و بورس اشاره می‌کند.» گفتنی است پیش‌تر در محافل اقتصادی ایران زمزمه‌هایی درباره اختلاف نظر در تیم

عوامل تاثیرگذار بر ”بحران“ احتمالی پیش رو در اقتصاد ایران یاد شده است. این چهار وزیر «براساس پیش‌بینی‌های بودجه‌ای شرکت‌ها» و «واقعیت‌های موجود در عملیات صنایع مختلف بورسی» تاکید کردند که «اگر به صورت ضرب‌الاجل و بر اساس قواعد حاکم در شرایط بحران اتخاذ تصمیم نگردد، بیم آن می‌رود که این رکود تبدیل به بحران و آنگاه بی‌اعتمادی شود که برای زدودن آثار آن شاید مدت‌ها وقت لازم باشد.»

تنها ساعاتی بعد از انتشار این نامه، ”وزیر اقتصاد“ به عنوان یکی از امضاکنندگان آن از «دستور رسیدگی» حسن روحانی به این نامه خبر داد.

به گفته علی طیب‌نیا، در پی این دستور، تیم اقتصادی دولت بعد از برگزاری جلسات منظم، نهایتاً یک ”بسته سیاستی جامع“ شامل سیاست‌های پولی، مالی و تجاری معطوف به ”رشد اقتصادی“ تهیه کرد. وی شام‌گاه ۱۳ مهرماه نیز با حضور در برنامه گفتگوی ویژه خبری در تلویزیون دولتی جمهوری اسلامی با ارائه توضیحاتی درباره این نامه گفت که این نامه ”هشدار“ نبوده، بلکه «پیش‌بینی از وضعیت بازار سرمایه بوده است».

”وزیر اقتصاد“ با دفاع از اقدام به نگارش این نامه تاکید کرد که «اگر این نامه به سایر اعضای دولت ارائه می‌شد قطعاً همه آن را امضا می‌کردند».

آقای طیب‌نیا همچنین از ارسال چندین نامه به حسن روحانی طی دو سال گذشته خبر داد و افزود: «طی دو سال گذشته نامه‌های متعددی را برای رییس‌جمهور فرستادیم و آینده را مورد پیش‌بینی قرار دادیم و متناسب با آن سیاست‌ها را تنظیم و اجرا کردیم.» یک روز بعد نیز ”مشاور وزیر راه“ ضمن دفاع از اقدام این چهار وزیر در نگارش نامه مزبور گفت: «این وزیران احساس

هزاران پروژه ناتمام در سراسر کشور به قدمت چندین دهه

خبرگزاری "مهر" در نیمه اول مهرماه در سلسله گزارش‌هایی، به موضوع پروژه‌های ناتمام در استان‌های مختلف کشور پرداخت.

این خبرگزاری در گزارشی از استان مازندران به عنوان استانی دارای "کلکسیونی از طرح‌های زخمی‌شده، تاریخی، بی‌مطالعه و غیر کارشناسی" یاد کرد و نوشت که تنها تکمیل پروژه‌های ناتمام این استان، به "همه توان دولت" نیازمند است.

هتل بین‌المللی و هفت ستاره سماموس، پروژه‌های آزادسازی حریم دریا، کنارگذر ساحلی رامسر، کانال انحرافی آب چالوس و چندین سد از جمله این پروژه‌های ناتمام در مازندران به شمار می‌روند.

در همین خصوص، کمال علی‌پور، دبیر "مجمع نمایندگان مازندران" روز ۱۱ مهرماه گفت که پروژه محور موصلاتی قائم‌شهر-جویبار به دلیل آن‌که بعد از گذشت سال‌ها همچنان تکمیل نشده است، «قابل ثبت در کتاب رکوردهای گینس است». به نوشته "مهر" در استان چهارمحال و بختیاری هم بیش از ۱۵۰۰ پروژه نیمه‌تمام وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به پروژه‌های سالن دومیدانی تارتان بروجن، استخر شنای بلداجی، جاده چهار خطه بروجن-لردگان و مجتمع دامپروری فرادنبه اشاره کرد. این خبرگزاری در گزارشی دیگر از ۲۶۷۰ پروژه نیمه‌تمام در استان فارس از جمله ورزشگاه میان‌رود، تالار بزرگ شیراز، آزادراه شیراز به اصفهان و خط آهن شیراز به بوشهر خبر داد و نوشت که «برای اتمام آن‌ها رقمی حدود ۳۲۰۰ میلیارد تومان لازم است». به نوشته "مهر"، در استان قزوین نیز پروژه‌هایی به ارزش حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان همچنان نیمه‌تمام باقی مانده‌اند.

اقتصادی کابینه به گوش می‌رسید و بسیاری از کارشناسان، انتشار نامه چهار وزیر به حسن روحانی را در راستای این اختلاف ارزیابی کرده‌اند.

دادگاه بابک زنجانی برگزار شد

در نیمه اول مهرماه، سه جلسه دادگاه بابک زنجانی، دلال نفتی زندانی، در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران برگزار شد. قاضی این دادگاه، ابوالقاسم صلواتی، قاضی معروف پرونده‌های زندانیان سیاسی و عقیدتی است.

بر اساس کیفرخواست ۲۳۷ صفحه‌ای که طی سه جلسه دادگاه توسط معاون دادستان تهران به عنوان نماینده مدعی‌العموم خوانده شد، آقای زنجانی به "افساد فی‌الارض"، "کلاهبرداری از شرکت ملی نفت"، "جعل ۲۴ فقره اسناد بانکی"، "پول‌شویی" و "نشر اکاذیب" متهم شده است. به گزارش خبرگزاری‌ها، آقای زنجانی در هنگام خوانده شدن این کیفرخواست، در واکنش به برخی اتهام‌ها "می‌خندید". برای اتهام "افساد فی‌الارض" در قوانین ایران، مجازات مرگ پیش‌بینی شده است.

علاوه بر بابک زنجانی، دو متهم دیگر نیز با لباس زندان در جلسه دادگاه حاضر بودند که به "افساد فی‌الارض"، "مشارکت در کلاهبرداری" و "مشارکت در پول‌شویی" متهم شده‌اند. قرار است جلسه بعدی دادگاه این پرونده روز ۹ آبان‌ماه برگزار شود.

بابک زنجانی روز ۹ دی‌ماه ۱۳۹۲ (۳۰ دسامبر ۲۰۱۳) و به دنبال رای‌هی سند جعلی مبنی بر پرداخت بیش از دو میلیارد دلار بدهی‌اش به حساب بانک مرکزی ایران از طریق بانکی در تاجیکستان، بازداشت شد و از آن زمان تاکنون در زندان اوین محبوس است.

شرایط اقتصادی این کشور را از نزدیک بررسی کرده‌اند، در گزارش خود نوشته‌اند اقتصاد ایران با "چالش‌های ساختاری مهمی" از جمله افت ناگهانی و شدید قیمت نفت، کاهش تقاضا و مصرف، اشباع بازار و همچنین بار سنگین مطالبات معوقه بر گردن بانکها مواجه است.

این صندوق با اشاره به رشد اقتصادی "۳ درصدی" ایران در سال ۱۳۹۳ پیش‌بینی کرد که این شاخص در پایان سال جاری به رقمی بین "منفی نیم" تا "نیم درصد" کاهش خواهد یافت و نرخ تورم نیز از "۱۲ درصد" در سال گذشته به "۱۴ درصد" در پایان امسال افزایش می‌یابد.

در یکی از جدیدترین موارد گرانی در ایران، با تصمیم دولت حسن روحانی، بهای آب مصرفی کاربرهای خانگی در ایران تا ۳۰ درصد افزایش یافت. بر اساس مصوبه "شورای اقتصاد"، از روز اول مهرماه، نرخ تعرفه‌های آب شرب شهری در کاربری‌های خانگی، برای مصارف کمتر از ۱۵ متر مکعب در ماه به میزان ۱۰ درصد، برای مصارف ۱۵ تا ۲۰ متر مکعب در ماه به میزان ۱۵ درصد، برای مصارف بین ۲۰ تا ۴۰ متر مکعب در ماه به میزان ۲۰ درصد، و برای مصارف بیش از ۴۰ متر مکعب در ماه به میزان ۳۰ درصد افزایش می‌یابد.

این شورا بهای آب مصرفی کاربری‌های غیرخانگی را نیز به میزان ۲۰ درصد افزایش داده است. همچنین، تمامی مشترکان غیرخانگی و نیز مشترکان خانگی با مصرف بالاتر از ۲۵ متر مکعب در ماه، در ماه‌های گرم سال (خرداد، تیر، مرداد و شهریور) با ۲۰ درصد افزایش مضاعف بهای آب روبه‌رو می‌شوند.

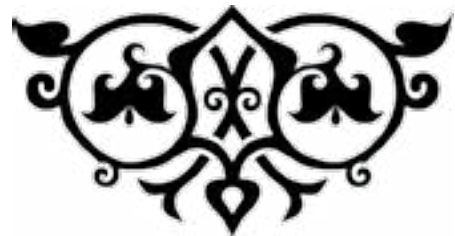
در خبری دیگر در خصوص اقتصاد کلان ایران، "مرکز آمار ایران" روز اول مهرماه نرخ تورم شهریورماه را ۱۳/۶ درصد و تورم نقطه به نقطه را ۱۱/۶ درصد اعلام کرد.

در استان آذربایجان غربی هم بیش از دو هزار طرح عمرانی نیمه‌تمام باقی مانده که عمر برخی از آنها به بیش از بیست سال قبل بازمی‌گردد. کلنگ احداث پروژه راه آهن مراغه-ارومیه در ۱۵ سال قبل، ورزشگاه ۱۵ هزار نفری ارومیه در ۱۲ سال قبل، بیمارستان آیت‌الله خویی در ۲۳ سال قبل و دانشکده ادبیات و علوم انسانی مهاباد در ۲۸ سال قبل به زمین زده شد اما همچنان نیمه‌کاره رها شده‌اند.

علاوه بر این، در استان‌های زنجان و یزد نیز به ترتیب بیش از ۱۳۴۸ و ۱۴۰۰ پروژه ناتمام به چشم می‌خورد.



نرخ تورم شهریورماه را ۱۳/۶ درصد و تورم نقطه به نقطه را ۱۱/۶ درصد اعلام کرد



پیش‌بینی "صندوق بین‌المللی پول" از اقتصاد ایران: کاهش رشد اقتصادی و افزایش تورم

"صندوق بین‌المللی پول" در جدیدترین گزارش خود از وضعیت اقتصادی ایران که روز ۱۳ مهرماه در وبسایت آن منتشر شد، نوشت که اگرچه سیاست‌های اقتصادی "محتاطانه" حسن روحانی به "بهبود رشد اقتصادی"، "کاهش تورم" به سطح ۱۵ درصد و "ثبات بازار ارز" انجامیده اما اقتصاد این کشور به "اصلاحات اساسی" نیازمند است. کارشناسان این نهاد معتبر بین‌المللی که ۱۹ تا ۳۰ سپتامبر با سفر به ایران،

این در حالی است که چهار روز بعدتر، "بانک مرکزی"، در گزارشی نرخ تورم شهریور را ۱/۱۵ درصد و تورم نقطه به نقطه را ۷/۱۱ درصد برآورد کرد.

کاهش تجارت خارجی و تولید نفت

آمارهای "گمرک جمهوری اسلامی" از سقوط تجارت خارجی ایران در نیمه اول امسال خبر می‌دهد. بر اساس این آمارها که روز ۶ مهرماه منتشر شد، ارزش واردات در نیمه اول امسال به ۲۰ میلیارد و ۸۵۲ میلیون دلار رسید که این میزان واردات، ۴۳/۲۰ درصد کمتر از مدت مشابه سال قبل بوده است.

همچنین در شش ماهه اول امسال، میزان صادرات غیرنفتی ایران به ۲۰ میلیارد و ۴۹۴ میلیون دلار رسید که در مقایسه با مدت مشابه پارسال ۱۵/۱۴ درصد کاهش نشان می‌دهد. از سوی دیگر، خبرگزاری "رویترز" روز ۱۴ مهرماه در گزارشی از "استمرار کاهش صادرات نفت ایران برای سومین ماه متوالی" خبر داد. بر اساس این گزارش، فروش نفت خام ایران بر اساس آمارهای ابتدایی، به ۸۳۰ هزار بشکه در روز در ماه اکتبر می‌رسد که این رقم، ۱۴ درصد کمتر از ماه سپتامبر و کمترین میزان از ماه مارس تاکنون است.

"رویترز" می‌نویسد که کاهش صادرات نفت ایران "با وجود اعطای مشوق‌هایی مانند تخفیف قیمت" حاکی از آن است که این کشور حتی «بعد از توافق هسته‌ای نیز با مشکلات قابل توجهی در خصوص افزایش میزان صادرات نفت خود مواجه است».

بر اساس این گزارش، کشورهای هند و کره جنوبی به میزان ۲۰ درصد و ژاپن نیز ۱۰ درصد از میزان واردات نفت خود از ایران در ماه اکتبر را نسبت به سپتامبر کاهش داده‌اند.

این در حالی است که مقام‌های مسوول در جمهوری اسلامی و وزارت نفت این کشور همچنان نسبت به افزایش حجم صادرات نفت ایران ابراز امیدواری می‌کنند. در همین ارتباط، منصور معظمی، "معاون برنامه‌ریزی و نظارت بر منابع هیدروکربوری وزارت نفت" روز ۵ مهرماه با ابراز امیدواری نسبت به "دو برابر شدن صادرات نفت ایران در دوران پساتحریم" گفت: «ایران سهم ۱۴ درصدی خود در اوپک را پس می‌گیرد.»

افزایش محسوس بهای ارز و طلا

در نیمه اول مهرماه، بهای ارز و طلا به طرز محسوسی گران شد. بهای دلار آمریکا از ۳۳۸۷ تومان در ابتدای این ماه به ۳۴۷۳ تومان در نیمه مهرماه رسید و قیمت یورو نیز از ۳۸۲۵ تومان به ۳۹۳۰ تومان افزایش یافت. قیمت سکه تمام بهار آزادی نیز با افزایشی چشم‌گیر از ۹۰۹ هزار و ۵۰۰ تومان در اول مهرماه به ۹۳۴ هزار و ۵۰۰ تومان در ۱۵ مهر رسید و بهای سکه نیم بهار آزادی هم از ۴۶۴ هزار به ۴۷۰ هزار تومان افزایش پیدا کرد.

در این میان، شاخص کل قیمت و بازده نقدی بورس تهران در پایان معاملات روز ۱۵ مهرماه به عدد ۶۱۲ هزار و ۳۸۹ واحد رسید. کارشناسان بازار بورس پیش‌بینی می‌کنند که در هفته‌های پیش رو، این بازار همچنان در محدوده کوچکی نوسان خواهد کرد.

بسته اقتصادی دولت برای پاییز و زمستان

محمدباقر نوبخت، "سخنگوی دولت حسن روحانی" روز ۲۵ مهرماه در جریان یک نشست خبری جزییاتی از بسته اقتصادی شش‌ماهه‌ی دولت با هدف "افزایش رشد اقتصادی همراه با سیاست مهار تورم" را تشریح کرد و گفت: «این دوره ۶ ماهه از شروع برجام تا رفع تحریم‌ها

که پیش‌بینی می‌شود ۶ ماه باشد، به صورت کوتاه‌مدت خواهد بود.» به گفته وی، مبانی نظری سیاست‌های مذکور «همان چارچوب سیاست‌های اقتصادی مقاومتی» است که «با تجهیز منابع»، در پی «افزایش تولید داخل و صادرات به خارج کشور» تلاش می‌کند.

رییس «سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور» وظیفه‌ی سازمان متبوعش را «تامین افزایش مخارج دولت برای اجرای بسته» عنوان کرد و افزود «اجرای سیاست‌های اعتباری و پولی نیز با وزارت اقتصاد و بانک مرکزی خواهد بود».

در همین روز، «معاونت هماهنگی برنامه و بودجه امور اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی» گزارشی از وضعیت «نامناسب» بخش‌های مختلف اقتصاد ایران در سال ۹۴ را منتشر کرد. این گزارش با عنوان «چشم‌انداز رشد اقتصادی در فصل اول سال ۹۴» با اشاره به مشکلات مختلف در عرصه‌های مسکن، نفت و گاز، تجارت خارجی و بانک‌ها تاکید کرد که اقتصاد ایران در حال حاضر به «تغییر ساختار اقتصاد کشور»، «رفع موانع افزایش تولید»، «مشارکت وسیع بخش خصوصی» و «جذب سرمایه‌گذاری خارجی» نیازمند است.

پیش‌بینی رشد اقتصادی صفر درصدی

محمدرضا باهنر، «نایب‌رییس مجلس شورای اسلامی» و از چهره‌های ارشد جناح «اصول‌گرا» در ایران، روز ۲۴ مهرماه با ابراز «نگرانی شدید» از استمرار رکود اقتصادی در کشور، رشد اقتصادی ایران در سال جاری را «صفر درصد» پیش‌بینی کرد و گفت: «هرچند در حال حاضر اقتصاد کشور از تورم فاصله گرفته، اما رکود موجود در آن به شدت نگران‌کننده است.» شش روز پیش از این، حسن روحانی در سخنانی با برشمردن برخی از مشکلات عمده اقتصادی گفته بود: «بخش‌های تولیدی از یک طرف در زمینه

تسهیلات مالی و پولی و از طرف دیگر به دلیل کاهش تقاضا دچار برخی مشکلات هستند.» وی که در همایشی درباره صنعت و تجارت سخن می‌گفت، ادامه داد: «به هر حال وزارتخانه‌های ما برای ارائه خدمات به جامعه به دلیل درآمد کم با مشکلاتی مواجه هستند.»

آقای روحانی از «کاهش شدید قیمت نفت» و «ورود فناوری کمتر به داخل کشور طی سال‌های اخیر» به عنوان عوامل دامن زدن به مشکلات اقتصادی یاد کرد و افزود: «ما زمان کوتاه‌تری را بین انجام توافق تا اجرایی شدن توافق پیش‌بینی می‌کردیم.»

در همین حال، مسعود احمد مسوول بخش خاورمیانه «صندوق بین‌المللی پول» روز ۱۸ مهرماه پیش‌بینی کرد که با رفع تحریم و اجرای توافق هسته‌ای، رشد اقتصادی ایران در سال آینده به ۵ درصد خواهد رسید اما «برای سال جاری میلادی رشدی برای اقتصاد ایران دیده نمی‌شود».

این صندوق پیش‌تر در روز ۱۳ مهرماه با انتشار گزارشی، رشد اقتصادی ایران در سال جاری را بسته به این‌که چه زمانی تحریم‌های بین‌المللی لغو شود، چیزی حدود منفی نیم تا نیم درصد برآورد کرده بود.

احتمال بازگشت رکود

حسن روحانی، رییس جمهوری اسلامی ایران، روز ۱۸ مهر، با تاکید بر این‌که «دولت و بخش‌های تولیدی با مشکل روبه‌رو هستند»، هشدار داد که «اقتصاد ایران ممکن است دوباره به رکود بازگردد». وی با ابراز نگرانی نسبت به بازگشت رکود به اقتصاد کشور خاطرنشان کرد: «باید حواس‌مان جمع باشد و تلاش‌های فراوانی انجام بگیرد و مشکلات تولید را حل و فصل کنیم.» آقای روحانی در حالی از خطر «بازگشت» رکود سخن به میان آورد، که به باور برخی، اقتصاد ایران در

کلاف سردرگم بابک زنجانی

بابک زنجانی در نامه‌ای به اعضای مجلس شورای اسلامی ضمن دفاع از فعالیت‌های اقتصادی خود نوشت که به قرارگاه خاتم‌الانبیاء متعلق به سپاه پاسداران بیش از ۲۰۰ میلیون یورو «قرض» داده و هنوز «۳۰ میلیون یورو» از این قرارگاه «طلب‌کار» است.

وی در این نامه که روز ۲۴ مهر در رسانه‌های ایران منتشر شد، ادعا کرده که از سال ۸۸ تا ۹۰ با نصب «سیستمی» در چند بانک ایران، در مجموع دو و نیم میلیارد یورو را به خارج از کشور منتقل و به ازای هر یورو ۱۲۰۰ تومان دریافت کرده است. او در عین حال مدعی شد که همه‌ی این پول را در داخل کشور «سرمایه‌گذاری» کرده است.

وی با اشاره به سرمایه‌گذاری خود در احداث پل صدر در تهران افزود: «واردات قطعات آن را انجام دادم و بعد از دو سال به جای پولم، تراکم به من دادند و مجبور به ساخت پروژه ایران زمین شدم.» به گفته‌ی امیرعباس سلطانی، عضو «کمیته پیگیری پرونده بابک زنجانی در مجلس شورای اسلامی»، این نامه در تاریخ ۱۳ تیرماه امسال نوشته شد، اما «هیچ‌گاه به نمایندگان ارجاع داده نشد».

در همین حال مدیر امور حقوقی «شرکت نفت ایران» در واکنش به زمزمه‌هایی مبنی بر آمادگی وکلای آقای زنجانی برای پرداخت بدهی‌های وی گفت که «در این باره هیچ تماسی با وزارت نفت گرفته نشده است».

علی‌اکبر ماهرخ‌زاد در گفتگو با شماره روز ۲۲ مهر روزنامه «شرق»، چاپ تهران از نامه شرکت نفت به قاضی رسیدگی‌کننده به پرونده بابک زنجانی خبر داد و گفت: «در این نامه رسماً توجه دادیم که تا این لحظه حتی یک سنت به حساب

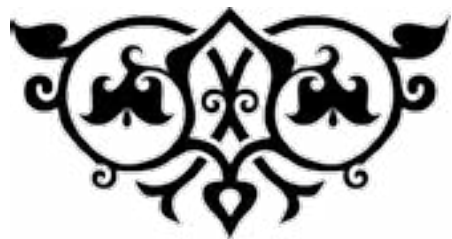
حال حاضر نیز در رکود به سر می‌برد. از جمله در همین روز، رییس «اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی تهران» رکود اقتصادی فعلی ایران را در ۳۰ سال گذشته «بی‌سابقه» توصیف کرد.

مسعود خوانساری با اشاره به رشد اقتصادی زیر صفر درصد در نیمه نخست امسال گفت: «این شرایط موجب شد تا رکود بسیار سخت در اقتصاد کشور حاکم شود به طوری که در ۳۰ سال گذشته چنین رکودی نداشتیم و هر روز در انتظار بسته شدن کارخانه‌ای هستیم.»

پیشتر نیز در اوایل مهرماه، چهار وزیر کابینه روحانی در نامه‌ای سرگشاده به رییس جمهوری ایران هشدار دادند که اگر «به صورت ضرب‌الاجل و بر اساس قواعد حاکم در شرایط بحران» تصمیم‌گیری نشود، «رکود فعلی» به «بحران» تبدیل خواهد شد.



رییس «اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی تهران» رکود اقتصادی فعلی ایران را در ۳۰ سال گذشته «بی‌سابقه» توصیف کرد



بیژن زنگنه، «وزیر نفت» گفته بود که «شرکت‌های آمریکایی از طرف دولت خودشان چراغ سبز دریافت نکرده‌اند» و گرنه از طرف ایران «درها برای‌شان باز است».

وی در واکنش به پرسش یکی از خبرنگاران که به تاکیدهای علی خامنه‌ای مبنی بر عدم همکاری اقتصادی با آمریکا اشاره کرده بود، گفت: «برداشتی که شده درست نیست و ما برای شرکت‌های آمریکایی اگر مایل به کار در صنعت نفت ایران باشند مشکلی نداریم».

این نخستین بار طی هفته‌های اخیر نیست که رهبر حکومت ایران نسبت به برقراری رابطه اقتصادی با آمریکا هشدار می‌دهد. وی در سخنانی در روز ۱۵ مهرماه نیز گفته بود: «مذاکره با آمریکا به معنای باز کردن مسیر برای نفوذ در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی کشور است».

نوسان بهای طلا و ارز

بهای دلار با اندکی کاهش از ۳۴۶۳ تومان در ۱۶ مهر به ۳۴۵۵ تومان در انتهای این ماه رسید اما بهای یورو از ۳۹۱۵ تومان به ۳۹۵۰ تومان افزایش یافت.

در این مدت، قیمت سکه تمام‌بهار آزادی از ۹۳۴ هزار به ۹۴۱ هزار و ۵۰۰ تومان و سکه نیم‌بهار آزادی نیز از ۴۶۹ هزار به ۴۷۰ هزار تومان رسید. شاخص بورس نیز در هفته پایانی مهرماه با ۱۲۰۲ واحد افزایش به رقم ۶۳۱۷۵ واحد رسید. کارشناسان از «تصویب کلیات و جزییات برجام» در مجلس شورای اسلامی، «وعده‌های حسن روحانی در خصوص جهش اقتصادی» و «سیاست‌های پولی جدید برای نیمه دوم امسال» به عنوان عواملی یاد می‌کنند که تاثیر مثبت کوتاه‌مدتی بر بازار بورس داشته است.

شرکت نفت واریز نشده است.» این در حالی است که «وزیر نفت» دولت حسن روحانی، تلویحا بابت زنجانی را به پرداخت رشوه به برخی رسانه‌ها برای انحراف افکار عمومی متهم کرد. بیژن زنگنه روز ۲۷ مهر در سخنانی در جمع خبرنگاران گفت: «بابت زنجانی دارد در برخی رسانه‌ها پول خرج می‌کند تا برای خودش پوشش بگیرد».

وی با انتقاد از سرعت رسیدگی به این پرونده افزود: «این پرونده هیچ پیشرفتی نداشته و او (بابت زنجانی) حرف می‌زند.» آقای زنگنه مبلغ بدهی بابت زنجانی را «۱۰ هزار میلیارد تومان» برآورد کرد و ادامه داد: «یک کمی در جیبش را شل کرده و دارد خرج می‌کند که دارند حرف‌هایی برایش می‌زنند که ظاهراً او دارد طلبکار و ما بدهکار می‌شویم. پول ملت را خورده‌اند و این قدر پُررویند.» بابت زنجانی روز ۹ دی‌ماه ۱۳۹۲ (۳۰ دسامبر ۲۰۱۳) و به دنبال ارایه‌ی سند جعلی مبنی بر پرداخت بیش از دو میلیارد دلار بدهی‌اش به حساب بانک مرکزی ایران از طریق بانکی در تاجیکستان، بازداشت شد. در نیمه اول مهرماه امسال، سه جلسه دادگاه آقای زنجانی برگزار گردید و قرار است جلسه‌ی بعدی آن، روز نهم آبان‌ماه در شعبه‌ی ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران برگزار شود.

دستور خامنه‌ای درباره پرهیز واردات از آمریکا

تنها دو روز بعد از استقبال یک وزیر با سابقه دولت حسن روحانی از حضور شرکت‌های آمریکایی در ایران، رهبر جمهوری اسلامی به شدت نسبت به برقراری رابطه اقتصادی با این کشور هشدار داد. علی خامنه‌ای روز ۲۹ مهرماه در نامه‌ای به حسن روحانی ضمن تاکید بر ضرورت «پیگیری همه‌جانبه‌ی اقتصاد مقاومتی» و «هم‌چنین جلوگیری از واردات بی‌رویه بعد از برداشته شدن تحریم‌ها» نوشت که «به خصوص از وارد کردن هرگونه مواد مصرفی از آمریکا جدا پرهیز شود». تنها دو روز پیش از انتشار این نامه بود که

بورس ارز ایران؛ الگوبرداری ناقص از یک سازوکار غربی



حمید بابایی

در این راستا تلاش‌های بسیاری انجام شد که می‌توان به ایجاد اتاق مبادلات ارزی اشاره کرد که در آن عرضه‌کنندگان و متقاضیان ارز با نرخ‌ی که توسط بانک مرکزی اعلام می‌شود نسبت به معامله ارز اقدام می‌کنند. در سال ۹۳ مقامات ایران بارها از دستیابی به ارز تک‌نرخ‌ی در ابتدای سال ۹۴ صحبت می‌کردند اما تا به امروز این هدف به طور کامل محقق نشده و کم شدن فاصله نرخ ارز مبادله‌ای با بازار آزاد در ماه‌های اخیر، به دلیل رکود و کاهش تنازعات سیاسی به ویژه در بحران هسته‌ای با غرب بوده است.

حالا چندی است که وزیر اقتصاد و روسای نهادهای پولی و مالی از راه‌اندازی بورس ارز در ایران صحبت می‌کنند و از قرار معلوم هماهنگی‌های لازم برای راه‌اندازی این بورس به عمل آمده است و در آینده‌ی نزدیک، معاملات ارز در این بورس انجام خواهد گرفت. یکی از اهداف راه‌اندازی بورس ارز در ایران سامان‌دهی به بازار ارز و تک‌نرخ‌ی کردن ارز عنوان شده است. اما سوال اینجا است که ایجاد چنین ساز و کاری تا چه حد می‌تواند به تک‌نرخ‌ی کردن ارز کمک کند. در دنیا، عمده ارزی که مورد داد و ستد قرار می‌گیرد از طریق بازارهای فرابورس و به چند صورت نقدی، قرارداد آتی خارج از بورس (Forward)، و سوآپ ارزی است. به طور مثال، مبادلات بین بانکی عمدتاً به صورت سوآپ ارزی انجام می‌شود. بورس‌های ارز در دنیا مختص پیمان‌های آتی (Future) است که قیمت ارز در آن به صورت عرضه و تقاضا تعیین می‌شود و معامله‌گران برای خرید و یا فروش ارز خاصی با تاریخ سررسید معین، وارد پیمان می‌شوند و با تامین وجه تضمین معین در یک حساب (Initial margin)، سود یا ضرر حاصل از تغییران قیمت ارز به صورت روزانه به این وجه تضمین اعمال می‌گردد.



تک‌نرخ‌ی شدن ارز در ایران در سال‌های اخیر به ویژه پس از بحران ارزی دوران احمدی‌نژاد همواره چالش جدی پیش روی مقامات ایران بوده است



در صورت کاهش این وجه تضمین به سطح معین (Maintenance margin) معامله‌گر باید با افزایش موجودی حساب به مقدار ابتدایی، ضرر حاصل از ورود به پیمان آتی را جبران کند و یا برعکس، در صورت کسر سود، مقدار موجودی این حساب افزایش می‌یابد. این بدان معنا است که از لحظه ورود به پیمان تا سررسید آن یعنی زمان تحویل ارز، نوسانات روزانه ارز به صورت سود یا ضرر به حساب، واریز و یا از آن کسر می‌شود.

از قرار معلوم، مسوولان ایران قصد راه‌اندازی چنین بازاری مطابق با بازارهای بورس آتی دنیا را دارند. نکته مهمی که در اینجا وجود دارد این است که بورس‌های آتی در تمام دنیا به دلیل مکانیزیمی که در بالا بدان اشاره شد، محلی مناسب برای سفته‌بازان است چرا که در آن معامله‌های سوداگری با هدف کسب سود از نوسانات روزانه ارز انجام می‌گیرد.

در بورس‌های آتی به ندرت پیش می‌آید که معامله خاصی منجر به تحویل ارز یا هر کار مورد معامله دیگری شود به طوری که کمتر از یک درصد پیمان‌های آتی ارز (Future) منجر به تحویل ارز می‌شود. در این بورس‌ها، معامله‌گران پس از کسب سود و یا ضرر حاصل از ورود به "پیمان آتی" و قبل از سررسید، آن را بسته و از تحویل کالای موردنظر جلوگیری به عمل می‌آورند. در تمام دنیا واردکنندگان و صادرکنندگان از طریق بازار بورس غیررسمی که بازاری آزاد و خارج از بورس است ارز خود را خریداری یا به فروش می‌رسانند. ایران کشوری است که سفته‌بازی و سوداگری در آن رواج بسیار دارد و در صورت امکان دسترسی متقاضیان و عرضه‌کنندگان غیررسمی، بورس ارز، محل مناسب برای سوداگری آن‌ها خواهد بود و در مواقع بحران می‌تواند قیمت ارز را دچار تلاطم‌های شدید کند. هرچند که مسوولان ایران اعلام کرده‌اند که بازیگران اصلی این بازار،

بانک مرکزی، بانک‌ها و صرافی‌های مجاز خواهند بود و علی‌الظاهر از ورود فعالیت‌های سفته‌بازی به این بازار جلوگیری به عمل خواهد آمد. در این صورت، این پرسش به وجود می‌آید که اگر اشخاص حقیقی و متقاضیان و فروشندگان غیررسمی ارز نتوانند به صورت تواما از بورس ارز و بازار آزاد ارز استفاده کنند و بورس ارز به صورت مجزا و تصنعی اداره شود به طوری که تاثیری روی بازار آزاد نداشته باشد، مقامات اقتصادی ایران چگونه انتظار دارند که این بازار بتواند به شکل‌گیری پایدار و همیشگی ارز تکنرخی کمک کند.

از طرف دیگر بورس ارز، محلی است که اصولاً بانک مرکزی نباید در آن دخالتی کند و در صورت هرگونه دخالت در آن، نرخ ارز در این بازار با بازار آزاد متفاوت خواهد شد و دستیابی به ارز تکنرخی هم در صورت وصول، بسیار متزلزل خواهد بود. این‌گونه سازماندهی و مدیریت بورس ارز به مشابه یک الگوبرداری ناقص از یک سازوکار بازار آزاد خواهد بود که طبعاً کارکردی ناقص خواهد داشت. امری که بارها در ایران اتفاق افتاده همچنان ادامه دارد. شکل‌گیری ارز تکنرخی در دو صورت برای ایران قابل وصول خواهد بود که هر دو حالت در حال حاضر به راحتی قابل دستیابی نیست.

حالت اول این‌که بازار ارز به طور کامل تبدیل به بازار آزاد شود به طوری که ارز به صورت شناور و نه با دخالت بانک مرکزی تعیین شود که البته در این صورت، خطر ایجاد نوسانات شدید به هنگام بروز بحران‌های سیاسی و اقتصادی وجود دارد. و حالت دوم، ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی در ایران است که عرضه و تقاضای ارز را به تعادل برساند که این مورد نیز به طور کامل حاصل نشده است. هر اقدامی خارج از این دو حالت از قبیل ایجاد نهادهای مالی مانند بورس ارز اگر هم موقتاً منجر به ارز تکنرخی شود بسیار ناپایدار و شکننده خواهد بود.

ثروتمندان ایران: محمد صدر هاشمی نژاد؛ بنیان گذار نخستین بانک خصوصی از روستا می آید



یوحنا نجدی

در میان فهرست ثروتمندترین ایرانیان، نامی به چشم می خورد که چندان برای رسانه ها و افکار عمومی شناخته شده نیست: محمد صدر هاشمی نژاد. مردی در میانه دهه هفتم زندگی اش؛ دوستانش او را فردی خوش مشرب و لطیفه گو توصیف می کنند؛ اغلب کت و شلوار شیکی می پوشد؛ و همواره بر روستایی بودنش تاکید می کند.

اگرچه همچون سایر ثروتمندان ایران، آمار دقیقی از میزان دارایی وی در دست نیست اما از او با عناوینی چون کارآفرین برتر، غول ساختمان سازی و راه سازی و بنیان گذار نخستین بانک خصوصی ایران یعنی بانک "اقتصاد نوین" یاد می شود.

داستان زندگی: از تکثیر جزوه های دانشجویی تا افتتاح نخستین بانک خصوصی

سید محمد صدر هاشمی نژاد، سال ۱۳۲۹ در خانواده ای معمولی و تا حدی کم بضاعت در روستای "هنزاء" در استان کرمان متولد شد. هنزاء در کوهستان هزار بین جیرفت و رابر در ۱۷۵ کیلومتری جنوب شرقی کرمان قرار دارد. او تحصیلات خود را تا اخذ مدرک دیپلم در کرمان ادامه داد. بعد از آن با قبولی در رشته مهندسی دانشکده فنی تبریز، راهی این شهر شد. وی برای تامین مخارج زندگی دانشجویی اش با حقوق

ماهانه ۹۰ تومان در بخش تکثیر جزوات دانشگاه مشغول به کار شد: «من در اتاق پلی کپی دانشکده فنی تبریز کار می کردم و ماهی ۹۰ تومان (نه ۹۰ هزار تومان) حقوق می گرفتم. حدود ماهی ۵۰ تومان هم از طرف خانواده می آمد و خلاصه در مجموع با ماهی ۱۴۰ تا ۱۵۰ تومان در ماه درس می خواندم. وقتی از دانشکده بیرون آمدم، همان کت و شلواری را تن داشتم که روز اول ورود به دانشگاه پوشیده بودم. کفش هایم هم کهنه و پاره بودند.»

پس از چند بار شرکت در آزمون های استخدامی سرانجام سال ۱۳۵۳ با ماهی ۳۰۰۰ تومان در یک شرکت خصوصی استخدام شد اما یک سال و چندماه بعد، بار دیگر بی کار و بی پول روزگار می گذراند تا اینکه در اوج سرگردانی، با تلفن یکی از دوستانش در زنجان، خیلی تصادفی وارد کار "پل سازی" شد: «یکی از دوستانم که در زنجان پروژه پل سازی در راهی را به عنوان پیمانکار دست دوم برداشته بود و در کارش مانده بود، به من زنگ زد و گفت "بیا زنجان ببینیم با هم چه می توانیم بکنیم." به زنجان رفتم و آن پروژه پل سازی را با دوستم شریک شدم و از آنجا کار پیمانکاری را شروع کردم.»

سال ۱۳۶۴ بار دیگر فعالیت پیمانکاری خود را این بار در "اتوبان سازی" از سرگرفت و به قول خودش رفته رفته "نونوار" شد: «کمی بعد خواستند یک تعداد از پیمانکاران را به پاکستان بفرستند... که ما شدیم "اولین پیمانکار مهندس جوان البته همانطور که وضع مالی اش ناگهان رونق گرفت، در سی سالگی هم ناگهان به ورشکستگی کامل رسید: «سال ۱۳۶۰ رسید که سال گرفتاری و بدبختی برای ما بود. در کار پیمانکاری مان ورشکست شدیم و سال ۱۳۶۴ دوباره از زیر صفر استارت زدیم. در آن سال ها واقعا هیچ چیز نداشتیم؛ هیچ چیز.» خارجی جمهوری اسلامی ایران در خارج کشور». یک پروژه مهندسی را گرفتیم و به رغم همه مشکلات و گرفتاری ها در

و خارج کشور، خدا کمک کرد و آن پروژه خوب از آب درآمد و ما هم کمی نونوار شدیم و خودمان را باور کردیم.»

صدر هاشمی‌نژاد اما از آن پس خیلی زود راه ثروتمند شدن خود را هموار کرد و پس از پیمانکاری، از دهه ۱۳۸۰ با تاسیس یک هلدینگ شامل ۶۰ شرکت، پای در مسیر "بانکداری" نهاد و نتیجه آن به تاسیس نخستین بانک خصوصی در جمهوری اسلامی، بانک "اقتصاد نوین" انجامید. او مالک و رییس شرکت ساختمان‌سازی "استراتوس" است که از آن به عنوان "بزرگ‌ترین شرکت ساختمان‌سازی ایران" یاد می‌شود.

ثروت افسانه‌ای در کنار خودداری آقای هاشمی‌نژاد از حضور در رسانه‌ها و گفتگو با خبرنگاران باعث شده تا برای این چهره‌ی تقریباً مرموز، القاب خاصی ساخته شود. خود او در خردادماه ۱۳۸۹ در جلسه‌ی هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران در واکنش به این القاب و شایعات پیرامونش گفت: «بله؛ من گودزیلا، دراکولا، اختاپوس و مافیا هستم. عمری ما را به همین نام‌ها صدا می‌زنند و بگذار باز هم صدا بزنند.»

"ابر باران‌زا" ثروت می‌زاید

سیدمحمد صدر هاشمی‌نژاد بیشتر به عنوان مالک شرکت ساختمان‌سازی "استراتوس" شناخته می‌شود. "استراتوس" نام نوعی ابر باران‌زا است و آن‌گونه که وبسایت رسمی این شرکت در معرفی آن نوشته «از سال ۱۳۵۷ فعالیت خود را با اجرای پروژه‌های متعدد عمرانی-ملی آغاز نموده و از سال ۱۹۹۴ میلادی [۱۳۷۳ خورشیدی] پیش‌تاز حضور در پروژه‌های برون‌مرزی بوده است». استراتوس در سال ۱۳۷۸ به عنوان "صادرکننده نمونه"، از محمد خاتمی، رییس وقت جمهوری اسلامی، لوح تقدیر دریافت کرد. هاشمی‌نژاد در یکی از آخرین مصاحبه‌هایش در

گفتگو با شماره روز ۱۲ اسفند ۱۳۹۳ روزنامه "دنیای اقتصاد"، چاپ تهران، در توصیف هلدینگ استراتوس گفت که "شرکت بین‌المللی پیمانکاری استراتوس" یکی از قدیمی‌ترین شرکت‌های هلدینگ استراتوس به شمار می‌رود.

او با بیان این‌که امروز، فعالیت‌های این هلدینگ، بخش‌های مختلف اقتصادی را در بر می‌گیرد، از "شرکت بین‌المللی خانه‌سازی ایرانیان" که در زمینه «خانه‌سازی در کشور و نزوئلا» فعالیت می‌کند، به عنوان دیگر شرکت پیمانکاری عضو گروه استراتوس یاد کرد و افزود که این شرکت «هم‌اکنون احداث ۱۲۰۰۰ واحد مسکونی به همراه کلیه زیرساخت‌ها و واحدهای خدماتی شهر جدید "اوه‌دا" در کشور و نزوئلا را در دست ساخت و اجرا دارد».

به گفته آقای هاشمی‌نژاد، "استراتوس" از طریق شرکت‌هایی همچون "شرکت سرمایه‌گذاری ساختمان ایران" و "شرکت نوسازی و ساختمان تهران" در زمینه "انبوه‌سازی مسکن" فعالیت می‌کند و گروه دیگری از شرکت‌های استراتوس مثل "بانک اقتصاد نوین" و شرکت‌های زیرمجموعه این بانک مانند لیزینگ، صرافی، تامین سرمایه و بیمه نیز در "حوزه مالی" حضور دارند.

از جمله مهمترین پروژه‌های به اتمام رسیده توسط "استراتوس" می‌توان به سدهای آزاد و تالوار در استان کردستان، تونل شماره ۴ قطعه ۳ باند شمالی آزادراه تهران-پردیس، سد ارسباران در استان آذربایجان شرقی، قطعه یک راه‌آهن قزوین-رشت، قطعه چهار راه‌آهن اصفهان-شیراز، قطعه سوم آزادراه قم-کاشان، مشارکت در ساخت شهرک واوان، راه جایگزین و تونل سد کارون ۳ و همچنین قطعات یک و دو راه اسفراین-بجنورد اشاره کرد. طراحی و ساخت مجتمع‌های مسکونی ۲۲۰ و ۴۵۶ واحدی در کربلا و بصره در جنوب عراق، طراحی و اجرای ساختمان مجلس و مرکز تجاری در کشور

جیبوتی، طراحی و ساخت فرودگاه سقطرا در کشور یمن، و احداث راه و تونل هیبت سلطان شامل دو باند رفت دو باند برگشت در کردستان عراق نیز شماری از پروژه‌های بین‌المللی استراتوس به شمار می‌روند.

بنا بر اطلاعات موجود در آرشیو "روزنامه رسمی کشور"، استراتوس هم‌چنین در شرکت‌های متعددی به عنوان سهامدار حضور دارد که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به "شرکت سرمایه‌گذاری گروه پارس نوین"، "شرکت بیمه نوین"، "شرکت بین‌المللی توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری هیرمند"، "شرکت سرمایه‌گذاری ساختمان ایران"، "شرکت استراتوس آسیا"، "شرکت استراتوس سبز"، "شرکت بهین‌سازان سپیدار بلند"، "شرکت کیهان تبادل"، "شرکت سرمایه‌گذاری سامانه گستر نوین"، "شرکت خدمات بیمه‌ای پرشیا" اشاره کرد.

بانک اقتصاد نوین؛ نخستین بانک خصوصی ایران

آقای هاشمی‌نژاد بعد از کسب ثروت نجومی از طریق شرکت "استراتوس"، به فکر بانکداری افتاد: «با خودم گفتم در حوزه بنگاهداری یکی از وظایف مهم این است که یک بانک را تاسیس کنیم و در آن بانک، روش‌ها و عملکردهای نوین را بیاوریم و به این ترتیب اولین بانک خصوصی کشور را تاسیس کردیم».

مجمع عمومی مؤسس بانک "اقتصاد نوین" روز ۱۳ مرداد سال ۱۳۸۰ برگزار شد و یک هفته بعد، تحت شماره ۱۷۷۱۳۲ با سرمایه‌ی اولیه ۲۵ میلیارد تومان در اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران به ثبت رسید. آن‌گونه که در وبسایت رسمی "اقتصاد نوین" اعلام شده، سرمایه کنونی این بانک رقمی بیش از ۱۱۰۰ میلیارد تومان است.

بانک اقتصاد نوین در ۱۵ بهمن ۱۳۸۲ در سازمان بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شد و از آن تاریخ سهام بانک در تابلو اصلی این سازمان قابل معامله است.

با توجه به سابقه آقای هاشمی‌نژاد در ساختمان‌سازی، بانک اقتصاد نوین عملاً بر پایه شرکت‌های ساختمان‌سازی بنا شد به گونه‌ای که در میان سهام‌داران آن، نام شرکت‌هایی چون شرکت تامین مسکن جوانان، شرکت بین‌المللی پیمان‌کاری استراتوس، شرکت تامین مسکن کارگران، شرکت عمران و مسکن‌سازان ایران، مجتمع‌های توریستی رفاهی آبادگران ایران و کیش، و شرکت ساختمانی گروه صنایع بهشهر به چشم می‌خورد.

اخبار مربوط به این بانک البته گه‌گاه با حاشیه‌هایی هم همراه شده است؛ از جمله، تیرماه سال ۱۳۹۱ وبسایت‌های نزدیک به نهادهای امنیتی با استناد به مصوبات مجمع عمومی بانک "اقتصاد نوین" گزارش دادند که این بانک بعد از بانک پاسارگاد در جایگاه دومین بانک از لحاظ "اعطای پاداش‌های هنگفت به اعضای هیات مدیره" خود قرار دارد. وبسایت "مشرق‌نیوز" در همین ارتباط نوشته بود که «مدیران این بانک اخیراً ۸۰۰ میلیون تومان پاداش دریافت کردند و برای هر ماه نیز یک میلیون تومان حق جلسه دریافت می‌کنند».

بانک "اقتصاد نوین" در حال حاضر دارای صدها شعبه در سراسر کشور است و هزاران نفر به طور مستقیم یا غیر مستقیم در آن مشغول به کار هستند. صدر هاشمی‌نژاد درباره‌ی تعداد کارمندان می‌گوید: «من حدود ۶۰ شرکت را زیر پوشش و مدیریت مستقیم و غیرمستقیم خودم دارم و ۱۰ هزار نفر برایم کار می‌کنند، یعنی اگر هر نفر ۳ عضو خانواده داشته باشد، ۳۰ هزار نفر از این محل نان می‌خورند و کار می‌کنند».

نزدیکی به اصول‌گرایان و در پی تکثیر "خون اسلامی"

ثروت‌مند کرمانی البته به خوبی می‌داند که برای کسب چنین ثروتی باید قواعد بازی در جمهوری اسلامی را رعایت کند؛ از همین رو است که وی تا حد امکان از نشست و برخاست با سیاسیون پرهیز می‌کند و از میان آن‌ها نیز تنها با اصول‌گرایان شناخته‌شده‌ای همچون محمدرضا باهنر یا علی لاریجانی دم‌خور است. وی اسفندماه سال ۱۳۹۲ و هم‌زمان با "روز ملی مهندس"، از سوی علی لاریجانی، رییس مجلس شورای اسلامی به عنوان "مهندس برتر کشور" مورد قدردانی قرار گرفت.

خردادماه سال ۱۳۹۱ نیز مراسم کلنگ‌زنی "مجتمع بزرگ خیریه فرهنگی آموزشی" در روستای هنزآ، زادگاه آقای هاشمی‌نژاد، با حضور چهره‌های اصول‌گرا برگزار شد. در جریان آن مراسم، محمدرضا باهنر، نایب‌رییس مجلس شورای اسلامی ضمن ستایش از هم‌شهری ثروت‌مندش گفت: «یک فرد وقتی پول حلال در می‌آورد بهتر است آن را در کار حلال هزینه کند.» خود صدر هاشمی‌نژاد هم با وجود انتقادهای همیشگی‌اش از نقش کم‌رنگ بخش خصوصی در اقتصاد ایران اما گرایش سیاسی‌اش به طیف اصول‌گرایان جمهوری اسلامی را کم و بیش آشکار کرده است. وی از جمله در اسفندماه ۱۳۹۱ در گفتگو با خبرگزاری "فارس"، متعلق به سپاه پاسداران تاکید کرده بود که اعضای هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران باید افرادی "معتقد"، "سالم" و البته "اصول‌گرا" باشند. اما شاید یکی از جالب‌ترین اظهارنظرهای هاشمی‌نژاد را می‌توان سخنان مهرماه سال گذشته‌اش در جمع شماری از فعالان اقتصادی کرمان دانست. جایی که او از سرمایه‌گذاری‌اش برای راه‌اندازی "پالایشگاه خون" و "تولید انواع داروهای خاص از پلاسمای خون" در کرمان خبر داد و تاکید کرد

از این طریق، از "خون مسلمان" برای تهیه دارو استفاده خواهد شد. او نوید داد که با تولید دارو از "خون مسلمان"، «کشورهای مسلمان هم‌چون سوریه، عربستان، عراق و فلسطین که تا کنون مجبور به استفاده از داروهای خارجی مشابه بودند از فرآورده‌های خونی این قطب دارویی دنیا استفاده کنند».

هاشمی‌نژاد که پیش‌تر عضو دوره ششم "اتاق بازرگانی تهران" بود، پس از یک دوره غیبت، در انتخابات دوره هشتم اتاق بازرگانی تهران که اسفند ۱۳۹۳ برگزار شد، نام‌نویسی کرد اما با وجود تبلیغات فراوان و تشکیل ائتلافی موسوم به "کارآفرینان توسعه‌گرا" با کسب تنها ۴۴۷ رأی یکی از سرشناس‌ترین چهره‌هایی بود که از راه‌یابی به این نهاد اقتصادی بازماند.

مولتی‌میلیاردر کرمانی و اقتصاد نفتی

محمد صدر هاشمی‌نژاد در دسته‌ی آن گروه از سرمایه‌دارانی قرار می‌گیرد که در بطن نظام جمهوری اسلامی و به ویژه در سال‌های جنگ ایران و عراق در مسیر ثروت‌مند شدن قرار گرفتند؛ اقتصاد نفتی ایران و ویژگی‌های مخصوص چنین اقتصادهایی از جمله ابتلای آن به "بیماری هلندی" این فرصت را برای مهندس جوان کرمانی فراهم کرد تا از طریق ساختمان‌سازی و فعالیت در زمینه ملک و املاک، از یک روستایی ساده به یکی از مولتی‌میلیاردرهای کنونی تبدیل شود.

او همواره خود را از فراز و فرودهای سیاسی و دست به دست شدن قدرت در میان اطلاق‌طلبان و اصول‌گرایان و تحولاتی همچون "جنبش سبز" کنار نگه داشته و در انتخاب‌های ناگزیر نیز روی کارت‌های اصول‌گرایان سرمایه‌گذاری کرده است. شاید هم به همین دلیل است که تاکنون حرف و حدیث‌های کمتری درباره ثروت نجومی وی بر سر زبان‌ها افتاده است.

فعالیت‌های اقتصادی نظامیان بر اساس فرمان خامنه‌ای است

این نهادها که اغلب از پرداخت مالیات نیز معاف هستند، در کنار سایر بنیادهای تحت کنترل علی خامنه‌ای همچون «ستاد اجرایی فرمان امام»، «بنیاد مستضعفان» و «آستان قدس رضوی» بین ۶۰ تا ۷۰ درصد اقتصاد ایران را در اختیار خود دارند.

میزان دارایی‌های مجموعه‌ی این نهادها که «امپراتوری اقتصادی خامنه‌ای» نامیده می‌شود، بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است.



رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی می‌گوید فعالیت‌های اقتصادی نهاد‌های نظامی در ایران بر اساس دستور علی خامنه‌ای در خصوص «اقتصاد مقاومتی» بوده است.

عضو پارلمان اروپا: زمان توجه به نقض حقوق بشر در ایران فرا رسیده است



«ماریچه اسخاکه»، عضو هلندی پارلمان اروپا، روز چهارشنبه (۹ سپتامبر ۱۸ - شهریور) در جریان بحث عمومی این پارلمان درباره‌ی توافق هسته‌ای ایران، خواهان آن شد که اتحادیه اروپا، مساله‌ی حقوق بشر در ایران را در صدر برنامه‌های خود در ارتباط با این کشور قرار دهد. خانم اسخاکه که به نمایندگی از گروه «اتحاد لیبرال‌ها و دموکرات‌ها برای اروپا» سخن می‌گفت خطاب به فدریکا موگرینی، رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا که در جلسه حضور داشت گفت: «این تازه آغاز راه است. من فکر می‌کنم که ما در توسعه‌ی دستور کار اتحادیه اروپا در ارتباط با ایران، هیچ زمانی برای از دست دادن نداریم و حقوق بشر باید در صدر این دستور کار باشد. به صراحت بگویم؛ برای زمانی طولانی، این مذاکرات البته بسیار مهم،

حسن فیروزآبادی روز یکشنبه (۲۲ شهریور ۱۳ - سپتامبر) در یک سخنرانی در جمع فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی گفت: «رهبری فرمودند نیروهای مسلح ظرفیت‌های‌شان را به کار بگیرند. برای کارکنان‌شان خانه درست کنند، وام بدهند، مشکلات‌شان را حل بکنند، کمک کنند به ازدواج فرزندان‌شان؛ امام علی نیز به مالک اشتر فرمودند که برگزیده‌ترین فرماندهان لشکر من کسانی هستند که بیشتر به مسائل زندگی‌شان اهمیت می‌دهند.»

آقای فیروزآبادی با بیان این‌که «در نیمه دوم سال گذشته مکرر ولی امر مسلمین نهیب زدند به جامعه، به ملت انقلابی ایران که بلند بشوید، بپرخید»، افزود: «در اقتصاد مقاومتی، هم سپاه، هم نیروهای انتظامی، هم ارتش، هم ستاد کل، همه کار اقتصادی کردند و پشت این فرمان مبارک جلو رفتند؛ برخی بهتر پیش رفتند، برخی بدتر رفتند.» این اظهارات عالی‌ترین مقام نظامی جمهوری اسلامی در حالی است که سابقه‌ی فعالیت اقتصادی برخی نهادها همچون سپاه پاسداران به حدود ۲۵ سال بر می‌گردد.

سایر مسائل را تحت الشعاع قرار داد: اعدام‌ها، شکنجه‌های سیستماتیک، سانسور رسانه‌ها، اینترنت، دانشگاه و هنر، سرکوب اقلیت‌ها، نبود دادرسی عادلانه، و وکلای شجاعی مانند نسرین ستوده که از کار منع می‌شوند و زندانی می‌گردند.»

عضو کمیته‌ی روابط خارجی پارلمان اروپا که در دو سال گذشته، چندین بار به ایران سفر کرده، با بیان این‌که «نسل جوانِ باهوش و بلندپرواز ایرانی او را تحت تاثیر قرار می‌دهد» افزود: «ایرانیان شایسته‌ی شرایط بهتری هستند. همچنین، از نظر اقتصادی، این خطر وجود دارد که توافق و برداشته شدن تحریم‌ها، تنها باعث قوی‌تر شدن جایگاه نهادهایی مانند سپاه پاسداران و گروه محدودی از نزدیکان قدرت شود. این در حالی است که ایران، نیاز به یک بخش خصوصی واقعی دارد، و من فکر می‌کنم ما باید مطمئن

شویم کمپانی‌های اروپایی از فرصت‌های پیش روی اقتصادی در ایران، کورکورانه استفاده نکنند بلکه نسبت به تصویر بزرگ‌تری که وجود دارد، هوشیار باشند.»

وی همچنین با اشاره به حضور خانم موگرینی و کاترین اشتون در راس مذاکره‌کنندگان اروپایی با حکومت ایران، خاطرنشان کرد که این حضور می‌توانسته الهام‌بخش زنان ایرانی باشد که نیاز دارند در جامعه و سیاست حضور داشته باشند. ماریچه اسخاکه در پایان سخنرانی خود با اشاره به دخالت‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی به ویژه در سوریه اظهار داشت: «ما باید ایران را درگیر وضعیت انفجاری منطقه بکنیم و در تلاشی دیپلماتیک با آن‌ها صحبت کنیم تا به حمایت‌شان از رژیم جنایت‌کار بشار اسد - که روی مردم خودش بمب می‌ریزد- و نیز گروه‌های تروریستی مانند حزب‌الله پایان دهند. دستور کار ما بلند است و باید همین امروز آن را شروع کنیم.»



مرجان ساتراپی نویسنده، کارگردان، فعال حقوق بشر و انیماتور داستان‌های مصور است. او به ویژه به خاطر رشته داستان‌های مصور «پرسپولیس» به شهرتی جهانی دست یافته است.

مهدی جلالی در گفتگو با سایت "تقاطع": قاسم سلیمانی خود را در نقش مختار ثقفی می‌بیند



مرکز مطالعات لیبرالیسم - علی‌رضا کیانی:
هرچند که توسعه‌طلبی منطقه‌ای جمهوری اسلامی
سابقه‌ای هم‌پای عمر این نظام دارد، اما در سال‌های
اخیر این مساله بیش از پیش خودش را نشان داده است.
این توسعه‌طلبی، هزینه‌های مادی بسیاری روی دست
جمهوری اسلامی گذاشته و مشروعیت بین‌المللی آن را
بیش از پیش متزلزل کرده است. با مهدی جلالی تهرانی
درباره اهداف سران جمهوری اسلامی از دخالت‌های
گسترده منطقه‌ای به گفتگو نشستیم. آقای جلالی که
دانش‌آموخته امنیت بین‌الملل از دانشگاه "کلمبیا" است،
در این گفتگو از محوریت ذهنیت آخرالزمانی در
تصمیم‌گیری‌های کلان جمهوری اسلامی صحبت می‌کند.

علی‌رضا کیانی: دخالت منطقه‌ای جمهوری
اسلامی در سال‌های اخیر وارد فازهای
جدی‌تری شده است. سوریه و عراق
نمونه‌های متاخر این مساله هستند.
مخالفت‌های منطقه‌ای و جهانی گسترده‌ای
نیز در برابر این دخالت‌ها وجود دارد.
آیا می‌توان این را به امپریالیسم شیعی
تعبیر کرد و در پناه آن این پرسش را
مطرح کرد که جمهوری اسلامی چه منافع
مشخصی از این دخالت‌های منطقه‌ای دارد؟

مهدی جلالی تهرانی: مشکلی که معمولا در
تحلیل‌های سیاسی ما از رفتار جمهوری اسلامی به
چشم می‌خورد این است که ما با منطق و جهان‌بینی

خودمان، رفتار جمهوری اسلامی را تحلیل
کنیم. در حالی که منطق و جهان‌بینی آن‌ها
کاملا متفاوت است. مانند این است که یک بیمار
اسکیزوفرنیک را با یک بیمار سالم مقایسه کنیم.
منطق این دو بیمار اساسا فرق دارد. برای این
قضیه، مثال قاسم سلیمانی را می‌آورم. آقای
سلیمانی در تمام نوحه‌هایی که در ویدئوها
ضبط شده و به زبان عربی در مناطق جنگی
خوانده است، این نکته را می‌گوید که من برای
انتقام از مظلومیت ائمه وارد میدان شده‌ام.
حال این پرسش مطرح می‌شود که آقای قاسم
سلیمانی به سلطه‌طلبی شیعه یا امپریالیسم
شیعی فکر می‌کند، آن‌طور که غربی‌ها می‌گویند
یا دیدگاه دیگری دارد؟ به باور من قاسم
سلیمانی خودش را در نقش مختار ثقفی می‌بیند.
سرداری که پس از عاشورا قیام می‌کند و
می‌خواهد انتقام خون حسین را بگیرد. الان حتی
از مختار ثقفی هم بزرگ‌تر. بعد از ۱۳۰۰ سال
خلافت سنی‌ها و غصب حق شیعه، می‌خواهد
شیعه را به حق خودش که حق آخرالزمانی
شیعه است و زمان ظهور امام زمان نزدیک کند.

به همین ترتیب در آخرین مصاحبه حسین
همدانی هم می‌خوانیم که او توضیح می‌دهد
که بیش از صد هزار پیامبر در منطقه سوریه
بودند. قبر هابیل در آن‌جا است. انسان در
آن‌جا به دنیا آمده است. دیدگاه را ببینید.
یک دیدگاه کاملا غیرعلمی و مبتنی بر اسطوره‌های
مذهبی که مثلا به دیدگاه علمی و تکاملی که می‌گوید
انسان از افریقا آمده است، اساسا هیچ باوری ندارد.

علی‌رضا کیانی: منظور شما این است که
توسعه‌طلبی جمهوری اسلامی در منطقه
مبتنی بر دیدگاه‌های آخرالزمانی با محوریت
اسطوره‌های شیعی است و نه لزوما بر
سر کسب منافع مشخص مادی، آن‌طور که
مثلا انگلیسی‌ها در قرن ۱۹ دنبال می‌کردند؟

مهدی جلالی تهرانی: دقیقا همین طور است. می‌خواهم تاکید کنم که قاسم سلیمانی خودش را در نقش مختار ثقفی می‌بیند. آقای خامنه‌ای هم جنگ شیعه و سنی در منطقه را این‌گونه می‌بیند. در دیدگاه آقای خامنه‌ای، اعراب آن روز با ابوبکر و عمر که غاصب خلافت بودند، بیعت کردند و امروز با شیطان امروز که آمریکا باشد، بیعت کردند و اکنون فرصتی است تا این غصب و ظلم ۱۴۰۰ ساله را بشکنند و زمینه را برای ظهور امام زمان مهیا کنند.

البته این را هم بگویم که شما می‌توانی با شیطان بجنگی اما منافع مادی خودت را هم جستجو کنی. ولی نکته مهم این است که این متغیرهای مادی با رسالت جهانی که جمهوری اسلامی برای خود قائل است، مانع‌الجمع نیستند.

به عنوان نیروهای مذهبی آخرالزمانی می‌خواهند این دو را به هم پیوند بدهند. اما مهم، آن رسالت جهانی و اجرای آن است. وگرنه اگر جمهوری اسلامی از این دخالت‌ها بهره مادی هم ببیند، دست رد به سینه آن نمی‌زند. اما محوریت با آن ذهنیت رسالت‌گرا است.

علی‌رضا کیانی: اگر مدل تحلیلی شما را بپذیریم باید بگوییم که جمهوری اسلامی صرفا برای یک مشت افسانه شیعی، هزینه‌های میلیارد دلاری - مثلا در سوریه - خرج می‌کند.

مهدی جلالی تهرانی: اتفاقا اشاره خیلی خوبی کردید. این هزینه‌های میلیارد دلاری جمهوری اسلامی با عقل و منطق یک انسان متعارف نمی‌خواند و غیر قابل توجیه است.

اما تنها در صورتی که ذهنیت آخرالزمانی جمهوری اسلامی را بفهمیم، درک این هزینه‌ها برای ما آسان می‌شود. مثال بسیار خوبی زدید برای تقویت تحلیل من.

علی‌رضا کیانی: بر این اساس است که برخی از وابستگان جمهوری اسلامی، سوریه و حفظ آن را حتی مهم‌تر از استان ثروتمندی چون خوزستان ارزیابی می‌کنند؟

مهدی جلالی تهرانی: دقیقا. به مصاحبه‌ی آخر حسین همدانی نگاه کنید تا ببینید سوریه برای جمهوری اسلامی چه نقش پررنگی دارد.

علی‌رضا کیانی: درست است که آقای خامنه‌ای و نیروهای حامی او در سیستم دست بالا را دارند، ولی دیدگاه‌هایی هم در سیستم وجود دارد که ظاهرا از ذهنیت آقای خامنه‌ای دور است و حداقل بنا به ادعا دنبال جذب سرمایه خارجی و یا رابطه باز با دنیا است. دولت روحانی را می‌توان مثال زد. چالش این دو دیدگاه را در رابطه با آن ذهنیت آخرالزمانی چگونه می‌بینید؟

مهدی جلالی تهرانی: دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارند به همان نسبت که ما انسان‌های متفاوتی هستیم و مثلا عقاید مذهبی متفاوتی داریم. اما همه تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی در یکی دو اصل اشتراک دارند. یکی ایده حکومت اسلامی و حق بودن حکومت اسلامی و حفظ آن است و دیگری مساله شیعه‌گری و مظلومیت شیعه و ظلم اعراب سنی، که امروز به زعم آنان بیش از پیش نمود دارد. با وجود اختلاف سلیقه‌های تاکتیکی، تصمیم‌گیران جمهوری اسلامی بر سر این دو مساله اشتراک نظر دارند.

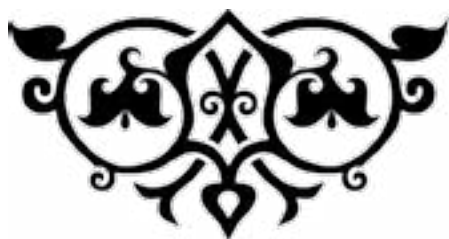
علی‌رضا کیانی: یعنی آن دو اصل برای تکنوکرات‌های مستقر در جمهوری اسلامی هم موضوعیت دارد؟

مهدی جلالی تهرانی: تصمیم‌گیران بزرگ جمهوری اسلامی که سیاست‌های کلان را خصوصا در حوزه سیاست خارجی ترسیم می‌کنند، چنین مخرج مشترکی از دیدگاه دارند.

علیرضا کیانی: پس چرا جدال آقای خامنه‌ای و آقای روحانی بر سر نوع معامله با غرب بالا گرفته است؟



آقای روحانی معتقد به مماشات با غرب است مانند حسن بن علی. اما آقای خامنه‌ای معتقد به جنگ است مانند حسین بن علی. طرف مقابل اما کماکان در نقش معاویه و یزید است



مهدی جلالی تهرانی: این اختلاف در سلايق است. در این که آمریکا یک شیطان بزرگ است اختلافی وجود ندارد. در این که آقای روحانی خودش را به مکتب ایدئولوژیک شیعی وابسته می‌داند، شکی نیست. نوع رفتار با این شیطان بزرگ است که اختلاف سلیقه به وجود می‌آورد.

آقای روحانی معتقد به مماشات با غرب است مانند حسن بن علی. اما آقای خامنه‌ای معتقد به جنگ است مانند حسین بن علی. طرف مقابل اما کماکان در نقش معاویه و یزید است. طرف مقابل مظهر باطل است و این‌ها هم‌زمان هم‌دیگر در جبهه حق هستند.

علیرضا کیانی: پس اهداف استراتژیک تیم خامنه‌ای و تیم روحانی یکی است؟

مهدی جلالی تهرانی: دقیقاً. مثال بارزش سوریه است. هیچ اختلافی در زمینه سوریه بین خامنه‌ای و ظریف و سلیمانی و روحانی وجود ندارد. حتی گاهی اوقات ظریف و روحانی قدم را فراتر می‌گذارند و درباره سوریه مواضع شدیدتری می‌گیرند.

اما درباره آمریکا، چون قدرتمند است و فشار اقتصادی وجود دارد؛ ملاحظات جدیدی را وارد معادله می‌کنند و با تیم خامنه‌ای و سپاه پاسداران به اختلاف نظر بر می‌خورند. ولی جهان بینی آن‌ها یکی است.

علیرضا کیانی: به عنوان پرسش آخر، توسعه‌طلبی منطقه‌ای جمهوری اسلامی چه آینده‌ای برای ایران و مردم ایران رقم می‌زند؟

مهدی جلالی تهرانی: دقیقاً این نوع جهان بینی آخرالزمانی، ضد جهان بینی منطقی سکولار و لیبرالی است که ما داریم. ذهنیت ما هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، رفاه و شادی مردم ایران و خاورمیانه را جستجو می‌کند. جمهوری اسلامی اکنون با هم‌پیمانی با سوریه و رژیم اسد و حزب‌الله لبنان، و حتی دولت عراق - که از سر ناچاری از حمله روسیه استقبال کرده است - وضعیتی در منطقه شکل داده که به بی‌ثباتی و شکاف فرقه‌ای بیشتر و ادامه بزرگ‌ترین فاجعه بشری از زمان نوشتن اعلامیه جهانی حقوق بشر، دامن زده است.

علیرضا کیانی: منظورتان از بزرگ‌ترین فاجعه بشری، داستان سوریه است؟

مهدی جلالی تهرانی: دقیقاً.

کمپین فعالان ایرانی در مخالفت با کمک‌های مالی و نظامی جمهوری اسلامی به بشار اسد

ده‌ها فعال سیاسی ایرانی با راه‌اندازی کارزاری اینترنتی، مخالفت خود را با آنچه «مداخلات مخرب» و «نقش‌آفرینی مجرمانه» حکومت ایران در بحران سوریه خوانده‌اند، اعلام کرده و خواهان آن شده‌اند که جمهوری اسلامی «کمک‌های مالی، نظامی و امنیتی» خود را به رژیم سوریه قطع کند و «اجازه دهد یک دولت انتقالی بدون بشار اسد در این کشور شکل بگیرد».

این گروه از فعالان در بیانیه‌ی شروع به کار کمپین «برای سوریه» نوشته‌اند: «دیدگاه‌های متنوعی پیرامون شناسایی عوامل مقصر در فاجعه تکان‌دهنده سوریه وجود دارد. اما به شکلی مستند می‌توان نشان داد که بشار اسد، دیکتاتور بی‌رحم و قسی‌القلب سوریه و متحدان کم‌شمار خارجی‌اش، از جمله جمهوری اسلامی ایران، عوامل اصلی این فاجعه جان‌خراشند.» امضاکنندگان این بیانیه «مسئولیت اصلی» خود در قبال بحران سوریه را «ابراز مخالفت با مداخلات مخرب حکومت ایران و به خصوص نیروی قدس سپاه پاسداران در این بحران» دانسته و افزوده‌اند: «این کمپین، پیامدهای مضر تأثیرگذاری جمهوری اسلامی بر زندگی مردم سوریه، ثبات منطقه، و در نتیجه منافع ملی درازمدت ایران را برجسته می‌سازد.»

آن‌ها در ادامه با اذعان به آنچه «اقدامات وحشیانه‌ی گروه‌های افراطی چون داعش و جبهه النصره و نیز سیاست‌های منفی برخی دیگر از کشورهای منطقه» خوانده‌اند، تأکید کرده‌اند که تمرکز کمپین‌شان «بر روشنگری پیرامون نقش‌آفرینی مجرمانه‌ی حکومت ایران در بحران سوریه» است. نویسندگان بیانیه‌ی آغاز به کار کمپین «برای

سوریه» در انتها، از حکومت ایران خواسته‌اند که برای پایان بخشیدن به بحران انسانی در سوریه، «حمایت از بشار اسد را متوقف سازد»، «کمک‌های مالی، نظامی و امنیتی به حکومت سوریه را قطع کند» و «اجازه دهد یک دولت انتقالی بدون بشار اسد شکل گیرد».

مجتبی واحدی، کاظم علمداری، عمار ملکی، علی افشاری، امیرحسین گنج‌بخش، آرش سبحانی، مهدی جلالی تهرانی، نیره توحیدی، احمد رافت، لیلی نیکونظر، ساقی لقایی، بورگان نظامی، مهدی عربشاهی، بهزاد مهران‌ی و امیرحسین اعتمادی از جمله بیش از ۸۰ نفری هستند که این بیانیه را امضا کرده‌اند.

گفتنی است از زمان آغاز به کار این کمپین در روز چهارشنبه (۲۵ شهریور ۱۶ - سپتامبر)، نظرات و پیام‌های اعضای آن با هشتگ #SO-rysyria منتشر شده است که از جمله می‌توان به پیام بیژن حکمت، فعال سیاسی ساکن پاریس اشاره کرد که گفته: «اگر اسد با حمایت جمهوری اسلامی حرکت نخستین مردم سوریه را برای آزادی و دمکراسی سرکوب نکرده بود، امروز نه داعشی در سوریه بود نه النصره. من به دستگیری حکومت‌مان در سرکوبی که صدها هزاران کشته و میلیون‌ها آواره بر جای گذاشته است، معترضم و به عنوان یک ایرانی از مردم سوریه عذرخواهی می‌کنم.»

اشکان منفرد، وبلاگ‌نویس و فعال حقوق‌بشر ساکن ایالت کالیفرنیا آمریکا نیز در بخشی از پیام خود نوشته: «شاید روزی خانواده قربانیان و آوارگان سوری از ما بپرسند زمانی که حکومت شما با پول و ثروت‌تان همراه با دولت سوریه در حال قتل‌عام فرزندان و مردمان این سرزمین بود، چرا ایستادید و تماشا کردید. چرا سرنوشت یک ملت را به نام منافع ملی و نفوذ منطقه‌ای به نیستی و نابودی کشانید.»

پوتین جشن پیروزی می گیرد و اوباما تماشا می کند



نویسنده: گری کاسپاروف

ترجمه: یوحنا نجدی / مرکز مطالعات
لیبرالیسم-تقاطع

در حالی که خاورمیانه در آشوب به سر می برد و حکومت روسیه نیز به درگیری‌ها دامن می زند، صحبت‌های رو در روی ولادیمیر پوتین و باراک اوباما، روسای جمهوری روسیه و آمریکا در روز ۲۸ سپتامبر (۶ مهرماه) در سازمان ملل متحد می توانست دیدگاه جدیدی را فراهم کند. آن چیزی که امروز، جهان، شاهد آن است، کاملاً قابل پیش بینی بود.

پرزیدنت اوباما پیش تر تصمیم گرفته بود تا سیاست خود مبنی بر عدم مداخله در اوضاع خاورمیانه را ادامه دهد و حرف‌های کلیشه‌ای وی در سالن اجلاس سازمان ملل درباره همکاری و حاکمیت قانون، توخالی بود. او درباره درگیری‌های سوریه گفت: «ما باید قبول کنیم که بعد از این همه خونریزی و قتل عام، شرایط به دوران قبل از جنگ داخلی باز نخواهد گشت.» اما هر شنونده‌ای می دانست که اوباما هیچ اقدام عملی در پشتیبانی از این سخنانش نخواهد کرد.

یک ساعت بعد، ولادیمیر پوتین در سخنانی در همان سالن، دروغ‌های آشکار و اظهارات همیشگی‌اش در حمله به «ناتو» را بر زبان آورد: «ما فکر می‌کنیم این اشتباه بسیار بزرگی است که همکاری با دولت سوریه و نیروی نظامی این کشور را که دلیرانه و رو در رو در حال نبرد با تروریسم هستند، نپذیریم.» او از حاکمیت ملی صحبت کرد؛ موضوعی که برای او بسیار حایز اهمیت است مگر درباره حاکمیت کشورهایی چون گرجستان، اوکراین یا سایر کشورهایی که او در آنها دست به دخالت‌های بی جا می‌زند.



گری کاسپاروف، قهرمان پیشین شطرنج جهان و رییس «بنیاد حقوق بشر» مستقر در نیویورک است. او به تازگی کتابی را با عنوان «زمستان در راه است: چرا ولادیمیر پوتین و دشمنان دنیای آزاد باید متوقف شوند» به رشته‌ی تحریر درآورده که این کتاب ماه آینده روانه بازار کتاب‌فروشی‌ها خواهد شد



به عبارت دیگر، سخنرانی آقای اوباما همچون گذشته بود چون او دست به انجام کاری نخواهد زد و سخنان آقای پوتین نیز مثل سابق بود چون او به هر حال، کاری انجام خواهد داد.

اما محتوای سخنرانی پوتین نیز حتی قبل از این‌که بخواند دهانش را باز کند، غیرمرتبط بود. پوتین برای نخستین بار در ده سال گذشته، در سازمان ملل سخنرانی می‌کرد چرا که شباهت به یک مرد بزرگ در صحنه روابط بین‌الملل، تنها شگرد باقی‌مانده‌ی وی برای توجیه حکومتش بر روسیه است.

یک دهه قبل، معامله‌ی شیطنانی پوتین با مردم روسیه این بود که در ازای رها کردن دموکراسی و حقوق‌شان، برای آن‌ها رفاه و پیشرفت بیاورد. حالا ما هیچ‌کدام از آن‌ها را نداریم. تنها ترفندی که در حال حاضر برای آقای پوتین باقی مانده این است که ادعا می‌کند در حال دفاع از عظمت روسیه در برابر دشمنانی است که کشور را محاصره کرده‌اند (دشمنانی که پوتین استاد خلق‌شان است). او بعد از تهاجم منجر به آشفتگی در اوکراین به جبهه‌های جدیدی نیاز داشت و حالا آن را در سوریه و سازمان ملل پیدا کرده است.

در این میان، دیدار خصوصی و پرفشار آقایان پوتین و اوباما بزرگ‌ترین دستاورد ممکن بود. تنها جمله‌ای که از این دیدار بیرون آمد این بود که ایالات متحده و روسیه همکاری با یکدیگر علیه "دولت اسلامی" (داعش) را در نظر خواهند داشت. پوتین البته تا زمانی که این همکاری، تداخلی با هدفش برای حفظ دیکتاتوری بشار اسد جنایت‌کار در سوریه نداشته باشد، اهمیتی به آن نمی‌دهد. با این وجود، تصویر دو رهبر در کنار هم، به عنوان یک پیروزی بزرگ برای آقای پوتین در فضای رسانه‌ای روسیه پخش می‌شود. روایتی که هم‌زمان با اعلام خبر این دیدار در رسانه‌ها انتشار یافت، این بود که پوتین شجاع، با اوبامای ضعیف مقابله و ایالات متحده شرور

را محکوم کرد و او این کار را در شهر نیویورک، در شکم دیو، انجام داد. به محض انتشار نخستین عکس، این ملاقات به موفقیت بزرگی برای آقای پوتین و شکست دیگری برای سیاست خارجی آمریکا و البته برای ثبات و دموکراسی در منطقه خاورمیانه تبدیل شد.

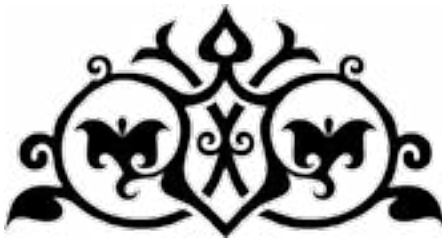
مهم نیست که تصمیم آمریکا برای خروج از عراق چقدر با حسن نیت و حمایت عمومی همراه بود و یا چرخش کاخ سفید به سوی بشار اسد در سال ۲۰۱۳ چقدر درست بود؛ مساله این است که نتایج این سیاست‌ها آشکارا فاجعه‌بار بود. نگاهی به نقشه کنونی سوریه و عراق نشان می‌دهد که برآمدن داعش، یک واکنش منطقی به رها کردن سنی‌های منطقه از سوی آمریکا بود. گروهی مانند داعش نمی‌تواند بدون حمایت نیروهای محلی رشد کند؛ درواقع، سنی‌ها دیدند راه دیگری برای دفاع از خود در برابر نیروهای شیعه‌ی ایران و سوریه که دست به کشتارصدها هزار نفر از آن‌ها زده‌اند، ندارند. در موضوع‌های جهانی نیز مثل بازی شطرنج، شما در حالی که نشسته‌اید، باید طبق شرایطی که روی صفحه موجود است، بازی کنید. انتقاد از جرج دبلیو بوش به خاطر آغاز جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ این واقعیت را تغییر نمی‌دهد که در سال ۲۰۰۸ [زمان ترک کاخ سفید از سوی بوش] بحران بزرگ پناهندگی و یا ارتش عظیم داعش وجود نداشت؛ حمایت از القاعده از طریق مذاکره با گروه‌های سنی در استان انبار عراق، تضعیف شده بود؛ و این تغییر سیاست به اندازه‌ی اعزام نیروهای جدید امریکایی در کاهش خشونت‌ها در عراق موثر بود.

خروج آمریکا از عراق و خودداری آقای اوباما از متوقف کردن بشار اسد، هر گونه امکان برای برقراری امنیت در منطقه را از بین برد. مردم مجبور بودند بجنگند، فرار کنند، یا بمیرند. و آن‌ها هر سه کار را در ابعاد وحشتناکی انجام می‌دهند. مهم است که به یاد داشته باشیم موج مهاجرانی که به اروپا رسیده‌اند، از داعش فرار نمی‌کنند؛

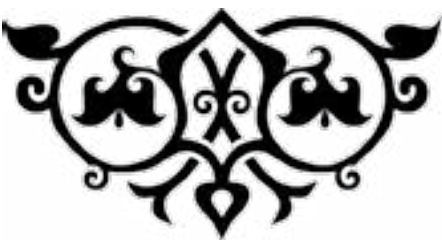
ساکن هستیم؛ اما متأسفانه ما در چنین دنیایی زندگی نمی‌کنیم. قدرت و عمل همچنان مهم هستند و در کشورهای مثل سوریه و عراق شما نمی‌توانید بدون اقدام عملی، قدرتی داشته باشید.

آقای پوتین هیچ حرف تازه‌ای در سازمان ملل نزد چرا که او اساساً نیازی به آن نداشت؛ او می‌داند ابزارهای واقعی و مشخصی در اختیار دارد که بسیار موثرتر از حرف زدن صرف هستند. پوتین در اوکراین، تانک، در سوریه، جت‌های جنگنده، و در کاخ سفید، آقای اوباما را دارد.

* منتشرشده در شماره روز ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۵ (۷ مهر ۱۳۹۴) روزنامه‌ی «والاستریت ژورنال» چاپ نیویورک



در این میان، دیدار خصوصی و پرفشار آقایان پوتین و اوباما بزرگ‌ترین دستاورد ممکن بود. تنها جمله‌ای که از این دیدار بیرون آمد این بود که ایالات متحده و روسیه هم‌کاری با یکدیگر علیه «دولت اسلامی» (داعش) را در نظر خواهند داشت



آن‌ها از آقای اسد - که روی حمایت فعال ایران و روسیه حساب باز کرده - فرار می‌کنند. هیچ معامله‌ای [اشاره به توافق هسته‌ای ایران] قرار نیست وضعیت را تغییر دهد.

ایران و روسیه دستور کار خود را برای منطقه خاورمیانه دارند و صلح در هیچ‌کدام از این برنامه‌ها جایی ندارد. ایران بزرگ‌ترین دولت حامی تروریسم در دنیا است. روش آقای پوتین در جنگ علیه ترور در چین نیز بمباران گسترده و کور بود. وقتی آن روش به نتیجه نرسید، او بی‌رحم‌ترین جنگ‌طلب منطقه، رمضان قدیروف [رئیس جمهوری خودمختار چین] را به کار گرفت.

ادامه کشتار سنی‌ها در منطقه، حمایت‌های افزون‌تر عربستان سعودی و پیکارجویان خارجی بیشتر اهل پاکستان، افغانستان و روسیه را به دنبال خواهد داشت. این شرایط، همچون بیماری سرطان گسترش می‌یابد که از نظر آقای پوتین خوب است.

جنگ و هرج و مرج، دشمنان و فرصت‌های بیشتری برای پوتین فراهم می‌کند تا هم‌چون یک فرد سرسخت بر صفحه تلویزیون دولتی روسیه ظاهر شود. رژیم ایران نیز به دلایل مشابهی به منازعه و درگیری احتیاج دارد و به همین دلیل است که هرگز نمی‌تواند از شعار «مرگ بر امریکا» دست بکشد. جنگ در حال افزایش، هم‌چنین بهای نفت را افزایش خواهد داد و این نفعی است که تهران و مسکو نمی‌توانند از آن چشم‌پوشی کنند.

این پیامدها شاید برای آقای اوباما قابل قبول باشد اما او نمی‌تواند طوری وانمود کند که نقشی در به وجود آمدن این وضعیت نداشته است. من هم دوست داشتم در جهانی سرشار از دموکراسی و قانون‌گرایی زندگی کنم؛ یعنی همان دنیایی که آقای اوباما معتقد است ما در آن

بشار اسد در سال جاری هفت برابر داعش مردم سوریه را کشته است

سازمان‌ها و تحلیل‌گران ناظر بر وضعیت سوریه می‌گویند که اگرچه گروه «دولت اسلامی» (داعش) با وحشی‌گری تکان‌دهنده‌ی خود توانسته در صدر اخبار قرار بگیرد، اما هم‌چنان این دولت بشار اسد است که عده‌ی بیشتری از مردم سوریه را می‌کشد و در مقایسه با «داعش» و گروه‌های شورشی، سهم به مراتب بیشتری از حدود ۲۵۰ هزار کشته‌ی چهار سال گذشته را به خود اختصاص داده است. بر اساس تازه‌ترین آمار اعلام‌شده «شبکه سوریه برای حقوق بشر» مستقر در بریتانیا، از آغاز سال جاری میلادی تا پایان ماه جولای (هفت ماه)، ارتش اسد و شبه‌نظامیان حامی او، ۷۸۹۴ نفر را کشته‌اند در حالی که در همین مدت تعداد کشته‌شدگان توسط «داعش» ۱۱۳۱ نفر بوده است. حملات هوایی ارتش اسد تنها در یک روز در ماه آگست (مرداد)، جان بیش از ۱۰۰ نفر را در یک منطقه‌ی مسکونی در شهر «دوما» واقع در حومه‌ی دمشق گرفت که بسیاری از آن‌ها کودکان و زنان بودند.

«حسن تکولدین» جوان ۲۷ ساله‌ی سوریه که خود شاهد این کشتار بود، می‌گوید: «هیچ انسانی توان تحمل آنچه اسد بر سر ما می‌آورد، ندارد.» بسیاری از سوریه‌ها معتقدند که به خشونت کشیده شدن قیام مسالمت‌آمیزشان هم‌زمان با «بهار عربی» در سال ۲۰۱۱، به دلیل پاسخ بی‌رحمانه اسد به تظاهرات غیرمسلحانه معترضان بود که خواهان کنار رفتن او بودند.

اما از حدود یک سال قبل با سربرآوردن «داعش»، نگاه‌ها از سوی اسد به اعدام‌های دسته‌جمعی و گردن زدن‌های این گروه در سوریه و عراق معطوف شد؛ آن هم در حالی که نیروهای اسد به تاخت و تاز در مناطق دیگر سوریه ادامه می‌دادند. به گفته‌ی تحلیل‌گران، استفاده‌ی بی‌رویه‌ی

اسد از خشونت، باعث قدرتمند شدن «داعش» و دیگر گروه‌های افراطی شده و میلیون‌ها سوری را وادار کرده که سوریه را به مقصد کشورهای همسایه و اروپا ترک کنند. «امیل حکیم»، تحلیل‌گر خاورمیانه در «موسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک» در لندن می‌گوید: «در مواجهه با خشونت وحشتناک داعش ما نمی‌توانیم فراموش کنیم که دولت اسد منشاء اصلی مرگ و نابودی در سوریه از سال ۲۰۱۱ بوده است. اگر جهان راهی برای مقابله با این مساله پیدا نکند، بحران حل‌نشده باقی خواهد ماند.»

اسد که در حال حاضر کمتر از یک‌سوم خاک سوریه را در کنترل خود دارد در تمام چهار سال گذشته به شکل فزاینده‌ای به نیروی هوایی‌اش به عنوان کشنده‌ترین سلاح خود تکیه داشته است. جنگنده‌های روسی ارتش اسد بدون مقابله بر فراز مناطق تحت کنترل شورشیان پرواز و این مناطق را بمباران می‌کنند. این بمباران شامل بمب‌های بشکه‌ای می‌شود که در واقع محفظه‌های بسته‌ی پرشده با مواد منفجره هستند.

تحلیل‌گران می‌گویند که رهبر رژیم سوریه از طریق کشتار غیرنظامیان به وسیله‌ی بمب‌های بشکه‌ای می‌خواهد آن‌ها را وادار کند که از همراهی شورشیان انصراف دهند و آن‌ها را از مناطق زندگی خود بیرون کنند. با چنین هدفی، در عرض ده روز در ماه گذشته‌ی میلادی (آگست)، حدود ۱۳۰۰ نفر در اثر بمباران هوایی «دوما» و نواحی اطراف آن کشته و زخمی شدند و در ماه جولای، ۷ هزار حمله‌ی هوایی در سراسر سوریه توسط نیروهای دولتی انجام گرفت که بیشترین آمار از زمان آغاز بحران در سال ۲۰۱۱ بود. با این وجود، شورشیان در ماه‌های گذشته توانسته‌اند خسارات بزرگی به ارتش اسد وارد کنند و پیش‌روی‌هایی داشته باشند. این در حالی است که هیچ‌کدام از مخالفان اسد به نیروی هوایی دسترسی ندارند،

ابعاد جدید نزاع کهنه ایران و عربستان در گفتگو با کامبیز غفوری



مرکز مطالعات لیبرالیسم - علی رضا کیانی: اما پس از حادثه منا که منجر به کشته شدن صدها زائر ایرانی شد، این درگیری وارد ابعاد تازه‌ای شده است تا حدی که رهبر جمهوری اسلامی در یک سخنرانی، عربستان را تهدید به «واکنش سخت و خشن» می‌کند. چرا این رقابت سیاسی اوج گرفته است و حتی بوی جنگ مستقیم بین دو کشور از آن به مشام می‌رسد؟ این مسأله را با «کامبیز غفوری»، روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر سیاسی، در میان نهادم. تحلیل او از ماجرا متفاوت از آن چیزی است که این روزها در رسانه‌ها می‌شنویم و می‌خوانیم.

پرسش نخست این است که چرا درگیری سنتی بین جمهوری اسلامی و عربستان این اندازه بالا گرفته است و حتی گاهی صحبت از جنگ مستقیم می‌شود؟

در تحلیل‌هایی که اخیراً شنیده‌ایم، کارشناسان سیاسی عوامل متعددی را مطرح کرده‌اند. مسأله بالا گرفتن جنگ‌های نیابتی در منطقه عنوان شده، مسأله توافق هسته‌ای گفته شده، یعنی مطرح کرده‌اند که در دوره پساتوافق، ایران احتمالاً پشت‌گرمی بیشتری پیدا کرده است برای لحن پرخاش‌جویانه‌اش... ولی من فکر نمی‌کنم هیچ‌کدام از این‌ها بتوانند به تنهایی لحن رهبر جمهوری اسلامی را توجیه کند. ما جنگ نیابتی را همیشه در سال‌های اخیر داشته‌ایم. قضیه یمن را هم اگر بگوییم بالا گرفتن جنگ نیابتی بود، آن هم ماه‌ها است که وجود دارد. ولی تا کنون به تهدید نظامی مستقیم یک کشور دیگر در منطقه از سوی رهبر جمهوری اسلامی با واکنش «سخت و خشن» نرسیده بود.

بلافاصله بعد از آن، فرمانده کل سپاه پاسداران، آقای جعفری، گفت که این نیرو آماده است برای دستور تا با واکنش سریع و خشن برود و از آل سعود انتقام بگیرد.



دولت عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران همیشه رقابتی سنتی برای یکدیگر بوده‌اند. جنگ‌هایی که در یمن و سوریه در جریان است به نوعی جنگ‌های نیابتی عربستان و جمهوری اسلامی هم محسوب می‌شود.



وقتی که فرمانده یک نیروی نظامی در مملکت می‌گوید که آماده دستور است تا واکنش سریع و خشن نشان دهد، این یعنی تهدید مستقیم به حمله نظامی. تهدید عربستان به حمله نظامی با این صراحت، تا کنون کم‌سابقه بوده است.

من فکر می‌کنم آقای خامنه‌ای هم خواسته با این بیان، عزم جدی دستگاه رهبری، یعنی بالاترین سطوح تصمیم‌گیری کشور را برای پی‌گیری سرنوشت افراد مهمی که در جریان حادثه منا مفقود شده‌اند، نشان بدهد. افرادی که موقعیت ویژه‌ای در سیستم امنیتی نظام جمهوری اسلامی دارند و به نظر می‌رسد به دست نیروهای امنیتی عربستان افتاده‌اند و تلاش وزارت خارجه برای اطلاع از سرنوشت‌شان تا کنون بیهوده بوده است.

آقای خامنه‌ای می‌خواهد جدیت نظام را در این زمینه به رخ بکشد که البته به نظر می‌رسد زیاد این تهدیدش، لااقل تا این لحظه که ما داریم حرف می‌زنیم، در این مورد کارساز نبوده است. من فکر می‌کنم مواردی پشت پرده در سطح سیاسی بین ایران و عربستان وجود دارد که شاید از چشم بعضی از تحلیل‌گرها دور مانده یا به نظرشان خیلی مهم نیامده است. یعنی مفقود شدن چند چهره کلیدی در جریان حج امسال و کشته شدن صدها حاجی که حین رمی جمارات رخ داد.

در بین‌شان، غضنفر رکن‌آبادی و علی‌اصغر فولادگر و البته مقام‌های مسوول دیگری را داشتیم؛ چندین نفر از کادر وزارت امور خارجه بودند، چندین نفر هم از اعضا سپاه بودند ولی این دو فرد را تا آنجایی که ما می‌دانیم، چهره‌های بسیار مهمی برای دولت عربستان هستند.

علی اکبر ولایتی گفته بود در حادثه منا برخی افراد رده بالای نظام مفقود شده‌اند. این دو نفر را می‌توان از کسانی دانست که به واسطه آن‌ها از این حرف ولایتی رمزگشایی شود؟

کاملاً درست است. گفته مفقود شده‌اند و مفقود شدن‌شان «ظن برانگیز» است.

آیا این را به این معنا می‌توان گرفت که عربستان سعودی این افراد را ربوده است؟

بله. این احتمال هم وجود دارد. ببینید رکن‌آبادی و علی‌اصغر فولادگر چهره‌های ناآشنایی نیستند که با گذشت چندین روز، یعنی بیش از دو هفته در میان مفقودین شناخته نشوند. به چهره این‌ها را می‌شناسند. استخبارات عربستان خیلی هم خوب این‌ها را می‌شناسند.

اجازه بدهید من اول بگویم که این‌ها چرا اصلاً برای سعودی‌ها مهم هستند. چرا ممکن است عربستان این ریسک را بکند و به قیمت بالا گرفتن تنش‌ها بیاید یک یا دو یا چند نفر را در اختیار بگیرد؟ ما تا لحظه‌ای که داریم مصاحبه می‌کنیم تقریباً چند نفر بیشتر نیستند از تیم ایرانی که اسم‌شان به عنوان مفقود اعلام شده باشد. سرنوشت بقیه روشن شده است. چند ده نفر هستند -حالا تعداد دقیق‌شان را باید بار دیگر چک کنیم- فکر می‌کنم شصت نفر هستند که جز مفقودین اعلام شده‌اند. از قضا افراد بعثه رهبری جزو مفقودین هستند.

خلاصه اینکه به گفته شما سرنوشت تمام حجاج ایرانی روشن شده است. ولی چند ده نفر هستند که هنوز روشن نشده است و این چند ده نفر نیز اکثراً اعضای بعثه رهبری هستند.

بله بله بین آن‌ها اعضا بعثه رهبری خیلی زیاد است. تا این لحظه‌ای که ما داریم مصاحبه می‌کنیم. شما حساب کنید عمار میرانصاری، سید حمید میرزاده، فواد مشعلی، محمد سعیدی‌زاده. احمد فهیما از اعضا وزارت خارجه، علی‌اصغر فولادگر از سپاه و آقای رکن‌آبادی که شهرتش از همه بیشتر است، این‌ها اعضای هستند که اکثرشان یا مستقیماً کارمند وزارت خارجه بودند یا مستقیماً

از اعضا سپاه بودند یا به نوعی از طرف بعثه رهبری آمده بودند. حالا حسن دانش هست، سید حسین حسینی هست، افراد متعددی هستند. خب! خیلی باید جالب باشد که درصد بالایی از کسانی که هنوز سرنوشتشان مشخص نشده، اینها از بعثه رهبری هستند و مخصوصا این دو شخصیت، یعنی فولادگر و رکن‌آبادی که به این دلیلی که الان می‌خواهم بگویم احتمالا اهمیت داشته‌اند برای استخبارات عربستان.

علی اصغر فولادگر رییس دفتر اطلاعات استراتژیک سپاه بوده است. معاون سرلشگر صفوی، فرمانده کل سابق سپاه بوده است. این فردی است که سابقه حضورش در منطقه خاورمیانه به دهه شصت خورشیدی بازمی‌گردد. یعنی آقای فولادگر در دهه شصت در لبنان بوده است؛ همان زمانی که حزب‌الله لبنان داشت پایه‌گذاری می‌شد. یعنی از زمان پایه‌گذاری حزب‌الله لبنان ایشان جز کسانی بود که در این کشور بوده است و به همین صورت هم در سوریه.

از ایشان به عنوان تحلیل‌گر مسائل منطقه هم یاد می‌کردند. ایشان از نظر اطلاعات استراتژیک، خب به خیلی از اطلاعات خاص دسترسی داشته و از معتمدان بیت آقای خامنه‌ای بوده. یک سال و نیم قبل آقای فولادگر در یک سخنرانی در شهر اصفهان این را گفت که سال ۹۰ به حج رفته و یک سری چیزها را بررسی کرده است سال ۹۲ هم به حج رفته. ما می‌بینیم که سال ۹۴ هم به حج رفته است و این سوال بزرگ پیش می‌آید - در کنار بقیه مسائل مصاحبه - که چطور یک چنین شخصیتی دست کم هر دو سال یک بار در سال‌های اخیر رفته از عربستان بازدید کرده است؟! آن جوری که در این مصاحبه می‌گوید اطلاعاتی را هم حالا مثلا نظرسنجی می‌کرده، با عربها در مورد مسائل منطقه صحبت می‌کرده. خب این مسائلی است که می‌تواند عربها را حساس کند. غیر از این که از ایشان قبلا عکسها و خبرهایی هم منتشر شده در رسانه‌های

ایران در وبسایت‌های فارسی زبان داخل ایران که انتقادات بسیار تندی هم نسبت به عربستان داشته است که باعث شده جایگاه جدی نظامی - سیاسی ایشان روشن شود. یعنی چهره ناشناسی نیست؛ عکس‌هایش در وبسایت‌ها هست.

اینکه آقای فولادگر در سه دوره با فاصله‌های زمانی کوتاه به عربستان می‌رود، برای کارهای امنیتی و اطلاعاتی می‌رفتند؟ یا نه، یک حضور معمولی برای زیارت بوده است و مسوولیتی دز زمینه تسهیل امور زائران؟

ببینید من فکر نمی‌کنم جمهوری اسلامی بخواهد مامورانی در این رده، یعنی رده خیلی بالا را صرفا برای جمع‌آوری اطلاعات بفرستد و اگر این کار را کرده باشد، اشتباه بسیار بزرگی کرده است. به خاطر این که یک فردی را در این رده از اطلاعات با پاسپورت عادی و بدون هیچ حمایت ویژه‌ای در معرض یک خطر بالقوه قرار داده! ببینید آقای رکن‌آبادی، همین که طبیعتا با پاسپورت عادی به حج رفته، حتی اجازه دستگیری با بهانه‌های واهی هم به پلیس عربستان می‌دهد. این خودش یک ریسک است!

یعنی با این وضعیت عربستان به راحتی می‌تواند اینها را بازداشت کند؟

بله. شنیده‌ایم عربستان یکی دو نفر را بازداشت کرده است. به اتهام این که اینها اخلاص کردند و باعث بی‌نظمی و به وجود آمدن آن کشتار شدند. خب البته شنیدیم بعدا آزادشان کردند و رکن‌آبادی هم جزویشان نبود. خب خیلی راحت می‌تواند بگوید فلانی در لیست بازداشت شدگان ما بوده است به این اتهام. من توضیحی برایش ندارم که برای چه کاری ممکن است رفته باشد. آیا هدفی غیر از زیارت، یعنی حج داشتند یا هدف و ماموریت خاصی را دنبال می‌کردند. در این مورد هیچ اطلاعات یا نظر خاصی ندارم.

اگر مفروض بگیریم که عربستان افرادی چون رکن آبادی و فولادگر را ربوده است، امکان همکاری اسرائیل با عربستان نیز مطرح است؟ با توجه به اینکه مثلا حوزه اصلی فعالیت آقای رکن آبادی، مأموریت امنیتی سیاسی در لبنان بوده است، یا مثلا آقای فولادگر بنا به گفته خود شما از پایه‌گذاران حزب الله لبنان بوده است.

ببینید! من فکر می‌کنم که استخبارات عربستان اصلا تعارف ندارد که با موساد همکاری کند. مخصوصا اگر این همکاری به صورت غیرعلنی و پنهان باشد. بعید هم نیست که از اطلاعات و تجربیات موساد در این زمینه استفاده کند. ولی این که بخواهد رکن آبادی را تحویل اسرائیل دهد، من کمی بعید می‌دانم. در وهله اول به خاطر اینکه فکر می‌کنم بالاخره عربستان باید یک توضیحی به حکومت ایران بدهد در مورد سرنوشت این فرد، دست کم یک جسدی تحویل بدهد! حالا من چه احتمالی می‌دهم... می‌توانیم بررسی کنیم این احتمال را. رکن آبادی کاردار ایران در سوریه، معاون اول بخش خاورمیانه وزارت خارجه و سفیر ایران در بیروت بود. او روابط گسترده‌ای با متحدان ایران در سوریه و لبنان داشت. در جریان یک بمب‌گذاری در بیروت اعلام شد که هدف اصلی او بوده و رسانه‌های جمهوری اسلامی همان زمان انگشت اتهام را به سوی عربستان نشانه رفته بودند. به فرض صحت این اتهام، دولت عربستان می‌خواست این فرد را در لبنان از بین ببرد. حالا بهترین موقعیت پیش آمده که او زنده و گیرم مجروح در اختیار نیروهای امنیتی این کشور قرار بگیرد.

خود العربیه نوشته که رکن آبادی اطلاعات حساسی مانند اسرار حزب الله و موشک‌های ایران در دسترس دارد. این خیلی مهم است. الان ایران و عربستان درگیر جنگ نیابتی در سوریه و لبنان و عراق هستند. هر اطلاعات حساسی می‌تواند وزن دارنده‌ی این اطلاعات را در منطقه افزایش دهد.

بازجویی از این چهره‌ها -بازجویی تحت فشار منظوم است- می‌تواند اطلاعات ذی‌قیمتی را در اختیار بازجوها قرار دهد. حالا این بازجو می‌تواند بازجوی استخبارات عربستان باشد، می‌تواند با همکاری موساد صورت بگیرد. می‌دانیم که اسرائیل از نظر تکنیک‌های بازجویی بسیار پیشرفته است و می‌تواند خیلی تخصصی‌تر اطلاعات بگیرد. این دو فرد، اطلاعات استراتژیکی قطعاً دارند؛ شما حساب کنید اسامی جاسوس‌ها، محل اجتماع نیروها، استقرار سکوها، موشکی، این که کانال ارتباطی رساندن سلاح به حزب الله لبنان چگونه است. این‌ها اطلاعاتی هستند که ما می‌دانیم هر سیستم امنیتی دوست دارد به هر قیمتی به این‌ها برسد. حالا فرض کنید این افراد زنده در دست مأموران استخبارات بیفتند. هر ساعت ذی‌قیمت است برای گرفتن اطلاعات، چه برسد به چندین روز، چه رسد به ده بیست روز.

بنابراین هر چقدر کش بدهند برای‌شان بهتر است. آخرش هم می‌توانند طرف را مرده اعلام کنند و جسدش را تحویل بدهند. اگر تکنیکی بازجویی کرده باشند، یحتمل خیلی هم سخت می‌شود علت دقیق مرگ را فهمید. قطعاً پزشکی قانونی می‌تواند زمان مرگ را تشخیص دهد و قطعاً پزشکی قانونی می‌تواند بفهمد که این افراد تا چه روزی زنده بودند. منتها کار دیگری بعد از آن از دست ایران بر نمی‌آید.

یادمان نرود که یکی از دعوای اخیر ایران با عربستان، مسأله برگرداندن جسد‌ها بود. عربستان می‌خواست اعلام کند که اجساد را در همان مکه دفن می‌کند. ایران به شدت واکنش نشان داد.

پس به صورت خلاصه تحلیل شما این است که احتمال اینکه سازمان‌های اطلاعاتی عربستان و اسرائیل در قضیه رکن آبادی و فولادگر -و افرادی از این دست که مفقود شده‌اند- با هم همکاری کرده باشند، اصلا بعید نیست؟

بله من اصلاً بعید نمی‌دانم. با توجه به اینکه آدم‌هایی مثل این‌ها به اسرار موشکی حزب‌الله لبنان و رابطه جمهوری اسلامی با این گروه‌ها کاملاً دسترسی دارند.

آیا به همین دلیل است که دولت روحانی نیز برخلاف ادعاهایش در رابطه با تنش‌زدایی خارجی، در مقابل عربستان زبانش تند و تیز شد و با آن‌ها با لحن تهدید صحبت کرد؟

دقیقاً به همین خاطر می‌تواند باشد. دولت روحانی درست است یک سری سیاست‌های نرم‌تر و در واقع فنی‌تری را در قبال کشورهای خارجی پیش رو گرفته، ولی فراموش نکنیم که بخشی از نظام جمهوری اسلامی است و منافع نظام جمهوری اسلامی در کشورهایمانند لبنان سوریه و عراق، حیاتی است. دقیقاً هم در تعارض و نقطه مقابل منافع کشورهایمانند عربستان و اسرائیل است.

یعنی اگر می‌گوییم که عربستان می‌تواند روی کمک اسرائیل در زمینه بازجویی از این افراد حساب کند، به خاطر منافع مشترکی است که این دو کشور علیه سیاست‌های جمهوری اسلامی در منطقه دارند.

اگر اسرائیل به این اطلاعات برسد که بتواند ضربه به حزب‌الله لبنان بزند، این مورد مطلوبی هم برای عربستان است. من فکر می‌کنم دولت روحانی سر این مسائل، یعنی منافع حیاتی نظام در منطقه، تعارفات دیپلماتیک را کنار می‌گذارد.

پرسش آخر اینکه فکر می‌کنید این درگیری‌ها به جنگ ختم می‌شود یا در حد همین درگیری‌های شدید لفظی و رقابت‌های نیابتی در منطقه می‌ماند؟

من بعید می‌دانم که ایران و عربستان به دلایل مختلف اصلاً قدرت مقابله با هم‌دیگر را داشته باشند. جنگ مستقیم منظورم است.

فرماندار شهرستان شمیرانات می‌گوید نیروهای مسلح، ۸۱۸ هکتار از اراضی ملی این شهرستان را تصرف کرده‌اند.

این دو کشور توان تاوان دادن هزینه‌های جنگ -هزینه مالی فقط منظورم نیست- را ندارند. مثلاً ایران هرگز نمی‌تواند مکه و مدینه را هدف قرار دهد. عربستان هم هیچ‌گونه پیروزی در هدف قرار دادن ایران نخواهد داشت.

ایران سرزمین بزرگی است و به فرض با چند بمباران احتمالی عربستان سقوط نخواهد کرد. عربستان هم به مشکل خواهد خورد چون ایران می‌تواند با موشک‌هایش چاه‌های نفت عربستان را به آتش بکشد یا تنگه هرمز را برای مدتی هرچند کوتاه ببندد. اما از سوی دیگر خودش ضرر بزرگ‌تری خواهد کرد و با کل جهان عرب وارد جنگی خواهد شد که از تاب و تحملش خارج است.

مضاف بر این‌ها، قدرت‌های اصلی منطقه هرگز اجازه نخواهند داد بین این دو کشور جنگ شود. این دو کشور، قسمت اعظمی از صادرات نفت دنیا را روی هم رفته دارند تقبل می‌کنند و یکی از شاه‌رگ‌های انرژی در دنیا هستند، پس هر چه می‌گویند، فعلاً لفاظی است.

من اصلاً نمی‌بینم که این دو کشور وارد جنگ مستقیم شوند، مگر این که چیز عجیب و غریبی روی دهد. به نظرم در نهایت، در حوزه نیابتی خود، یعنی درون خاک کشورهای منطقه، یکدیگر را بیشتر می‌کوبند که الان هم در این کار چندان رودربایستی با یکدیگر ندارند.

